

حجاب شناسی (چالش‌ها و کاوش‌های جدید)

- شناسنامه کتاب
- دیباچه
- مقدمه
- فصل اول : مفهوم، فلسفه و فواید حجاب
 - 1- مفهوم و ابعاد حجاب
 - 2- رابطه‌ی حجاب و عفاف
 - 3- هدف و فلسفه‌ی حجاب
 - 4- آثار و فواید حجاب در ابعاد مختلف
- فصل دوم : تاریخچه اجمالی حجاب و حجاب زدایی
 - 1- علل شکست حرکت‌های کشف حجاب
 - 2- منشأ حرکت‌های بی‌حجابی و بدحجابی
 - 3- رابطه‌ی حجاب در شکل چادر، با دین و تاریخ ملی
- فصل سوم : چارچوب اسلامی حجاب
 - 1- نگاهی اجمالی به شکل‌های حجاب قرآنی بانوان
 - 2- فلسفه‌ی تفاوت پوشش زن و مرد
 - 3- کیفیت حجاب و پوشش فاطمه زهرا (س)
 - 4- رنگ جلباب و چادر قرآنی
 - 5- نگاهی اجمالی به دیدگاه اسلام در باب پوشش مشکی
- فصل چهارم : تعارض نمایی حجاب و آزادی
 - 1- رابطه‌ی حد و مرزهای پوشش و عقده‌ها و حسرت‌ها
 - 2- حدود آزادی اظهار نظر درباره‌ی حجاب و لباس
 - 3- رابطه‌ی حجاب و فشارهای اجتماعی
 - 4- رابطه‌ی حجاب و پوشش و مسئله آزادی
 - 5- سوء استفاده از عواطف مذهبی جوانان در مقوله‌ی حجاب
 - 6- لباس و پوشش و حق انتخاب آن

- فصل پنجم : کارآمدی چادر و حجاب شناسی
- 1- مسئله‌ی دست و پاگیر بودن حجاب در شکل چادر
- 2- حجاب مشکي در تابستان
- 3- رابطه‌ی حجاب مشکي و بیماری‌های استخواني
- 4- رابطه‌ی حجاب مشکي و افسردگی و اندوهناکی
- 5- آیا بانوان مشکي پوش نمی‌توانند رنگ‌های غیر مشکي را بشناسند؟
- نتیجه‌گیری
- پیش‌نهادها و توصیه‌ها
- پیوست: استفتانات و دیدگاه‌های مراجع تقلید درباره‌ی حجاب و لباس
- فهرست گزیده منابع

شناسنامه کتاب

حجاب شناسی (چالش‌ها و کاوش‌های جدید)

مؤلف: حسین مهدیزاده

تهیه‌کننده: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه‌ی علمیه

ناشر: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌ی علمیه قم

ویراستاران: محمد جواد شریفی، حمیده انصاری

حروف‌چین و صفحه‌آرا: حسن یوسفی

چاپ اول: زمستان 1381

تیراژ: 2000 جلد

قیمت: 8000 ریال

قم، صندوق پستی 37185/4466 تلفن: 7737217

مراکز پخش:

قم: مدرسه‌ی عالی دارالشفاء، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، تلفن: 7748383
قم: خ شهدا، ک 19، پلاک 45، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه‌ی علمیه، تلفن: 7737217.
قم: خ آیتا.. مرعشی نجفی، پاساژ قدس، شماره‌ی 82، انتشارات بنی‌الزهر (س)، تلفن: 7732730.
تهران: خ انقلاب، روبروی دبیرخانه دانشگاه، ساختمان امیرکبیر، (کتب جیبی)، طبقه سوم، واحد نه،
مؤسسه‌ی فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تلفن: 6492693
کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

دیباچه

يا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسُ الْتَقْوَى ذَلِكُمْ خَيْرٌ ذَلِكُمْ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ
يَذَكَّرُونَ يا بَنِي آدَمَ لا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمُ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ
بِرَأْسِكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ [1]

اي فرزند آدم، برای شما لباسی فرو فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه‌ی زینت شماس است و لباس
تقوا بهترین است. این از آیات خداست؛ باشد که متذکر شده، پند گیرند. ای فرزندان آدم، مبادا شیطان شما
را فریب دهد، چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد. پوشش از تن آنان برکند و قبايح آنان را
در نظرشان پدیدار نمود؛ همانا که شیطان و بستگانش شما را می‌بینند، در صورتی که شما آنها را
نمی‌بینید. ما شیطان را دوست‌دار آنان که ایمان نمی‌آورند، قرار دادیم.

پیشینه‌ی حجاب و پوشش انسان به اندازه‌ی تاریخ آفرینش اوست. پوشش و لباس هر انسانی پرچم کشور
وجود اوست. پرچمی که او بر در خانه‌ی وجودش نصب کرده است و با آن اعلام می‌دارد که از کدام
فرهنگ تبعیت می‌کند؛ هم‌چنان که هر ملتی با وفاداری و احترام به پرچم خود، اعتقاد خود را به هویت
ملی خویش ابراز می‌کند؛ هر انسانی که به یک سلسله ارزش‌ها و بینش‌ها معتقد و دل‌بسته است، لباس
متناسب با آن ارزش‌ها و بینش‌ها را از تن به در خواهد کرد. [2] حجاب و پوشش بارزترین نشانه‌ی
فرهنگی و نماد ملی است که به سرعت تحت تأثیر سایر پدیده‌های فرهنگی قرار می‌گیرد.

هر نوع دگرگونی در ساختار فرهنگی و اجتماعی، با تغییر در پوشش مردم مشخص می‌گردد؛ چنان که

استیلای فرهنگی و سلطه‌پذیری نیز، در اولین مرحله، از طریق تغییر در پوشش مردم چهره می‌نماید. چون استعمار و استکبار نتوانست انقلاب اسلامی ایران را از راه نظامی مهار نماید، اکنون با تغییر تاکتیک و روش، تلاش می‌کند از طریق فرهنگی، آن را دچار استحاله و تغییر هویت نماید. یکی از روش‌های استکبار برای نفوذ فرهنگی، تشکیک و القای شبهه در مبانی دینی مردم است که طی چند سال اخیر شتاب بیش‌تری گرفته است. [3]

به اعتقاد ما چون دشمن به فرهنگ ما هجوم آورده است، باید به جهاد فرهنگی با آن برخیزیم؛ و جهاد فرهنگی، سربازان جان برکف جبهه‌ی فرهنگ و اندیشه‌ی دینی را به حضور در خط مقدم این جهاد مقدس فرا می‌خواند؛ از این رو، نگارنده با توجه به توانایی خود تلاش نموده تا در این جهاد فرهنگی شرکت نماید.

چون طرح نوشتار حاضر به صورت پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات است؛ لذا مناسب است نخست به تفاوت «پرسش» و «شبهه» اشاره گردد.

تفاوت ماهوی و اصلی پرسش و شبهه این است که معمولاً پرسش به قصد یافتن حق و حقیقت و با نیت صادقانه صورت می‌گیرد، ولی تشکیک و شبهه به قصد گم کردن حق و حقیقت و با نیت غیر صادقانه صورت می‌گیرد؛ از این رو عقل و نقل، پرسش از افراد صاحب‌نظر و شایسته را می‌ستاید و به آن توصیه می‌کند؛ چنان که قرآن مجید می‌فرماید:

فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ [4] اگر نمی‌دانید از اهل ذکر (علماء و دانشمندان) سؤال کنید. همچنین پیامبر اکرم (ص) در روایتی فرموده‌اند:

العلم خزائن و مفاتيحه السؤال فاسئلوا رحمكم الله فإنه يوجر اربعة السائل و المتكلم و المستمع و المحب لهم؛ [5] علم گنجینه‌هایی است و پرسش، کلیدهای آن؛ پس بپرسید آنچه را نمی‌دانید، تا مشمول رحمت خدا قرار گیرید. همانا چهار گروه در ضمن يك پرسش اجر و ثواب دارند: پرسش کننده، پاسخ دهنده، شنونده و دوست‌دار آن‌ها.

در مقابل پرسش‌گری به جا و شایسته، که به آن توصیه شده است، عقل و نقل، آلوده شدن به شبهات و وقوع در آن‌ها را امری مذموم و ناپسند می‌دانند؛ همان‌گونه که انسان از آلودگی جسمی دوری می‌جوید، باید از شبهات آلوده‌کننده‌ی روح و روان نیز اجتناب نماید:

اياك و الوقوع في الشبهات؛ [6] بر حذر باش از قرار گرفتن در شبهه‌ها.

نه تنها انسان از وقوع در شبهه منع شده است، بلکه پس از وقوع در شبهات و آلودگی ذهن و دین، انسان به شبهه‌زدایی و پاک‌سازی مکلف شده است:

نَرِّهْوا اديانكم عن الشبهات و صونوا انفسكم عن مواقف الريب الموبقات [7]؛ دین خود را از شبهه‌ها پاک و خالص کنید و خودتان را از مکان‌های شبهه‌خیز و هلاک‌کننده حفظ کنید.

ارسله بالدين المشهور... ازاحة للشبهات؛ [8] اميرمؤمنان امام علي(ع) يكي از اهداف و رسالت‌هاي ديني پيامبر اکرم(ص) را از بين بردن شبهات ذکر کرده است .

در حديثي درباره‌ي وجه تسميه و علت نام‌گذاري شبهه آمده است:

انما سميت الشبهة شبهة لانه تشبه الحق؛ [9] شبهه را به اين علت شبهه مي‌گويند که حق نيست، ولي به حق شباهت دارد .

شبهه باطلاي حق‌نماست که تناسبات جزئي و مقطعي در آن رعايت شده است؛ به گونه‌اي که جلوه‌ي تناسبات فرعي، چشم افراد داراي آگاهي اندک را خيره نموده، باعث مي‌شود آن را حق بدانند؛ ولي به دليل عدم رعايت تناسبات اصلي و محوري در حوزه‌ي باطل قرار دارد. ميزان تأثير شبهه به مقدار هماهنگي دروني و بيروني آن بستگي دارد؛ هر چه شبهه به مرز حق نزديک‌تر باشد، شمار بيش‌تري را گرفتار مي‌کند و باعث اشتباه ديگران و در دام افتادن آنان مي‌گردد. [10]

در سال‌هاي اخير، روند شبهات درباره‌ي حجاب شدت يافته است. براي تصديق اين مدعا کافي است به مقالات مطبوعاتي و نمايه‌هاي آن مراجعه گردد. مطرح کردن شبهات فراوان در زمينه‌ي حجاب برتر به همراه عوامل ديگر؛ مانند ضعف اعتقاد و عدم شناخت کافي از حجاب اسلامي و ضرورت آن و... موجب افت روند استفاده از مصاديق حجاب برتر در جامعه شده است، که نتيجه‌ي اتخاذ روش تخريبي بعضي مطبوعات، رواج پوشش‌هاي نامناسب، مانند لباس‌هاي نازک، کوتاه و رنگين در بين دختران و زنان جوان در مقابل نامحرمان است؛ چون يکي از عوامل مهم سلامت روحي و رواني جامعه‌ي اسلامي، روي آوردن بانوان به مصاديق حجاب برتر است؛ لذا سعي نگارنده، پاسخ‌گويي به شبهات مهم درباره‌ي حجاب برتر است. سنگ بناي تمام مطالب طرح شده در نوشتار حاضر، اين است که پوشش انسان، خصوصاً بانوان، داراي حداقل و حداکثر است؛ و از مجموع آموزه‌هاي اسلامي به روشني استفاده مي‌شود که اسلام مشوق و طرفدار حجاب و پوشش حداکثر براي زنان و دختران در مقابل نامحرمان است. ادعاي فوق با استناد به آيات و روايات، و حجاب و پوشش بيش‌تر و برتر فاطمه‌ي زهرا(س) به راحتی اثبات مي‌شود. قرآن کریم مي‌فرمايد :

وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ [11] و زنان سال‌خورده که از ولادت و عادت باز نشسته‌اند و اميد ازدواج و نکاح ندارند بر آنان باکي نيست، اگر اظهار تجملات و زينت خود نکنند که جامه‌هاي رويي خود نزد نامحرمان از تن بگيرند و اگر باز هم عفت و تقواي بيش‌تر گزينند، بر آنان بهتر است .

در آيه‌ي فوق خداوند نخست به زنان سالمند اجازه داده است در مقابل نامحرم، بعضي لباس‌هاي رويي و بيروني - که در روايت معتبر به جلباب (چادر) تفسير شده است - [12] را از خود بگيرند؛ ولي در آخر آيه مي‌فرمايد: حتي اگر زنان پير نيز در مقابل نامحرم، چادر خويش را بر زمين نگذارند و عفت ورزند،

برای آنان بهتر است؛ بنابراین، از آیه‌ی مذکور به روشنی مطلوبیت حجاب و پوشش بیشتر، حتی برای زنان سالمند استفاده می‌شود، تا چه رسد به زنان و دختران جوان، که احتمال تعرض افراد لایبالی و فاسد نسبت به آنان بیشتر است، و به طریق اولی مطلوبیت حجاب و پوشش بیشتر برای آنان اثبات می‌گردد. علاوه بر این، در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است:

يا ايها الناس اتخذوا السراويلات فانها من استر ثيابكم و حصنوا بها نساءكم اذا خرجن؛ [13] ای مردم از شلوارها برای پوشش استفاده کنید؛ زیرا از پوشاننده‌ترین لباس‌ها هستند و زنان خود را هنگامی که از منزل خارج می‌شوند از طریق استفاده از شلوار حفظ کنید. در روایت فوق عبارت «استر ثيابكم و حصنوا بها نساءكم اذا خرجن» به خوبی دلالت بر مطلوبیت پوشش کامل زنان در خارج از منزل می‌نماید.

علاوه بر این، امیرمؤمنان امام علی (ع) در روایتی، حجاب و پوشش کامل زنان را باعث حفظ عفت و پاکی آنان دانسته‌اند:

«ان شدة الحجاب ابقی علیهن». [14]

همچنین قرآن کریم، استفاده از شکل‌های حجاب دارای پوشش بهتر و بیشتر، مثل خمار [15] (مقنعه) و جلباب [16] (چادر) را توصیه نموده است. فاطمه‌ی زهرا (س) نیز هنگام خروج از منزل و رفتن به مسجد، برای دفاع از فدک، از همین حجاب‌های قرآنی استفاده کرده‌اند. [17] آنچه ذکر شد، شواهد و قراین مستحکم و روشنی است که مطلوبیت حجاب و پوشش اکثر و بیشتر را برای بانوان و دختران جوان اثبات می‌نماید. [18] با توجه به برخورداری حجاب و پوشش از مقدار حداقلی و حداکثری و مطلوبیت حجاب و پوشش اکثری، خصوصاً برای زنان و دختران جوان آشکار خواهد شد که دفاع از پوشش‌هایی، مانند لباس ضخیم، بلند و دارای رنگ سنگین، مقنعه، چادر مشکی و غیره در نوشته‌ی حاضر، به این دلیل است که این گونه لباس‌ها و حجاب‌ها، مصادیق و نمونه‌های حجاب و پوشش بیشتر و بهتر برای بانوان و دختران جوان در مقابل نامحرم به شمار می‌آیند.

همان خداوندی که برای مصون ماندن جسم از ورود میکروب‌ها در اعضای بدن انسان، حجاب‌ها و حفاظ‌های طبیعی، مانند پوست بدن، پلک چشم، و... قرار داده است، به عنوان طبیب روحانی، برای جلوگیری از آلودگی روح و روان انسان به گناه، و حفظ پاکی آن، حجاب‌ها و حفاظ‌هایی را به شکل دستورهای الهی و انجام واجبات و ترک محرمات قرار داده است.

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است:

يا عبادالله انتم كالمرضي و رب العالمين كالطبيب فصلاح المرضي فيما يعلم الطبيب و يداوي به لا فيما يشتهي المريض و يقترحه الا فسلّموا لله امره تكونوا من الفائزين؛ [19] ای بندگان خدا، شما همانند انسان‌های بیمار، و پروردگار جهان همانند طبیب است، پس خیر و صلاح انسان‌های مریض در گوش

دادن به علم و تدبیر طبیب است، نه پیروی از تمایلات و هواهای نفسانی و آنچه پیشنهاد می‌کند؛ متوجه و تسلیم دستور خدا باشید تا از رستگاران قرار گیرید .

تسلیم شدن در مقابل دستورهایی خداوند به وجود آورنده‌ی حفاظ و لباس تقواست که بهترین لباس و پوشش درونی است :

وَ لِبَاسِ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ [20]

و بدون تردید، لزوم حجاب و پوشش، یکی از مهم‌ترین واجبات الهی برای زنان و تأمین‌کننده‌ی عفت و تقوای آنان است. تقوا در فرهنگ اسلامی یک حجاب و مانع درونی و باطنی در مقابل گناه است که آثار آن در رفتار ظاهری و بیرونی تجلی می‌یابد. تقوا والاترین ارزش اسلامی و ملاک سنجش ارزش انسان‌ها نسبت به یکدیگر است:

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ [21]

چون تقوا دارای درجات و مراتب مختلف است، قرآن انسان‌ها را به کسب مراتب و درجات بالاتر آن تشویق نموده است :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ. [22]

اگر تقوا را دارای سه درجه‌ی «حداقل»، «حد وسط» و «حداکثر» بدانیم، از دو واژه‌ی «اکرم» و «اتقی» در آیه‌ی فوق، که افعال تفضیل‌اند، به روشنی استفاده می‌شود که در فرهنگ اسلامی، تحصیل حداکثر تقوا مطلوب است؛ بنابراین، نمی‌توان به حد متوسط تقوا راضی شد و افراط و زیاده‌روی در آن را مذموم دانست؛ زیرا برای رشد و تعالی، که به وسیله‌ی تقوا حاصل می‌گردد و هدف خلقت انسان است، نمی‌توان حد و مرزی را تعیین نمود؛ در نتیجه حجاب و پوشش زنان نیز از جمله اموری است که حداکثر آن مطلوب و راجح است؛ زیرا حجاب و پوشش نقش مهمی در ایجاد عفاف و تقوا دارد .

پس از توضیحات فوق که به منزله‌ی شالوده و سنگ بنای فصل‌های نوشته حاضر می‌باشد شایسته است توضیح مختصری درباره‌ی ویژگی‌های این اثر ارائه گردد.

ویژگی‌های نوشتار حاضر

1. برای پاسخ‌گویی به شبهات، از روش پرسش و پاسخ که در قرآن نیز فراوان به کار رفته، [23] استفاده شده است.

2. تاکنون درباره‌ی پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات حجاب، کتاب‌های بسیار خوبی، مانند کتاب ارزشمند

مسئله‌ی حجاب استاد مطهری، نگاشته شده است؛ ولی چون گذشت زمان باعث می‌شود که درباره‌ی مسائل مختلف و از جمله مبانی دینی حجاب، پرسش‌ها و شبهات جدیدی مطرح گردد؛ از این رو، در این اثر پرسش‌ها و شبهات جدید حجاب مورد توجه قرار گرفته است. برای دست‌یابی به پرسش‌ها و شبهات نو، علاوه بر مراجعه به روزنامه‌ها و مجلات، که معمولاً منعکس‌کننده‌ی شبهات جدید و روزمره هستند،

به کتاب‌هایی که به نحوی پاسخ شبهات حجاب را مطرح کرده‌اند نیز مراجعه شده است، تا از ذکر مطالب تکراری پیش‌گیری شود.

3. علاوه بر شبهه‌ها، بعضاً پرسش‌های مهم و متناسب نیز مطرح و پاسخ گفته شده است؛ البته با توجه به تفاوت ماهوی ذکر شده برای پرسش و شبهه، موارد آن دو به گونه‌ای متمایز شده‌اند.

4. احتمالات مختلف هر پرسش و شبهه، تا حد مقدور، کالبد شکافی شده و پاسخ هر یک از آنها بیان گشته است، تا اولاً در ذهن مخاطب ابهامی نسبت به پرسش و شبهه‌ی طرح شده باقی نماند؛ و ثانیاً باعث افزایش دقت علمی و موشکافی مخاطبان و افزایش توان پاسخ‌گویی آنها در مواجهه با پرسش‌ها و شبهه‌های دیگر گردد.

5. تمام شبهات، با ذکر مشخصات و سند و مدرک طرح شده است، تا برای افرادی که به دنبال کشف حقیقت‌اند، ولی تردید دارند که بعضی از مطبوعات در هجوم فرهنگی غرب، پایگاه دشمن قرار گرفته‌اند نیز آشکار گردد که چگونه امروز عده‌ای از طریق فرهنگی و با سلاح قلم و ابزار مطبوعات، مقاله و کتاب، قلب و ذهن پاک جوانان این مرز و بوم را با روش تبلیغات القایی منفی مورد هدف قرار می‌دهند و تلاش می‌کنند تا از طریق غذای روحی و فکری مسموم، مبانی فکری و عقیدتی آنها را متزلزل نمایند.

6. علاوه بر استفاده از تحلیل‌های عقلی، از ادله‌ی نقلی و آیات و روایات نیز فراوان استفاده شده است، تا هم کارآمدی و لزوم هماهنگی عقل و نقل در پاسخ‌گویی به شبهه‌ها، به طور عملی برای مخاطبان ترسیم شود، و هم جوانان عزیز از معارف نشأت گرفته از دو چشمه‌ی جوشان قرآن و حدیث، به طور گسترده سیراب شوند.

7. به دلیل ارتباط مباحث حجاب و پوشش با مباحث روان‌شناسی رنگ‌ها و روان‌شناسی لباس و تفاوت‌های روان‌شناختی زن و مرد، سعی شده با استفاده از برخی منابع مربوط، نادرستی عمل بعضی از مطبوعات شبهه‌افکن که قصد دارند با دادن آب و رنگ علمی به بعضی از شبهات، حجاب برتر را مخدوش کنند روشن گردد.

8. چون بخش زیادی از شبهات حجاب در سال‌های اخیر، مربوط به مصادیق حجاب برتر، مثل مقنعه، چادر و مخصوصاً چادر مشکی بوده است، از این رو طبیعی است که قسمت فراوانی از مطالب این کتاب، به ویژه فصل‌های دوم، سوم و پنجم در دفاع از مصادیق حجاب برتر، مثل مقنعه، چادر و چادر مشکی و اثبات مطلوبیت و برتری این‌گونه حجاب‌ها با ادله‌ی عقلی و نقلی فراوان باشد.

9. یکی از یافته‌های پژوهشی جدید این اثر، بحث از هم‌گرایی و مشابهت‌های بسیار نزدیک چادر مشکی با جلباب قرآنی است. نگارنده در ضمن تحقیق و پژوهش درباره‌ی جلباب قرآنی، به قراین و شواهد متعددی دست یافته است که حاکی از شباهت‌های بسیار نزدیک چادر مشکی و جلباب قرآنی است.

10. سطح مطالب کتاب به گونه‌ای است که دانش‌آموزان دختر مقاطع راهنمایی و دبیرستان می‌توانند از

آن استفاده کنند.

در پایان یادآور می‌شوم؛ چنانچه این نوشتار تأثیر مطلوبی در مخاطبان داشته باشد به برکت همراهی آن با کلمات نورانی قرآن و احادیث اهل بیت (ع) است و اگر تأثیر نامطلوبی داشته باشد به خاطر ضعف علمی نگارنده است؛ چون طبیعی است که آثار علمی افراد عادی غیر معصوم، کم و بیش دارای اشکالات و نواقصی است؛ بنابراین، از خوانندگان ارجمند تقاضا دارم ما را از لطف خود محروم ننمایند و اشکالات و نواقص این اثر را متذکر شوند، تا در چاپ‌های بعدی مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

حسین مهدی زاده

دی ماه 1381

پاورقی ها:

- [1] سوره‌ی اعراف (7)، آیه‌ی 26 - 27.
- [2] غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص 40.
- [3] برای آگاهی از افزایش حجم کمی و کیفی شبهات در چند سال اخیر ر.ک: آزادی یا توطئه، (نگاهی به کارنامه‌ی مطبوعات شبهه افکن).
- [4] سوره‌ی نحل (16)، آیه‌ی 43.
- [5] محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 4، ص 330. واژه سؤال.
- [6] آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص 72، ح 1082.
- [7] همان، ص 73، ح 1085.
- [8] نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، خطبه‌ی دوم، ص 46.
- [9] آمدی، همان، ص 72، ح 1083.
- [10] علی اکبر نصرتی، سحر شبهه، ماهنامه‌ی اطلاع رسانی مبلغان، شماره‌ی 3، مهر ماه 1377، ضمیمه‌ی بصائر، ویژه‌ی خبرگان سوم، ص 149.
- [11] سوره‌ی توبه (9)، آیه‌ی 60.
- [12] [12] عن ابي عبد الله عليه السلام قال: القواعد من النساء ليس عليهن جناح ان يضعن ثيابهن. قال: تضع الجلباب وحده. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 14، ابواب مقدمات نکاح، باب 110، حکم القواعد من النساء، ص 147، حدیث 3. درباره‌ی مفهوم جلباب و هم‌گرایی و شباهت بسیار نزدیک آن با چادر در فصل دوم به طور استدلالی بحث خواهد شد.
- [13] محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 2، ص 259، واژه‌ی حجاب.

[14] نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، نامه‌ی 31 .
[15] سوره‌ی نور (24)، آیه‌ی 31. (وَ لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ).
[16] سوره‌ی احزاب (33)، آیه‌ی 59. (يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيْبِهِنَّ).
[17] طبرسی، الاحتجاج، ج 1، ص 97 - 98. (لائث خمارها علی رأسها واشتملت بجلبابها).
[18] علاوه بر ادله‌ی مذکور، در لابلاي اثر حاضر با شواهد و قراین زیادی که اثبات‌کننده‌ی مطلوبیت حجاب و پوشش بیش‌تر برای بانوان در مقابل نامحرم است آشنا خواهید شد.
[19] محمدتقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ج 1، ص 313، به نقل از مجموعه‌ی ورام، ج 2، ص 117.

[20] سوره‌ی اعراف (7)، آیه‌ی 26.
[21] سوره‌ی حجرات (49)، آیه‌ی 13.
[22] سوره‌ی آل عمران (3)، آیه‌ی 102.
[23] در قرآن کریم، علاوه بر موارد فراوانی که به طور ضمنی، از روش پرسش و پاسخ استفاده شده، در پانزده مورد نیز به طور صریح از روش پرسش و پاسخ استفاده گردیده است. در این موارد، عبارت «یَسْئَلُونَكَ» حاکی از پرسش دیگران از پیامبر اکرم (ص) و کلمه‌ی «قُل» مبین پاسخ آن پرسش‌هاست؛ مثل «یَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي»: سوره‌ی اسراء (17)، آیه‌ی 85.

مقدمه

گوهر اسلام، سعادت و نجات آدمی است و باورهای دینی و احکام اخلاقی و فقهی در راستای این غایت نازل شده‌اند. این آموزه‌های هستمندان و بایستی از خالق حکیمی تجلی می‌یابد که به نیازهای روحی و جسمی، مادی و معنوی، فردی و اجتماعی کاملاً آگاه است. احکام الهی مربوط به پوشش زن نیز با این فلسفه و حکمت حکیمانه صادر شده است.
زن با عنصر حجاب اسلامی، به تهذیب و تزکیه‌ی نفس و ملکات نفسانی پرداخته و قرب الهی را فراهم ساخته و زمینه‌ی رشد معنوی مردان را در اثر حفظ نگاه تأمین می‌کند؛ همچنان که خداوند سبحان خطاب به پیامبر می‌فرماید: «به مردان مؤمن بگو تا چشم‌های خود را از نگاه ناروا بپوشانند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان اصلح است»؛ [1] هم‌چنین می‌فرماید: «به زنان و دختران خود و زنان مؤمن بگو که خویشان را به چادرهای خود فرو پوشند که این کار برای این است که آنها به عفت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت آزار نکشند؛ خداوند در حق خلق، آمرزنده و مهربان

است.» [2] شایان ذکر است که حجاب و پوشش اسلامی برای مردان و زنان، تنها از کارکرد فردی برخوردار نیست و فقط برای سامان دهی خلیقات و ملکات نفسانی آدمیان مؤثر نمی‌باشد، بلکه از کارکرد اجتماعی نیز برخوردار است؛ غرایز و التهاب‌های جسمی، و معاشرت‌های بی‌بندوبار را کنترل، و بر تحکیم نظام خانواده افزوده، و از انحلال کانون محکم زناشویی جلوگیری نموده، و امنیت اجتماعی را فراهم می‌سازد.

البته و صد البته که حفظ نظام خانواده از مهم‌ترین ارزش‌های آدمی است. آنان که میان نظام خانواده و روابط نامشروع تمایز قایل نیستند؛ به لحاظ معرفتی، نسبی‌گرایند و معیار سنجش معرفت صحیح از سقیم را انکار می‌کنند. این گروه، حتی برای رویکرد و اندیشه‌ی خود نیز ارزش معرفتی قایل نیستند و همیشه در شکاکیت مطلق گرفتارند. کسی که هدفمندانه زیست کند، برای رفتارها و اندیشه‌ها، معیارمندانه دست به‌گزینش می‌زند، تا به اهداف متعالی انسانی و الهی دست یازد؛ و حفظ حجاب و پوشش اسلامی و به تبع آن، حفظ نظام خانواده نیز از آن رو ارزش دارند که تأمین‌کننده‌ی سعادت آدمی و منشأ قرب الهی هستند. حال اگر کسانی با نگاه دینی و اسلامی و یا با رویکرد جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، مسئله‌ی حجاب را ارزیابی کنند، به کارکردهای مادی و معنوی، فردی و اجتماعی آن پی برده، به تأیید و ترویج آن اقدام می‌کنند؛ بنابراین، پوشش اسلامی زن به منزله‌ی یک حافظ ظاهری و باطنی در برابر افراد نامحرم است که مصونیت اخلاقی، خانوادگی، اجتماعی و پیوند عمیق میان حجاب ظاهری و باطنی را فراهم می‌سازد.

چالش‌ها و پرسش‌های معاصر که ذهن نسل جوان را به خود مشغول ساخته، حوزه‌ی پوشش و حجاب اسلامی را نیز دربر گرفته است؛ مسائلی همچون: آثار و فواید حجاب، رابطه‌ی حجاب و عفاف، فلسفه‌ی تفاوت پوشش زن و مرد، رنگ مشکی چادر، رابطه‌ی حجاب و آزادی، پوشش و حق انتخاب، نوع حجاب و...

محقق فرزانه جناب حجت‌الاسلام حسین مهدی‌زاده از پژوهشگران گروه تربیت و مشاوره‌ی مرکز، در پاسخ‌گویی به پرسش‌های فوق، از توفیق خوبی برخوردار بوده است.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از تلاش محقق عزیز؛ و نیز از حجج اسلام سید محمد علی داعی‌نژاد (معاونت پژوهشی)، اسدالله طوسی (مدیر گروه تربیت و مشاوره) و حمید کریمی (مدیر پروژه‌ها) و سایر مدیران و کارمندان مرکز که در آماده‌سازی این اثر، تلاش مخلصانه نموده‌اند؛ به ویژه از حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حسینی بوشهری، مدیر مرکز مدیریت حوزه و مدیر مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، تقدیر و تشکر نمایم.

عبدالحسين خسروپناه
جانشين مركز مطالعات و پژوهش‌هاي فرهنگي حوزه‌ي علميه
عيد سعيد فطر 1423

- [1] سوره‌ي نور (24)، آيه‌ي 30.
[2] سوره‌ي احزاب (33)، آيه‌ي 59.

فصل اول:

مفهوم، فلسفه و فوايد حجاب

فصل اول اين اثر، پاسخ‌گوي شبهات و سؤالاتي درباره‌ي مفهوم و ابعاد حجاب اسلامي، رابطه‌ي حجاب و عفاف، فلسفه‌ي تشریح حکم حجاب و آثار و فوايد حجاب و پوشش اسلامي است.

1- مفهوم و ابعاد حجاب

مفهوم حجاب چیست و از نظر قرآن و حدیث، حجاب و پوشش اسلامي داراي چه ابعاد و اقسامی است؟ حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است [1]. استعمال این کلمه، بیش‌تر به معنی پرده است [2]. [این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده، وسیله‌ي پوشش است، ولي هر پوششي حجاب نیست؛ بلکه آن پوششي حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد] [3].

در این نوشتار مراد ما از حجاب، پوشش اسلامی است، و مراد از پوشش اسلامی زن، به عنوان یکی از احکام وجوبی اسلام، این است که زن، هنگام معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.

بنابراین، حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است؛ و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود؛ گاهی ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد، در این صورت نمی‌توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است.

گاهی مشاهده می‌کنیم که بسیاری از زنان محجبه در پوشش خود از رنگ‌های شاد و زیبا و تحریک برانگیز استفاده می‌کنند که به اندامشان زیبایی خاصی می‌بخشد و در عین پوشیده بودن بدن زن، زیبایی‌اش آشکار است، گویی که اصلاً لباس نپوشیده است [4]؛ و این دور از روح حجاب است. اگر به معنای عام، هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه را حجاب بنامیم، حجاب می‌تواند اقسام و انواع متفاوتی داشته باشد. یک نوع آن حجاب ذهنی، فکری و روحی است؛ مثلاً اعتقاد به معارف اسلامی، مانند توحید و نبوت، از مصادیق حجاب ذهنی، فکری و روحی صحیح است که می‌تواند از لغزش‌ها و گناه‌های روحی و فکری، مثل کفر و شرک جلوگیری نماید.

علاوه بر این، در قرآن از انواع دیگر حجاب که در رفتار خارجی انسان تجلی می‌کند، نام برده شده است؛ مثل حجاب و پوشش در نگاه که مردان و زنان در مواجهه با نامحرم به آن توصیه شده‌اند: *قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ* [5]؛ ای رسول ما به مردان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند.

قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ [6]؛ ای رسول به زنان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند. نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است: *فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ* [7]؛ پس زنهان نازک و نرم با مردان سخن نگویند؛ مبادا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد.

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است به گونه‌ای راه نروند که با نشان دادن زینت‌های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند: *وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ* [8]؛ و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود.

از مجموع مباحث طرح شده به روشنی استفاده می‌شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قابل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در انحای مختلف رفتار، مثل نحوه‌ی پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است.

2- رابطه‌ی حجاب و عفاف

چشم و دل را پرده می‌بایست اما از عفاف چادر پوشیده بنیاد مسلمانی نبود [9]

شبهه:

بعضی با تمسک به شعر فوق، ادعا نموده‌اند که بین حجاب و عفاف رابطه‌ای نیست؛ عفاف لازم است، اما حجاب لازم نیست. گاه همین مطلب با تمسک به حجاب و پوشش زنان روستایی و زنان شالیزار شمال کشور توجیه می‌شود که آنها حجاب کامل ندارند، ولی عقیف هستند. [10] آیا ادعای مذکور صحیح است؟ پاسخ:

قبلاً ذکر شد که حجاب در کتاب‌های لغت به معنای پوشش، پرده و مانع آمده است. به نگیبان، حاجب می‌گویند؛ چون مانع ورود اغیار و بیگانگان در یک حریم و محیط خاص می‌گردد. بنابراین، حجاب و پوشش زن نیز به منزله‌ی یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرم است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند. همین مفهوم منع و امتناع در ریشه‌ی لغوی عفت نیز وجود دارد [11]؛ بنابراین، دو واژه‌ی «حجاب» و «عفت» در اصل معنای منع و امتناع مشترک‌اند. تفاوتی که بین منع و بازداری حجاب و عفت است، تفاوت بین ظاهر و باطن است؛ یعنی منع و بازداری در حجاب مربوط به ظاهر است، ولی منع و بازداری در عفت، مربوط به باطن و درون است؛ چون عفت یک حالت درونی است، ولی با توجه به این که تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است؛ [12] بنابراین، بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تأثر متقابل است؛ بدین ترتیب که هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه‌ی باطنی و درونی عفت، تأثیر بیشتری دارد؛ و بالعکس هر چه عفت درونی و باطنی بیشتر باشد باعث حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر در مواجهه با نامحرم می‌گردد. قرآن مجید به شکل ظریفی به این تأثیر و تأثر اشاره فرموده است. نخست به زنان سالمند اجازه می‌دهد که بدون قصد تبرج و خودنمایی، لباس‌های رویی خود، مثل چادر را در مقابل نامحرم بردارند، ولی در نهایت می‌گوید: اگر عفت بورزند، یعنی حتی لباس‌هایی مثل چادر را نیز بردارند، بهتر است.

وَ الْفَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. [13]

علاوه بر رابطه‌ی قبل، بین پوشش ظاهری و عفت باطنی، رابطه‌ی علامت و صاحب علامت نیز هست؛ به این معنا که مقدار حجاب ظاهری، نشانه‌ای از مرحله‌ی خاصی از عفت باطنی صاحب حجاب است.

البته این مطلب به این معنا نیست که هر زنی که حجاب و پوشش ظاهری داشت، لزوماً از همه‌ی مراتب عفت و پاکدامنی نیز برخوردار است.

با توجه به همین نکته، پاسخ این اشکال و شبهه‌ی افرادی که برای ناکارآمد جلوه دادن حجاب و پوشش ظاهری، تخلفات بعضی از زنان با حجاب را بهانه قرار می‌دهند آشکار می‌گردد؛ زیرا مشکل این عده از زنان، ضعف در حجاب باطنی و فقدان ایمان و اعتقاد قوی به آثار مثبت حجاب و پوشش ظاهری است و قبلاً گذشت که حجاب اسلامی ابعادی گسترده دارد و یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ابعاد آن، حجاب درونی و باطنی و ذهنی است که فرد را در مواجهه با گناه و فساد، از عقاید و ایمان راسخ درونی برخوردار می‌کند؛ و اساساً این حجاب ذهنی و عقیدتی، به منزله‌ی سنگ بنای دیگر حجاب‌ها، از جمله حجاب و پوشش ظاهری است؛ زیرا افکار و عقاید انسان، شکل دهنده‌ی رفتارهای اوست.

البته، همان‌گونه که حجاب و پوشش ظاهری، لزوماً به معنای برخورداری از همه‌ی مراتب عفاف نیست، عفاف بدون رعایت پوشش ظاهری نیز قابل تصور نیست. نمی‌توان زن یا مردی را که عریان یا نیمه عریان در انظار عمومی ظاهر می‌شود عقیف دانست؛ زیرا گفتیم که پوشش ظاهری یکی از علامت‌ها و نشانه‌های عفاف است، و بین مقدار عفاف و حجاب، رابطه‌ی تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد. [14] بعضی نیز رابطه‌ی عفاف و حجاب را از نوع رابطه‌ی ریشه و میوه دانسته‌اند؛ با این تعبیر که حجاب، میوه‌ی عفاف، و عفاف، ریشه‌ی حجاب است. برخی افراد ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند، ولی عفاف و طهارت باطنی را در خویش ایجاد نکرده باشند. این حجاب، تنها پوسته و ظاهری است. از سوی دیگر، افرادی ادعای عفاف کرده و با تعابیری، مثل «من قلب پاک دارم، خدا با قلب‌ها کار دارد»، خود را سرگرم می‌کنند؛ چنین انسان‌هایی باید در قاموس اندیشه‌ی خود این نکته‌ی اساسی را بنگارند که درون پاک، بیرونی پاک می‌پروراند و هرگز قلب پاک، موجب بارور شدن میوه‌ی ناپاک بی‌حجابی نخواهد شد. [15]

وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي حَبَّتْ لَا يُخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا؛ [16] زمین پاک نیکو گیاهش به اذن خدا نیکو برآید و زمین خشن ناپاک بیرون نیاورد، جز گیاه اندک و کم ثمر .

3-هدف و فلسفه‌ی حجاب

هدف از تشریح حجاب اسلامی و فلسفه‌ی حجاب و پوشش چیست ؟

هدف اصلی تشریح احکام در اسلام، قرب به خداوند است که به وسیله‌ی تزکیه‌ی نفس و تقوا به دست می‌آید :

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ [17] بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست .

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛4

اوست خدایي که میان عرب امی (قومی که خواندن و نوشتن هم نمی دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان قوم برانگیخت، تا بر آنان وحی خدا را تلاوت کند و آنها را (از لوث جهل و اخلاق زشت) پاک سازد و کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد؛ با آن که پیش از این، همه در ورطه‌ی جهالت و گمراهی بودند. از قرآن کریم استفاده می‌شود که هدف از تشریح حکم الهی، وجوب حجاب اسلامی، دست‌یابی به تزکیه‌ی نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی است. آیاتی هم‌چون :

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ؛ [18] ای رسول ما مردان مؤمن را بگو تا چشم‌ها از نگاه ناروا ببوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان اصلح است .

وَ إِذَا سَأَلُتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْئَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ؛ [19] و هرگاه از زنان رسول متاعی می‌طلبید از پس پرده بطلبید، که حجاب برای آن که دل‌های شما و آنها پاک و پاکیزه بماند بهتر است.

وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَ أَنْ يَسْتَعْجِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ [20] و زنان سالخورده که از ولادت و عادت بازنشسته‌اند و امید از دواج و نکاح ندارند، بر آنان باکی نیست که اگر اظهار تجملات و زینت خود نکنند، نزد نامحرمان جامعه‌های خود را از تن برگیرند و اگر باز هم عفت و تقوای بیش‌تر گزینند، بر آنان بهتر است و خدا به سخنان خلق شنوا و آگاه است .

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ [21] ای پیغمبر با زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را به چادرهای خود فروپوشند که این کار برای این که آنها به عفت و حریت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوسرانان) آزار نکشند بر آنان بسیار بهتر است و خدا در حق خلق، آمرزنده و مهربان است. چون نگاه به نامحرم توسط مردان، باعث تحریک و تهییج جنسی آنان و در نتیجه منجر به فساد می‌شود، خداوند در کنار دستور حجاب و پوشش بدن به بانوان، به مردان نیز دستور به حجاب و پوشش چشم داده و نگاه به نامحرم را بر آنان حرام کرده است؛ چنان‌که از امام رضا (ع) نقل شده است :

حُرِّمَ النَّظَرُ إِلَى شَعْرِ النِّسَاءِ الْمُحْجَبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَ غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُوا التَّهْيِيجَ إِلَى الْفَسَادِ وَ الدَّخُولِ فِيهَا لَا يَحِلُّ وَ لَا يَجْمَلُ؛ [22] نگاه به موهای زنان با حجاب از دواج کرده و بانوان دیگر، از آن جهت حرام شده است که نگاه، مردان را برمی‌انگیزد و آنان را به فساد فرا می‌خواند در آنچه که ورود در آن نه حلال است و نه شایسته .

از مجموع آیات و حدیث فوق به خوبی استفاده می‌شود که هدف و فلسفه‌ی وجوب حجاب اسلامی، ایجاد تزکیه‌ی نفس، طهارت و عفت و پاکدامنی در بین افراد جامعه، و ایجاد صلاح و پیش‌گیری از فساد است.

4- آثار و فواید حجاب در ابعاد مختلف

حجاب و پوشش دارای چه آثار و فوایدی است؟

حجاب و پوشش، در ابعاد مختلف، دارای آثار و فواید زیادی است که بعضی از مهم‌ترین فواید آن عبارت‌اند از:

الف) فایده‌ی حجاب در بُعد فردی

یکی از فواید و آثار مهم حجاب در بُعد فردی، ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه است که یکی از عوامل ایجاد آن عدم تهییج و تحریک جنسی است؛ در مقابل، فقدان حجاب و آزادی معاشرت‌های بی‌بندوبار میان زن و مرد، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضای سکس را به صورت عطش روحی و یک خواست اشباع‌نشده درمی‌آورد. غریزه‌ی جنسی، غریزه‌ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است که هرچه بیشتر اطاعت شود بیشتر سرکش می‌گردد؛ هم‌چون آتشی که هرچه هیزم آن زیادت‌تر شود شعله‌ورتر می‌گردد. بهترین شاهد بر این مطلب این است که در جهان غرب که با رواج بی‌حیایی و برهنگی، اطاعت از غریزه‌ی جنسی بیشتر شده است، هجوم مردم به مسئله‌ی سکس نیز زیادت‌تر شده و تیراژ مجلات و کتب سکسی بالاتر رفته است. این مطلب پاسخ روشن و قاطع به افرادی است که قایل‌اند همه‌ی گرفتاری‌هایی که در کشورهای اسلامی و شرقی بر سر غریزه‌ی جنسی وجود دارد، ناشی از محدودیت‌هاست؛ و اگر به کلی هرگونه محدودیتی برداشته شود و روابط جنسی آزاد شود، این حرص و ولعی که وجود دارد، از بین می‌رود.

البته از این افراد باید پرسید؛ آیا غرب که محدودیت روابط زن و مرد و دختر و پسر را برداشته است،

حرص و ولع جنسی در بین آنان فروکش کرده است یا افزایش یافته است؟! [23]

پاسخ هر انسان واقع‌بین و منصفی به این سؤال این است که نه تنها حرص و ولع جنسی در غرب افزایش یافته است، بلکه هر روز شکل‌های جدیدتری از تمتعات و بهره‌برداری‌های جنسی در آنها رواج و رسمیت می‌یابد.

یکی از زنان غربی منصف، وضعیت جامعه‌ی غرب را در مواجهه با غریزه‌ی جنسی این‌گونه توصیف کرده است:

کسانی می‌گویند مسئله‌ی غریزه‌ی جنسی و مشکل زن و حجاب در جوامع غربی حل شده است؛ آری، اگر

از زن روی گرداندن و به بچه و سگ و یا همجنس روی آوردن حل مسئله است، البته مدتی است این راه حل صورت گرفته است!! [24]

ب) فایده‌ی حجاب در بُعد خانوادگی

یکی از فواید مهم حجاب در بُعد خانوادگی، اختصاص یافتن التذاذهای جنسی، به محیط خانواده و در کادر ازدواج مشروع است. اختصاص مذکور، باعث پیوند و اتصال قوی‌تر زن و شوهر، و در نتیجه استحکام بیش‌تر کانون خانواده می‌گردد؛ و برعکس، فقدان حجاب باعث انهدام نهاد خانواده است. یکی از نویسندگان، تأثیر برهنگی را در اضمحلال و خشکیدن درخت تنومند خانواده، این‌گونه بیان کرده است: در جامعه‌ای که برهنگی بر آن حاکم است، هر زن و مردی، همواره در حال مقایسه است؛ مقایسه‌ی آنچه دارد با آنچه ندارد؛ و آنچه ریشه‌ی خانواده را می‌سوزاند این است که این مقایسه آتش هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می‌زند. زنی که بیست یا سی سال در کنار شوهر خود زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است، پیداست که اندک اندک بهار چهره‌اش شکفتگی خود را از دست می‌دهد و روی در خزان می‌گذارد. در چنین حالی که سخت محتاج عشق و مهربانی و وفاداری همسر خویش است، ناگهان زن جوان‌تری از راه می‌رسد و در کوچه و بازار، اداره و مدرسه، با پوشش نامناسب خود، به همسر او فرصت مقایسه‌ای می‌دهد؛ و این مقدمه‌ای می‌شود برای ویرانی اساس خانواده و بر باد رفتن امید زنی که جوانی خود را نیز بر باد داده است؛ و هم‌هی خواهران جوان لابد می‌دانند که هیچ جوانی نیست که به میانسالی و پیری نرسد و لابد می‌دانند که اگر امروز آنان جوان و با طراوت‌اند در فردای بی‌طراوتی آنان، باز هم جوانانی هستند که بتوانند برای خانواده‌ی فردای آنها، همان خطری را ایجاد کنند که خود آنان امروز برای خانواده‌ها ایجاد می‌کنند. [25]

ج) فایده‌ی حجاب در بُعد اجتماعی

یکی از فواید مهم حجاب در بُعد اجتماعی، حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه است. در مقابل، بی‌حجابی و بدحجابی باعث کشاندن لذت‌های جنسی از محیط و کادر خانواده به اجتماع، و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه می‌گردد. بدون تردید، مردی که در خیابان، بازار، اداره، کارخانه و ... همواره با قیافه‌های محرک و مهیج زنان بدحجاب و آرایش کرده مواجه باشد، تمرکز نیروی کار او کاهش می‌یابد. برخلاف نظام‌ها و کشورهای غربی، که میدان کار و فعالیت‌های اجتماعی را با لذت‌جویی‌های جنسی در هم می‌آمیزند، [26] اسلام می‌خواهد با رعایت حجاب و پوشش، محیط اجتماع از این‌گونه لذت‌ها پاک شده، و لذت‌های جنسی، فقط در کادر خانواده و با ازدواج مشروع انجام شود [27].

د) فایده‌ی حجاب در بُعد اقتصادی

استفاده از حجاب و پوشش، به ویژه در شکل چادر مشکی، به دلیل سادگی و ایجاد یکدستی در پوشش بانوان در بیرون منزل، می‌تواند از بُعد اقتصادی نیز تأثیر مثبت در کاهش تقاضاهای مدپرستی بانوان داشته باشد؛ البته به شرط این‌که خود چادر مشکی دست‌خوش این تقاضاها نگردد. متأسفانه بعضاً مظاهر مدپرستی در چادرهای مشکی نیز مشاهده می‌گردد، به گونه‌ای که برخی از بانوان به جای استفاده از چادرهای مشکی متین و باوقار، به چادرهای مشکی، توری، نازک و دارای طرح‌های جلف و سبک که با هدف و فلسفه حجاب و پوشش تناسبی ندارند روی می‌آورند.

یکی از دانشجویان محببه درباره‌ی رواج فرهنگ مدگرایی در خاطرات قبل از انقلاب خود گفته است: یادم می‌آید آن وقت‌ها که حجاب نداشتیم، اگر دو روز پشت سر هم قرار بود که به خانه‌ی کسی بروم، لباسی را که امروز پوشیده بودم، حاضر نمی‌شدم فردا بپوشم! احساس می‌کردم مسخره است و سعی داشتم حتی اگر شده، لباس دیگران را به عاریه بگیرم و بپوشم، تا من هم با لباس جدیدی رفته باشم. این کارها واقعاً رفاه حال و راحتی را از خانم‌ها سلب کرده بود. [28]

علاوه بر فواید یاد شده، به طور فهرست‌وار فواید و آثار دیگری نیز برای حجاب و پوشش می‌توان نام برد، که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- حفظ ارزش‌های انسانی؛ مانند عفت، حیا و متانت در جامعه و کاهش مفاسد اجتماعی.

- هدایت، کنترل و بهره‌مندی صحیح و مطلوب از امیال و غرایز انسانی.

- تأمین و تضمین سلامت و پاک‌ی نسل افراد جامعه. [29]

پاورقی‌ها:

[1] جوهری، صحاح اللغه، الحجاب: الستر؛ فیومی، المصباح المنیر، حجه حجباً من باب قتل: منعه و منه قیل للستر الحجاب لانه یمنع المشاهده .

[2] در قرآن این کلمه در هشت مورد به کار رفته که بیش‌تر به معنای حاجز، مانع، حایل و پرده است.

[3] استاد مطهری، مسئله‌ی حجاب، ص 78 .

[4] علامه سیدمحمدحسین فضل الله، مجله‌ی پیام زن، «جوانان، ورزش و حجاب» شماره‌ی 74، ص

19.

[5] سوره‌ی نور (24)، آیه‌ی 30.

[6] سوره‌ی نور (24)، آیه‌ی 31.

[7] سوره‌ی احزاب (33)، آیه‌ی 32.

[8] سوره‌ی نور (24)، آیه‌ی 31.

[9] پروین اعتصامی، دیوان شعر، ص 154.

[10] کیهان لندن، 1374/3/11.

[11] الف) العفة: الكفّ عما لا يحلّ و لا یجمل؛ ابن منظور، لسان العرب، واژه‌ی عفت.

ب) العفة: حصول حالة للنفس تمتنع بها عن غلبة الشهوة، راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، واژه‌ی عفت.

ج) عفت عن الشيء: امتنع عنه؛ فیومی، المصباح المنیر، واژه‌ی عفت.

[12] ر.ک: خسرو باقری، «نگاهی دوباره به تربیت اسلامی»، بحث ویژگی‌های عمومی انسان، ص 66.

- 73.

[13] سوره‌ی نور، آیه‌ی 60؛ این که ثیاب در آیه‌ی شریفه را به چادر معنا کردیم، به علت روایات متعددی است که آن را به جلباب تفسیر کرده است. و در مباحث آینده آشکار خواهد شد که جلباب به معنای چادر است. برای آشنایی با روایاتی که ثیاب در آیه‌ی شریفه را به جلباب تفسیر کرده‌اند، ر.ک: وسائل الشیعه، ج 14، ابواب مقدمات نکاح، باب 110، باب القواعد من النساء.

[14] ر.ک: مهریزی، حجاب؛ سیدعلی سادات فخر «حجاب ارزش یا روش»، کتاب نقد، ش 17.

(فمینیزم) و ناهید طیبی، «حجاب و عفاف، مروری دوباره» مجله‌ی پیام زن، ش 95 و 96. مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، مجله‌ی حدیث زندگی، ویژه‌ی عفاف. شماره‌ی 6، مرداد و شهریور 1381.

[15] ناهید طیبی، «حجاب و عفاف مروری دوباره»، مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی 95، ص 75 (با کمی دخل و تصرف).

[16] سوره‌ی اعراف (7)، آیه‌ی 58. 4. سوره‌ی جمعه (62)، آیه‌ی 2.

[17] سوره‌ی حجرات (49)، آیه‌ی 13.

[18] سوره‌ی نور (24)، آیه‌ی 30.

[19] سوره‌ی احزاب (33)، آیه‌ی 53.

[20] سوره‌ی نور (24)، آیه‌ی 60.

[21] سوره‌ی احزاب (33)، آیه‌ی 59.

[22] مجلسی، بحار الانوار، ج 104، ص 34.

[23] برای آگاهی از ابعاد گسترش این حرص و ولع ر.ک: جلال رفیع، یادداشت‌ها و ره‌آوردهای سفر نیویورک، در بهشت شداد آمریکای متمدن، آمریکای متوحش.

[24] احمد صبوری اردوباری، آیین بهزیستی اسلام، ج 3، ص 302.

[25] غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص 69-70.

[26] برای آگاهی از گستره‌ی کشانده شدن لذت‌های جنسی به محیط‌های کاری و اجتماع، و اعترافات

صريح بعضي از زنان كشورهاي غربي درباره‌ي مزاحمت‌هاي جنسي نسبت به عهده زنان و كودكان، ر.ك: احمد صبوري اردوباري، بهاي يك نگاه؛ محمدتقي فلسفي، كودك از نظر وراثت و تربيت، ج 2، و روح‌الله حسينيان، حريم عفاف .

[27] سه بعد قبل، از كتاب مسئله‌ي حجاب، استاد مطهري، ص 84-94، (با دخل و تصرف) اقتباس شده است.

[28] ر.ك: احمد اردوباري، آيين بهزيستي اسلام، ج 3، ص 222 .

[29] براي آگاهي بيشتر درباره‌ي آثار و فوايد حجاب و پوشش ر.ك: مجموعه مقالات پوشش و عفاف، دومين نمايشگاه تشخص و منزلت زن در نظام اسلامي؛ همچنين درباره‌ي ضررهاي بدحجابي ر.ك: اسدالله محمدي‌نيا، آنچه بايد يك زن بداند، بخش‌هاي 3، 4 و 5 .

فصل دوم:

تاريخچه اجمالي حجاب و حجاب زدائي

فصل دوم اين اثر پاسخ‌گوي شبهات و پرسش‌هاي گوناگون، درباره‌ي علل شكست حركت‌هاي استعماري كشف حجاب و عوامل گسترش حجاب اسلامي و منشأ حركت‌هاي بدحجابي و بي‌حجابي در كشورهاي اسلامي، و ارتباط حجاب، در شكل چادر، با دين و مذهب است.

1- علل شكست حركت‌هاي كشف حجاب

چرا حركت‌هاي گسترده‌ي كشف حجاب و حجاب‌زدائي، از سوي عوامل وابسته به استعمارگران، در بعضي كشورهاي اسلامي، مثل افغانستان، تركيه، ايران و... با شكست مواجه شده است؟

حداقل سه علت مهم براي شكست حركت‌هاي حجاب زدائي در كشورهاي اسلامي مي‌توان ذكر كرد :

الف) فطري بودن حجاب

به نظر مي‌رسد كه عامل اصلي گرايش انسان‌ها، مخصوصاً زنان، به حجاب و پوشش، تأمين يك نياز فطري و دروني به نام حيا و شرم است.

شرم، یکی از صفات مخصوص انسان است؛ و انسان تنها حیوانی است که اصرار دارد، دست کم، بعضی از اندام‌های خود را بپوشاند. پروفیسور اسوالد شوارتز، طبیب و روان‌شناس اتریشی، در کتاب روان‌شناسی جنسی درباره‌ی احساس شرم در انسان‌ها می‌نویسد :

علاوه بر مردم‌شناسی، تجزیه و تحلیل روان‌شناسی نیز ثابت می‌کند که احساس شرم، یکی از صفات عمده‌ی نوع بشر است. هیچ قبیله‌ی اولیه‌ای، هر قدر هم بدوی بوده باشد، شناخته نشده است که از خود، شرم بروز ندهد و بچه‌های کوچک نیز شرم دارند. در طی دوران رشد بشر و همچنین در خلال رشد افراد، بر وسعت موضوعاتی که مورد حمایت شرم قرار می‌گیرند افزوده می‌شود. حمایت، وظیفه‌ی مخصوصی است که به عهده‌ی شرم گذارده شده است. کاملاً معلوم است که شرم، قبل از همه چیز از اعضای تناسلی و وظایف آنها حمایت می‌کند... ادعای پیش‌رفت و مدرنیزم خرقه‌ای بر تن بی‌خبری از ارزش‌های اساسی است؛ و شرم، نخستین قربانی این گمراهی اخلاقی است؛ مثلاً نهضت اعتقاد به لختی، نمونه‌ی وحشتناکی از این ادعاست. [1]

علاوه بر مطالعات مردم‌شناسی و روان‌شناسی جنسی، از مطالعات تاریخی نیز استفاده می‌شود که انسان در هیچ مقطعی بدون پوشش زندگی نکرده است؛ [2] و این مطلب حاکی از وجود شرم و حیای ذاتی انسان است. از آیات مربوط به خلقت حضرت آدم و حوا نیز فطری بودن پوشش و حجاب استفاده می‌شود. خداوند در قرآن به انسان‌ها هشدار می‌دهد که مواظب باشند مبدا همان گونه که فتنه و فریب شیطان باعث برهنگی آدم و حوا گردید، موجب فریب و برهنگی آنان نیز بشود :

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوَاتِهِمَا. [3]

قرآن همچنین از وسوسه‌ی شیطان برای برهنگی آدم و حوا خبر می‌دهد :

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِهِمَا. [4]

و بالاخره قرآن از کارایی وسوسه‌ی شیطان نسبت به آدم و حوا و خوردن از شجره‌ی ممنوعه و در نتیجه، آشکار شدن زشتی‌های آدم و حوا و اقدام آن دو به پوشاندن بدن خود با برگ درختان خبر می‌دهد :

فَدَلَّاهُمَا بِعُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ. [5]

از تعبیر «ینزع عنهما لباسهما» و «لیبدي لهما ما ووري عنهما من سواتهما» در آیات فوق به روشنی استفاده می‌شود که انسان قبل از ارتکاب خطا در بهشت دارای پوشش بوده است؛ همچنین از تعبیر «طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ» نیز استفاده می‌شود که به دلیل برخورداری آدم و حوا از حیا و شرم فطری، پس از برهنه شدن، فوراً بدن خود را با برگ درختان پوشاندند.

البته، علاوه بر عامل فطری که در پیدایش اصل پوشش دخالت اساسی داشته است، عوامل دیگری، مثل محفوظ ماندن بدن از سرما و گرما، گرایش به تجمل و زیبایی، شرایط محیطی، جغرافیایی، قومی و... در پیدایش تعدد و تنوع و مدل‌های مختلف پوشش مؤثر بوده‌اند.

ب) دینی بودن حجاب

حجاب یکی از احکام مسلم دین اسلام است که اصل آن از ضروریات می‌باشد و آیات و روایات فراوانی بر آن دلالت دارد که به بعضی از آنها اشاره خواهد شد؛ بنابراین، به دلیل شدت وضوح دینی و شرعی بودن حجاب و پوشش، نیازی به بحث درباره‌ی آن نیست. [6] همین دینی بودن حجاب باعث شده تا در تاریخ مبارزه با حرکت‌های حجاب‌زدایی، روحانیت و عالمان دینی، در صف نخست این گونه مبارزات قرار داشته باشند. در قضیه‌ی کشف حجاب به وسیله‌ی رضاخان، عالمان دینی و حوزه‌های علمیه، به دو صورت علمی و عملی با آن مبارزه نمودند. مواجهه‌ی علمی عالمان دینی در نگارش مقالات، رساله‌ها و کتاب‌های علمی در تبیین حجاب و فلسفه و فواید آن تبلور یافت. مواجهه‌ی علمی عالمان دینی در تحمل زندان‌ها، شکنجه‌ها و تبعیض‌ها تحقق یافت که یکی از نقطه‌های اوج آن، قصه‌ی غم‌انگیز مسجد گوهرشاد مشهد مقدس است. [7]

ج) آگاهی زنان و دختران از فواید حجاب

بدون تردید، بین آگاهی و اعتقاد بیش‌تر و عمیق‌تر زنان نسبت به فواید حجاب و پوشش، و رعایت بیش‌تر حجاب توسط آنها، رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد که نمونه‌ی بارز آن را در حجاب فاطمه‌ی زهرا (س) و دیگر زنان اهل بیت (ع) و اصرار آنان بر حفظ حجاب در شرایط سخت اسارت و اعتراض‌های افشاگرانه‌ی آنها در مقابل هتاک‌های مخالفان اهل بیت (ع) می‌توان مشاهده نمود. [8] نقش آگاهی زنان نسبت به فواید و فلسفه‌ی حجاب، در مقابله با نقشه‌های حجاب‌زدایی استعمارگران در مبارزه‌ی مردم الجزایر با دولت استعمارگر فرانسه [9] و همچنین مقاومت دانشجویان دختر محجبه در مقابل مقررات ضد حجاب حکومت لائیک ترکیه نیز، قابل توجه است. جلوه‌ی دیگر تأثیر آگاهی زنان بر علیه بی‌حجابی، قیام زنان آگاه ایرانی در مقابل کشف حجاب رضا خان است. امام خمینی (ره) در این باره فرموده‌اند:

زن‌های ایرانی هم قیام کردند بر ضدش و تودهنی به او زدند که ما نمی‌خواهیم این طور چیزی (کشف حجاب) را. [10]

البته مقاومت زنان آگاه و عفیف ایرانی در مقابل نقشه‌های استعمارگران، حتی قبل از واقعه‌ی کشف حجاب رضاخان نیز سابقه داشته است. یکی از نویسندگان خارجی در تمجید از ایستادگی زنان با حجاب ایرانی در مقابل استعمارگران نوشته است:

درود و عزت بی‌حد، به زنان روبسته‌ی ایران باد. وی به عزم ثابت سیصد زن شجاع اشاره می‌کند که با چادر سیاه و نقاب سفید، در حالی که بسیاری از آنان در زیر لباس طپانچه داشتند، به مجلس رفتند تا نمایندگان از تسلیم کشور به بیگانگان احتراز نمایند. به اعتراف این نویسنده‌ی آمریکایی، آن بانوان شجاع اعلام داشتند که اگر وکلای مجلس بخواهند در حفظ شرف و عزت ایران تسامح به خرج دهند و یا تردید

نمایند، هم آنان و هم شوهران و فرزندان خویش را خواهند کشت، تا لااقل اجسادشان گواهی بر شرف ایرانی باشد. [11]

یکی از نویسندگان داخلی نیز درباره‌ی رابطه‌ی حجاب و آگاهی زنان و نقش آن در خنثی کردن توطئه‌های استعمار غربی می‌نویسد:

حجاب مال نسل آگاهی است که به پوشش اسلامی بر می‌گردد، این نسلی است که با این پوشش اسلامی می‌خواهد به استعمار غربی و به فرهنگ اروپایی بگوید: پنجاه سال کلک زدی، کار کردی، نقشه کشیدی که مرا فرنگی مآب کنی، من با این لباس به تو می‌گویم نه، و به تمام پنجاه سال کارت فاتحه می‌خوانم. [12]

2- منشأ حرکت‌های بی‌حجابی و بدحجابی

با توجه به ریشه‌های فطری حجاب و پوشش، منشأ بعضی حرکت‌های بدحجابی و بی‌حجابی در تاریخ کشورهای اسلامی چیست؟

اولاً، فطری بودن یک مقوله، مانع تأثیرگذاری حرکت‌های تبلیغی، به نفع یا بر ضرر آن نیست؛ مثلاً دین یک مقوله‌ی فطری است، ولی در طول تاریخ، حرکت‌های تبلیغی انبیا(ع) به نفع دین، باعث تحکیم و گسترش آن بوده و برعکس، حرکت‌های تبلیغی مخالفان انبیا، مثل شیاطین جن و انس شبیه‌افکن باعث تضعیف و آسیب‌پذیری آن گردیده است. همین مطلب، در مورد حجاب و پوشش به عنوان یک مقوله‌ی فطری نیز صادق است. همان گونه که تبلیغ و تبیین صحیح فلسفه‌ی حجاب در گسترش و تعمیق آن نقش دارد، در مقابل شبیه‌پراکنی‌ها و سم‌پاشی‌ها و تبلیغ منفی مخالفان نیز در آسیب‌پذیری فرهنگ حجاب و پوشش در جوامع اسلامی تأثیر مهمی دارد. قراین و شواهد مختلف حاکی از این است که یکی از ترفندهای مهم استعمارگران برای نفوذ در کشورهای اسلامی، ترویج بی‌بندوباری از طریق گسترش بدحجابی و بی‌حجابی است؛ و این واقعیتی است که مستر همفر، جاسوس استعمار پیر انگلیس، در خاطرات خود به طور صریح به آن اعتراف نموده است:

در مسئله‌ی بی‌حجابی زنان، باید کوشش فوق‌العاده‌ای به عمل آوریم، تا زنان مسلمان به بی‌حجابی و رها کردن چادر، مشتاق شوند... پس از آن که حجاب زن، با تبلیغات وسیع از میان رفت، وظیفه‌ی مأموران ما این است که جوانان را به عشق‌بازی و روابط نامشروع با زنان تشویق کنند؛ و بدین وسیله، فساد را در جوامع اسلامی گسترش دهند. لازم است زنان غیر مسلمان، کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند، تا زنان

مسلمان از آنان تقلید کنند. [13]

فرانتس فانون، درباره‌ی نقش حجاب‌زدایی دولت استعمارگر فرانسه در کشور اسلامی الجزایر می‌گوید:

اولین اقدام ضد فرهنگی که فرانسه در الجزایر صورت داد، تلاش برای از بین بردن حجاب بود، و در

این کار موفق شد؛ و هر چه بدن زن الجزایری را بیش‌تر عریان کرد، چنگال استعمارگر، بیش‌تر به حلقوم الجزایری فرو رفت؛ اما مجدداً زن الجزایری شخصیت خود را بازیافت و مبارزه علیه مطامع استعمار نیز آغاز گردید. [14]

همین نویسنده، در کلام دیگری، درباره‌ی نقش بی‌حجابی در تشدید حمله‌ی استعمارگر فرانسه به الجزایر گفته است:

هر چادری که دور انداخته می‌شود، افق جدیدی را که تا آن هنگام بر استعمارگر ممنوع بود، در برابر او می‌گشاید و بدن الجزایری را که عریان شده است، تماماً به او نشان می‌دهد. پس از دیدن هر چهره‌ی بی‌حجابی، امیدهای حمله‌ور شدن اشغالگر ده برابر می‌گردد. [15]

علاوه بر نقش استعمار در حجاب‌زدایی از کشور اسلامی الجزایر، حجاب‌زدایی در کشورهای اسلامی افغانستان توسط امان الله خان، ترکیه توسط آتاتورک و ایران توسط پهلوی اول و دوم، داستان مفصل و غم‌انگیزی دارد که پرداختن به آن، نوشته‌ی مستقلی را می‌طلبد.

از آن‌جا که مخاطب ما بیش‌تر زنان و دختران فرهیخته و عفیف ایرانی هستند که با آثار فکری و قلمی مواجه‌اند، مناسب است به نقش بعضی روشن‌فکران و مطبوعات وابسته، در همفکری و همکاری با حجاب‌زدایی استعمار در قضیه‌ی کشف حجاب اشاره نماییم.

یحیی دولت‌آبادی پس از اشاره به وقایع عصر خود می‌نویسد:

اینک در تهران کانون بانوان تأسیس شده و زن‌های روگشوده با مردان معاشرت می‌نمایند؛ و روزبه‌روز دایره‌ی رفع حجاب در تهران و ولایات وسعت می‌گیرد...؛ پس سد حجاب را در ایران شکسته باید دانست. [16]

روزنامه‌ی آزادی چاپ خراسان، در سر مقاله‌اش در تاریخ 28 تیر ماه 1314 به ستایش از کشف حجاب پرداخته و روی کار آمدن رضا خان را به ظهور کوکب درخشان در آسمان ایران تعبیر نموده است. [17] امام خمینی (ره) معمار بزرگ انقلاب اسلامی ایران، به عنوان شاهدی امین و صادق که خود ناظر اوضاع آن زمان بوده است، نقش بعضی مطبوعات و روشن‌فکران وابسته را در کشف حجاب چنین توصیف کرده است:

قلم‌های مسموم خطاکار و گفتار گویندگان بی‌فرهنگ، در این نیم قرن سیاه اسارت‌بار عصر ننگین پهلوی، زن را به منزله‌ی کالایی خواستند درآوردند و آنان را که آسیب پذیر بودند به مراکزی کشیدند که قلم را یارای آن نیست. هر کس بخواهد شمه‌ای از آن جنایات مطلع شود، به روزنامه‌ها و مجله‌ها و شعرهای اوباش و ارادل زمان رضا خان، از روزگار تباہ کشف حجاب الزامی به بعد، مراجعه کند و از مجالس و محافل و مراکز فساد آن زمان سراغ بگیرد. رویشان سیاه، و شکسته باد قلم‌های روشن‌فکرانه‌ی آنان؛ و گمان نشود که آن جنایات، با اسم آزاد زنان و با اسم آزاد مردان، بدون نقشه‌ی جهان‌خواران و جنایتکاران

بین‌المللی بود. [18]

ثانیاً، اثرپذیری زنان و دختران مسلمان از تبلیغ‌های کشورهای استعماری و تقلید بدون منطق زنان از مدل‌های پوشش غربی نیز در این زمینه نقش مؤثری داشته است. مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) در این مورد فرموده‌اند:

عده‌ای از چادر فرار می‌کنند به خاطر این‌که هجوم تبلیغاتی غرب دامن‌گیرشان نشود؛ اما به آن حجاب واقعی بدون چادر هم رو نمی‌آورند، چون آن را هم غرب مورد تهاجم قرار می‌دهد. تصور نکنید اگر ما فوراً چادر را کنار گذاشتیم دست از سر ما بر می‌دارند؛ آنها به این چیزها قانع نیستند، بلکه می‌خواهند همان فرهنگ منحوس خودشان در این‌جا، مثل زمان شاه که زن اصلاً حجاب و پوشش نداشت عمل

شود. [19]

یکی از دانشمندان اسلامی نیز در این مورد گفته است:

مشکل بسیاری از زنان شرق این است که آنان در عین حال که همچنان به ارزش‌های اخلاقی، عفت و شرافت معتقدند، از آداب و رسوم و سنت‌های غربی در مسئله‌ی بی‌حجابی و خودآرایی تقلید می‌کنند و این امر آنان را در حالت دوگانگی قرار می‌دهد. [20]

3- رابطه‌ی حجاب در شکل چادر، با دین و تاریخ ملی

شبهه:

بعضی در دینی و مذهبی بودن حجاب در شکل چادر شبهه نموده و این‌گونه ادعا کرده‌اند که «چادر به احتمال خیلی زیاد از زمان قاجاریه در ایران جا افتاده است و هیچ ارتباطی به دین و مذهب ندارد». [21] در شبهه‌ی فوق دو ادعا مطرح شده است که به طور مستقل طرح و پاسخ داده می‌شود.

ادعای اول: چادر، حجاب دینی و مذهبی نیست.

پاسخ: اولاً، دقت و پژوهش در آیه‌ی 59 سوره‌ی احزاب، صحت ادعای مذکور را مورد تردید جدی قرار می‌دهد. خداوند در این آیه خطاب به پیامبرش فرموده است:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً؛

ای پیغمبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را با چادر خود فرو پوشند، که این کار برای این‌که آنها به عفت و حریت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت هوسرانان آزار نکشند؛ بر آنان بسیار بهتر است و خدا در حق خلق آمرزنده و مهربان است.

«جلابیب» جمع «جلباب» است و جلباب در کتاب‌های لغت معتبر، مثل لسان‌العرب، صحاح اللغة و معجم

الوسيط، به «ملحفه» معنا شده است و ملحفه پوششی گسترده است که زن خود را در آن می‌پيچد. [22] قبل از بررسی معنا و مفهوم جلباب، باید دید چادر رایج در بین زنان مسلمان و ایرانی چه نوع پوششی است و عناصر و مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده آن چیست؟ با اندک تأملی می‌توان گفت چادر دارای دو مؤلفه‌ی اصلی ذیل است:

1. اندازه‌ی چادر: پوشش وسیع، که از بالای سر تا پایین پای زن را می‌پوشاند.

2. کارکرد چادر: پوششی جلوباز که از بالای سر، روی لباس‌های دیگر پوشیده می‌شود و به نحو خاصی کنترل و جمع و جور می‌گردد.

حال باید بررسی نمود آیا جلباب قرآنی که در بعضی تفاسیر از آن به ملحفه تعبیر شده است، [23] دو عنصر ذکر شده برای چادرهای رایج فعلی را دارد یا نه؟ اگر دو عنصر یاد شده را بتوان برای جلباب اثبات نمود، می‌توان ادعا کرد که جلباب قرآنی همانند چادرهای رایج فعلی بوده است و گرنه نمی‌توان چنین ادعایی کرد؛ از این رو، به بررسی دو مؤلفه‌ی اندازه و کارکرد جلباب می‌پردازیم:

الف) اندازه‌ی جلباب:

تقریباً همه‌ی کتاب‌های لغت در این که جلباب پوششی وسیع است اتفاق نظر دارند، ولی دیدگاه‌های کتاب‌های لغت و تفسیر درباره‌ی اندازه‌ی دقیق جلباب متفاوت است. از مجموع کلمات لغویین و مفسرین در مورد اندازه‌ی جلباب، سه دیدگاه قابل اشاره است:

دیدگاه اول: جلباب پوششی فراگیر بوده که از بالای سر تا پایین پا را می‌پوشانده است. این دیدگاه از کتاب‌های لغوی و تفسیری فراوان استفاده می‌گردد. [24]

دیدگاه دوم: جلباب پوششی بزرگتر از خمار (مقنعه) بوده که کمتر از مقدار ردا، یعنی تقریباً تا زانو‌ها را می‌پوشانده است. این دیدگاه از بعضی از کتاب‌های لغت، مثل مصباح المنیر فیومی استفاده می‌شود. [25]

دیدگاه سوم: جلباب همان خمار (مقنعه) است؛ پوششی که فقط سر و سینه‌ها را می‌پوشانده است. این دیدگاه از مفردات راغب اصفهانی به دست می‌آید. [26]

ما معتقدیم شواهد مختلفی وجود دارد که صحت دیدگاه اول و مخدوش بودن دیدگاه دوم و سوم را ثابت می‌کند که بعضی از آنها عبارت‌اند از:

شاهد اول:

درباره‌ی پوشش حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) هنگام خروج از منزل و رفتن به مسجد برای دفاع از فدک این گونه نقل شده است:

لائت خمارها علی رأسها و اشتملت بجلبابها. [27]

یعنی فاطمه‌ی زهرا (س) خمار و مقنعه‌ی خویش را بر سر و جلباب، یعنی پوششی که شامل و در بر

گیرنده‌ی تمام آن وجود مبارك بود بر تن کردند .

از نحوه‌ی پوشش حضرت در قضیه‌ی مذکور دو نکته استفاده می‌شود:

نکته‌ی اول: پوشش حضرت در بیرون منزل، همان دو پوشش قرآنی مستقل از یکدیگر به نام «خمار» و «جلباب» بوده است؛ بر این اساس، نظر طرفداران دیدگاه سوم، مثل راغب اصفهانی در مفردات که جلباب را به خمار معنی کرده است، مخدوش می‌گردد.

نکته‌ی دوم: از عبارت «و اشتملت بجلبابها»، به روشنی استفاده می‌شود که جلباب، پوششی سرتاسری بوده که تمام آن وجود مبارك، از سر تا قدم‌ها را فرا می‌گرفته است؛ بنابراین، نظر طرفداران دیدگاه دوم؛ که قایل بودند جلباب تقریباً تا زانو‌ها را می‌پوشانده است، مخدوش می‌گردد .

شاهد دوم:

از کتاب‌های لغوی، مثل مصباح المنیر فیومی که گفته‌اند: «الجلباب ثوب اوسع من الخمار؛ جلباب پوششی گسترده‌تر از خمار است»، تباین و مستقل بودن «خمار» و «جلباب» به خوبی استفاده می‌شود .

شاهد سوم:

احادیثی همچون حدیث نبوی(ص) «و لغير ذي محرم اربعة اثواب: درع و خمار و جلباب و ازار» [28] که از جلباب و خمار به عنوان دو پوشش مستقل نام برده است نیز، شاهد بطلان دیدگاه سوم است.

شاهد چهارم :

زمخسری در تفسیر کشاف و آلوسی در تفسیر روح المعانی از ابن عباس، صحابی پیامبر اکرم(ص) و شاگرد امام علی(ع) (نقل کرده‌اند که جلباب پوششی بوده که از بالا تا پایین بدن را می‌پوشانده است؛ [29] که با این شاهد بطلان دیدگاه دوم اثبات می‌شود. حاصل این که اندازه‌ی جلباب قرآنی به مقداری بوده است که همانند چادرهای زمان حاضر از بالای سر تا پایین پا را می‌پوشانده است.

ب) کارکرد جلباب:

برای فهمیدن کارکرد جلباب و کیفیت پوششی آن، لازم است معنای «ادناء» در آیه‌ی «يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابِهِنَّ» معلوم شود. آلوسی از ابن عباس و قتاده و زمخسری در تفسیر کشاف از ابن سیرین نقل کرده‌اند که مراد از «بذنین» قرار دادن جلباب در بالای ابرو و گردن و جمع و جور کردن و قرار دادن گوشه‌های جمع شده‌ی آن در بالای بینی است، [30] که معمولاً بانوان متدین و حساس نسبت به رعایت حجاب در مواجهه با نامحرم این کار را انجام می‌دهند. از عبارت ابن عباس، قتاده و ابن سیرین معلوم می‌شود که جلباب همانند چادرهای فعلی، پوششی جلوباز بوده است که واژه‌ی «بذنین» در آیه‌ی شریفه

نیز مؤید این مدعاست؛ بنابراین، از نظر کارکرد و کیفیت پوشش نیز جلباب قرآنی، شبیه چادرهای امروزی بوده است.

به رغم این که بحث بر سر الفاظ و نامگذاری نیست و مهم این است که حقیقت و مصداقی از پوشش، شبیه چادرهای فعلی، در صدر اسلام موجود بوده است، ولی با این همه، خوش‌بختانه در کتاب‌های و اژه‌های قرآنی و کتاب‌هایی که درباره‌ی جلباب بحث نموده‌اند، جلباب به چادر معنا شده است و این مؤید بسیار خوبی است بر این که آنها نیز به دلیل اشتراک مؤلفه‌ها و عناصر جلباب و چادر، همانند ما، از جلباب قرآنی معنای چادر را فهمیده‌اند. [31]

ثانیاً، گذشته از آنچه که برای اثبات مشابهت معنای چادر و جلباب گفته شد، چگونه ممکن است که مراجع تقلید، به عنوان بزرگ‌ترین رهبران دینی اسلام در زمان غیبت، چادر را پوشش مطلوب و بهتر معرفی کنند، [32] ولی در عین حال، گوینده‌ی محترم بدون ارائه‌ی هیچ دلیل و مدرکی، ادعا نماید که چادر هیچ ارتباطی به دین و مذهب ندارد؟!!

حاصل این که، با توجه به مشابهت بسیار نزدیک جلباب قرآنی با چادر، از نظر اندازه و کارکرد، می‌توان ادعا کرد که چادر ارتباط وثیقی با دین اسلام و قرآن دارد؛ و بدین ترتیب ادعای اول که چادر ارتباطی با دین و مذهب ندارد ابطال می‌گردد.

ادعای دوم: حجاب در شکل و قالب چادر مربوط به زمان قاجاریه است.

پاسخ: اولاً، این ادعا، نیازمند ارائه‌ی سند و مدارک معتبر تاریخی است، اما ایشان سند و مدرکی برای کلام خود ارائه نکرده‌اند؛ بنابراین، کلام ایشان مدعایی بدون دلیل و مدرک و در نتیجه، فاقد ارزش و اعتبار علمی است.

ثانیاً، فرض می‌کنیم ایشان با ارائه‌ی سند و مدارک تاریخی اثبات می‌کردند که چادر در زمان قاجار در ایران رسم شده است، پس از اثبات ارتباط مستحکم چادر با قرآن در نقد ادعای اول و این که به هر حال، چادر یکی از مصداقی پوششی است که تأمین‌کننده‌ی حجاب بیشتر و بهتر زنان و لذا مطلوب اسلام نیز هست، زنان ایرانی به خاطر استفاده از چادر به عنوان الگوی پوشش مناسب در مواجهه با نامحرم به خود می‌بالند، نه این که از آن گلایه‌مند باشند.

ثالثاً، بر اساس شهادت و گواهی منابع حجاب و لباس، اسناد و مدارک تاریخی زیر مبین آن است که پیشینه‌ی تاریخی که حجاب در شکل چادر، به صدها سال قبل از پیدایش قاجار در ایران بر می‌گردد. الف) در زمان ایران باستان به تصاویری از بانوان ایرانی بر می‌خوریم که علاوه بر لباس، بدن خود را با چادری که شبیه به چادر زن امروز ایران است می‌پوشاندند؛ [33]

ب) زنان عهد هخامنشی و اشکانی، عموماً چادر بر سر داشته و پیراهن‌های بلندی که تا مچ پای آنان را می‌پوشانده به تن می‌کرده‌اند. [34]

ج) زنان عهد ساسانی، گاهی چادر گشاد و پُرچین به سر می‌کردند که تا وسط ساق پا می‌رسیده است. نقوشی از بانوان ساسانی در بشقاب‌های نقره ساخته شده است که در آن هر یک از بانوان، چادری به خود پیچیده دارند. [35]

به این ترتیب، ادعای دوم گوینده‌ی محترم نیز ابطال گردید و آشکار شد که حجاب در شکل چادر، علاوه بر ریشه‌ی عمیق دینی، دارای ریشه‌ی عمیق تاریخی و ملی نیز هست و صدها سال قبل از پیدایش قاجار از آن استفاده می‌شده است.

پاورقی‌ها:

- [1] به نقل از غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص 68.
- [2] برای آگاهی بیشتر تر.ک: روت ترنویل کاکس، تاریخ لباس، ترجمه‌ی شیرین بزرگمهر؛ سیدمهدی قانع، «انسان، پوشش و ریشه‌های تاریخی»، مجله‌ی پیام زن، شماره‌های 18، 19 و 20.
- [3] سوره‌ی اعراف (7)، آیه‌ی 27.
- [4] سوره‌ی اعراف (7)، آیه‌ی 20.
- [5] سوره‌ی اعراف (7)، آیه‌ی 22.
- [6] به رغم این که دینی و شرعی بودن حجاب از وضاحت است، برخی در دینی بودن آن شبهه کرده‌اند. برای مطالعه‌ی بیشتر درباره‌ی شبهه‌ی مذکور و پاسخ آن تر.ک: مهدی مهریزی، «حجاب»، ص 19 - 27.
- [7] برای آشنایی با قصه‌ی کشف حجاب و مبارزه‌ی علمی و عملی علمای دینی با کشف حجاب رضا خان تر.ک: مؤسسه‌ی فرهنگی قدر ولایت، حکایت کشف حجاب؛ حمید بصیرت‌منش، علما و رژیم رضاشاه؛ سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، واقعه‌ی کشف حجاب؛ مدیریت پژوهش انتشارات و آموزش، خشونت و فرهنگ، اسناد محرمانه‌ی کشف حجاب؛ مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد؛ فاطمه استادمک، حجاب و کشف حجاب در ایران.
- [8] به کلام حضرت زینب (س) خطاب به یزید توجه کنید:
امن العدل يا ابن الطلقاء تخديرك حرايرك و امائك و سوقك بنات رسول الله (ص) (سبایا قد هتکت ستورهن و ابدیت و جوههن؛ ای پسر آن مردمی که جد من اسیرشان کرد و پس از آن آزادشان فرمود، آیا عادلانه است که تو زنان و کنیزان خود را پشت پرده نشانی و دختران رسول (ص) را اسیر به این سویی و آن سویی کشانی؛ پوشش آنها را بدری، روی آنان را بکشایی؟! شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص 254.
- [9] محبوبه‌ی پلنگی، «زنان در الجزایر»، پیام زن، شماره‌ی 50 - 59.

- [10] امام خميني، صحيفه‌ي نور، ج 2، ص 30.
- [11] غلامرضا گلي زواره، «استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب» پيام زن، ش 70، ص 15، به نقل از: مورگان شوستر، اختناق ايران، ترجمه‌ي اسماعيل رابين، ص 241.
- [12] علي شريعتي، مجله‌ي زن روز، ش 1659، ص 77.
- [13] غلامرضا گلي زواره، «استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب»، مجله‌ي پيام زن، ش 70، ص 15، به نقل از: خاطرات همفر، ترجمه‌ي دكتور محسن مؤيدي، ص 84.
- [14] روح الله حسينيان، حريم عفاف، حجاب و نگاه، ص 48، به نقل از: جنگ الجزاير، (فصل الجزاير بي حجاب).
- [15] مينا هاشمي، «حجاب زيبايي شعار، کارآيي شعور»، سالنامه‌ي زن، بهمن ماه 1371، ص 34، به نقل از فرانتس فانون، سال پنجم انقلاب الجزاير يا بررسي جامعه شناسي يك انقلاب، ترجمه‌ي دكتور تابنده، ص 44.
2. براي آشنائي با گوشه‌هايي از اين داستان غم‌انگيز ر.ك: غلامرضا گلي زواره، «استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب» پيام زن، شماره‌هاي 70 و 71.
- [16] حيات يحيي، ج 4، ص 434.
- [17] گلي زواره، «استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب»، مجله‌ي پيام زن، شماره‌ي 71، ص 41.
- [18] در جستجوي راه از كلام امام خميني، دفتر سوم، ص 39.
- [19] فرهنگ و تهاجم فرهنگي، ص 261 - 262.
- [20] علامه محمدحسين فضل الله، پيام زن، ش 74، ص 23.
- [21] فاطمه خاتمي، روزنامه‌ي ايران، شماره‌ي 1627، 2 مهر ماه 1379، ص 4.
- [22] الملحفة: بالكسر، هي الملائنة التي تلتحف بها المرأة (واللحاف) كل ثوب يتغطي به: فيومي، المصباح المنير، ريشه‌ي لحف .
- [23] به عنوان مثال ر.ك: شيخ طوسي، التبيان في تفسير القرآن، ج 8، ص 361؛ ميرزا محمد مشهدي، كنز الدقائق، ج 8، ص 226 و فيض كاشاني، تفسير صافي، ج 4، ص 203، ذيل آيه‌ي 59 سوره‌ي احزاب، (آيه‌ي جلابيب).
- [24] به عنوان نمونه، ر.ك: شيخ طوسي، تفسير تبيان؛ بيضاوي، تفسير انوار التنزيل و اسرار التأويل و علامه طباطبائي، تفسير الميزان؛ شيخ محمد جواد مغنیه، تفسير الكاشف، ذيل آيه‌ي جلابيب؛ همچنين از ابن عباس، مفسر بزرگ قرآن كريم اين ديدگاه استفاده مي‌شود كه در ضمن بررسي اقوال سه گانه خواهد آمد. در كتاب الجدول في اعراب القرآن و صرفه و بيانه، ذيل آيه‌ي 59 سوره‌ي احزاب (آيه‌ي جلابيب)

آمده است: «جلايب جمع جلباب اسم جامد للملاءة التي تشتمل بها المرأة قال المبرد: الجلباب ما يستر الكل مثل اللحفة»؛ همچنین این دیدگاه از کلام ابن عربی در کتاب احکام القرآن در ذیل آیهی جلباب نیز استفاده می‌شود. علاوه بر کتب تفاسیر، از بعضی کتاب‌هایی که به طور مفصل درباره‌ی احکام زنان بحث کرده‌اند دیدگاه اول صریحاً استفاده می‌شود؛ مثلاً در کتاب المفصل فی احکام المرأة والبيت المسلم فی الشريعة الاسلامیة، ج 3، ص 3222 آمده است: انّه الملاءة التي تشتمل بها المرأة فتلبسها فوق ثيابها و تعطي بها جميع بدنها من رأسها الي قدمها و الجلباب بهذا التعريف شبيه العباءة»

. [25] الجلباب: ثوب اوسع من الخمر دون الرداء: فيومي، المصباح المنير، ريشه‌ی جلب.

. [26] الجلايب: القمص و الخمر الواحد الجلباب: راغب اصفهاني، معجم مفردات الفاظ القرآن، ريشه‌ی جلب.

. [27] طبرسي، الاحتجاج، ج 1، ص 98.

. [28] طبرسي، مجمع البيان، ج 7، ص 155.

. [29] عن ابن عباس: الرداء الذي يستر من فوق الي اسفل: زمخشري، تفسير كشاف، و آلوسي، تفسير روح المعاني، ذیل آیهی جلباب (آیهی 59 سوره‌ی احزاب).

. [30] عن ابن سيرين سألت عبيدة السلماني عن ذلك (يدنين) فقال ان تضع رداءها فوق الحاجب ثم تديره حتي تضعه علي انفها. شبيهه تعبير مذکور عبارات‌های مختلفی در تفسير آلوسي، ذیل آیهی جلباب نقل شده است که نحوه‌ی کارکرد جلباب را بیان می‌کند؛ مثلاً از ابن عباس و قتاده این‌گونه نقل شده است. «تلوي الجلباب فوق الجبين و تشده ثم تعطفه علي الانف و ان ظهرت عينها لكن تستر الصدر و معظم الوجه.» . [31] ر.ك: لسان التنزيل، تأليف قرن 4 و 5، ه. ص 103، به اهتمام مهدي محقق؛ تفسير ابوالفتوح رازي، ج 8، ص 191، ذیل آیهی 59 سوره‌ی احزاب؛ ميرزا ابوالحسن عسکري، نثر طوبي، واژه‌ی جلباب؛ عبدالرحيم صفي پور، منتهي الارب في لغة العرب، ج 1، ص 186، واژه‌ی جلب؛ ر. پ. آ. دزي، فرهنگ البسه‌ی مسلمانان، ص 117 و فياض زنجاني، «رساله‌ی حجابيه»، مجله‌ی كيهان انديشه، شماره‌ی 60، خرداد و تيرماه، سال 1374، ص 112. و نسخه‌ی كهن تفسير مفردات قرآن، ص 190، قسمت مفردات، سوره‌ی احزاب.

. [32] ر. ك: سيد مسعود معصومي، احكام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعي آنان (مطابق با نظرات آيات و مراجع تقليد) ص 65. و استفتائات آخر كتاب.

. [33] مهدي قانع، «انسان پوشش و ريشه‌های تاريخي» پیام زن، شماره 19، ص 69.

. [34] غلامعلي حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص 25.

. [35] مهدي مهريزي، حجاب، ص 46.

فصل سوم:

چارچوب اسلامي حجاب

فصل سوم این اثر، پاسخ‌گوي شبهات و سؤالاتي درباره‌ي چارچوب‌هاي ارزشي و ديني حجاب و بعضي از مصاديق حجاب برتر، مثل چادر مشكي است.

- [1]نگاهي اجمالي به شکل‌هاي حجاب قرآني بانوان

شبهه:

بعضي با طرح این پرسش که «چه اشکالي دارد در چهارچوب شرعي، هرکس هرچور که خواست لباس بپوشد؟» [1] خواسته‌اند این شبهه را القا کنند که اسلام، فقط چارچوب کلي براي پوشش بيان کرده است و به صورت جزئي، شکل خاصي از حجاب و پوشش در متون ديني اسلام ذکر نشده است. آیا ادعای مذکور صحيح است؟

پاسخ:

از نظر اسلام چارچوب واجب پوشش و حجاب زنان - که بیش‌تر مورد چالش و سؤال است - پوشاندن تمام بدن در مقابل نامحرم است، به استثنای صورت و مچ دست‌ها به پایین، که طبق نظر مشهور فقها پوشاندن آنها واجب نیست؛ البته بعضي از فقهاي فعلي، به طور احتیاط وجوبي، پوشاندن صورت و دست‌ها را نیز لازم مي‌دانند؛ [2] ولي حتي افراي که پوشاندن آن را واجب نمي‌دانند، در اصل مطلوبیت و استحباب آن بحثي ندارند. [3]

علاوه بر پوشش لباس‌هاي معمولي، مثل پيراهن و شلوار، که زنان و مردان در داخل منزل استفاده مي‌کنند، براي حجاب بيرون از منزل و در مقابل نامحرم، در قرآن و احاديث براي تأمین حجاب واجب زنان، از چند نوع پوشش خاص، نام برده شده است که دو نوع معروف آن «خمار» و «جلباب» است.

الف) خمار

وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ؛ [4] زنان باید سر، سینه، و دوش خود را با مقنعه بپوشانند .
 خُمُر جمع خمار، و مراد از آن پوشش مخصوص سر و اطراف سر بانوان، مثل مقنعه است. [5] در
 بعضی تفاسیر، در ذیل آیهی شریفه، از عایشه نقل شده است :
 زنانی بهتر از زنان انصار ندیدم. وقتی این آیهی شریفه نازل شد، هر يك از آنها به سمت لباس‌های
 مخصوص خود رفتند و از آن تکه‌ای جدا کردند و خمار و مقنعه‌ای مشکی پوشیدند، گویی بالای سر آنها
 کلاغ نشسته است. [6]

از قضیه‌ی ذکر شده استفاده می‌شود که رنگ خمار و مقنعه در زمان صدور آیه، مشکی بوده است. برای
 این قضیه، از کتاب‌های لغت نیز می‌توان مؤیداتی ذکر کرد؛ مثلاً از بعضی کتاب‌های لغت، استفاده
 می‌شود در ریشه‌ی لغوی خمار (خ - م - ر) (سیاهی اخذ شده است. [7] به مشروبات الکلی نیز از آن جهت
 «خمر» اطلاق می‌گردد که باعث سیاهی و تیره‌گی عقل انسان می‌گردد. مخفی‌نماند که در آیهی شریفه‌ی
 خمار، نکات تفسیری و ادبی و لغوی فراوانی وجود دارد که مقاله‌ی مستقلی را می‌طلبد. [8]

ب) جلباب

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ
 وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ [9] ای پیغمبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویش را به چادر
 فروپوشند؛ که این کار برای این که آنها به عفت و حریت شناخته شوند، تا از تعرض و جسارت
 هوسرانان آزار نکشند، بر آنان بسیار بهتر است و خدا در حق خلق آمرزنده و مهربان است .
 همان گونه که قبلاً گذشت جلباب در آیهی شریفه، جمع جلباب است و جلباب به معنای پوشش گسترده و
 فراگیر تمام بدن است، که زنان بر روی لباس‌های دیگر می‌پوشند؛ امروزه در زبان فارسی به چنین
 پوششی چادر گفته می‌شود. بر اساس تحقیقی که نگارنده انجام داده، بین جلباب قرآنی و چادرهای رایج،
 از نظر مفهوم، اندازه، کارکرد و حتی رنگ، همگرایی و شباهت‌های بسیار نزدیکی وجود دارد. [10]
 علاوه بر قرآن که دو شکل خاص از پوشش فوق را برای زنان در مقابل نامحرم توصیه کرده است، در
 برخی احادیث نیز چهار پوشش ویژه برای زنان در مقابل نامحرم، به نام پیراهن، مقنعه، چادر، و آزار
 معرفی شده است .

عن النبي (صلي الله عليه و آله و سلم): و لغير ذي محرم اربعة اثواب: درع و خمار و جلباب و آزار. [11]

2- فلسفه‌ی تفاوت پوشش زن و مرد

شبهه :

چرا حجاب زن و مرد تفاوت دارد و چرا باید مقدار پوشش بدن زنان بیشتر از مردان باشد؟ آیا این تفاوت غیر عادلانه و تبعیض آمیز نیست؟ [12]

پاسخ :

احکام تشریحی اسلام، متناسب با ویژگی‌های تکوینی و به منظور تأمین مصالح و دفع مفسداتی است که افراد را تهدید می‌کند. تفاوت زن و مرد در بسیاری از احکام تشریحی، از جمله حجاب نیز نشأت گرفته از تفاوت‌های تکوینی آنها است.

تحقیقات علمی در فیزیولوژی و روان‌شناسی، در باب تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد، ثابت کرده است که مردان نسبت به محرک‌های چشمی حساس‌تر از زنانند و برعکس، زنان در مقابل محرک‌های لمسی حساسیت بیشتری دارند. [13]

تحقیقات و تجربه‌های علمی نشان می‌دهد که آن اندازه که مرد از نگاه کردن به تن و اندام زن تحریک می‌شود، زن از مشاهده‌ی مرد تحریک نمی‌شود. در روان‌شناسی جنسی نیز ثابت شده است که تمامی سطح بدن زن برای مرد محرک است، اما در مرد چنین نیست. [14]

دین مقدس اسلام نیز متناسب با ویژگی‌ها و تفاوت‌های تکوینی زن و مرد، احکام و تعالیم نورانی خود را تشریح کرده است؛ مثلاً برای حفاظت مردان از مفسد ناشی از حساسیت بیشتر آنان نسبت به محرک‌های چشمی شهوت‌انگیز، آنها را به مراقبت و کنترل بیشتر چشم در مواجهه با نامحرم مأمور کرده است. در حدیثی از امام رضا(ع) نقل شده است:

حُرِّمَ النَّظْرُ إِلَى شَعُورِ النِّسَاءِ الْمُحْجَبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَالْيَ غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَمَا يَدْعُو إِلَيْهِ التَّهْيِيجُ مِنَ الْفَسَادِ؛ [15] خداوند نگاه کردن به موهای زنان از دواج کرده‌ی محجوبه و غیر آنها را حرام کرده است؛ زیرا نگاه شهوت‌انگیز مردان، باعث تهییج جنسی، و تهییج جنسی باعث فساد است. در مقابل، به دلیل لطافت و حساسیت بیشتر زنان نسبت به محرک‌های لمسی، برای حفاظت آنان از مفسد ناشی از این ویژگی، آنها را به حجاب و پوشش بیشتر در مواجهه با مردان نامحرم دستور داده است؛ به گونه‌ای که طبق فتوای مشهور فقها، زنان باید در مقابل نامحرم هم‌هی بدن، به استثنای وجه و کفین را بپوشانند؛ ولی این مقدار پوشش برای مردان واجب نیست؛ و این حکم اسلام، غیر عادلانه و تبعیض آمیز نیست؛ زیرا متناسب با ویژگی‌های متفاوت زن و مرد است.

نکته‌ی دیگری که تبیین‌کننده‌ی تفاوت حکم حجاب و پوشش زن و مرد از نظر اسلام می‌تواند باشد، تفاوت تکوینی و فطری آنها از نظر مقدار حیا و شرم است. در روایتی تصریح شده است: «الحياء عشرة أجزاء فتسعة في النساء و واحد في الرجال» [16]؛ حیا و شرم ده قسمت است، که نه قسمت آن در زنان و یک قسمت آن در مردان است. آثار و شواهد تاریخ گذشته و حال پوشش زن و مرد نیز حاکی از این است که

معمولاً پوشش زنان بیش‌تر از مردان بوده است؛ [17] بنابراین، یکی از علل دیگر پوشش بیش‌تر زنان نسبت به مردان، زیاده‌ی حجب و حیای آنان نسبت به مردان است که در روایت به آن تصریح شده و تجربه و واقعیت خارجی نیز مؤید آن است .

3- کیفیت حجاب و پوشش فاطمه زهرا (س)

حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) به عنوان بهترین الگوی تربیتی زن مسلمان، در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم، چه نوع حجاب و پوششی داشته‌اند؟

در تاریخ نقل شده است که حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) وقتی می‌خواستند به بیرون منزل و نزد پیامبر اکرم (ص) بروند، از پوشش‌های خاصی، مثل جلباب (چادر) و برقع (روپوش صورت) استفاده می‌کردند؛ [18] علاوه بر این، یکی از حوادثی که بیانگر مقدار حجاب حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم است، آمدن ایشان به مسجد برای دفاع از قضیه‌ی فدک است. در داستان غم‌انگیز غصب فدک آمده است: وقتی ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند که حضرت را از فدک محروم نمایند، ایشان با شکل خاصی از حجاب و پوشش، برای دفاع از حق خویش از منزل به مسجد آمدند. راوی داستان، شکل خاص حجاب حضرت را این‌گونه توصیف نموده است :

لائت خمارها علي رأسها و اشتملت بجلبابها و اقبلت في لمة من حفدتها و نساء قومها تطأ ذبولها؛ [19] حضرت زهرا (س) هنگام خروج از منزل مقنعه را محکم بر سر بستند و جلباب و چادر را، به گونه‌ای که تمام بدن آن حضرت را می‌پوشاند و گوشه‌های آن به زمین می‌رسید، به تن کردند و به همراه گروهی از نزدیکان و زنان قوم خود به سوی مسجد حرکت نمودند.

قضیه‌ی فوق‌گویی آن است که پوشش بیرون از منزل حضرت «خمار» و «جلباب» بوده که قرآن به عنوان حجاب زنان در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم از آن یاد کرده است .

4- رنگ جلباب و چادر قرآنی

چادر و جلباب قرآنی که حضرت فاطمه زهرا (س) در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم از آن استفاده کرده‌اند چه رنگی داشته است؟

قرآن به زبان عربی مبین نازل شده است و برای عرب زبانان قابل فهم بوده است؛ بنابراین، باید بررسی نمود که زنان صدر اسلام، که نخستین مخاطبان آیه‌ی جلباب بوده‌اند، از واژه‌ی جلباب چه برداشتی داشته‌اند و تبادل و سبقت ذهنی آنها از آن چه بوده است. در کتاب سنن ابی داود از امّ سلمه، همسر گرامی پیامبر اکرم (ص) قضیه‌ای نقل شده است که مبین تبادل ذهنی زنان عرب آن زمان است.

وقتي آيهي جلباب «بُدَيْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» [20] نازل شد، زن هاي انصار از خانه هايشان خارج شدند، درحالي كه پوشش هاي مشكي داشتند؛ گويي كلاغ بالاي سر آنها نشسته است. [21]

در كتاب عون المعبود، شرح سنن ابي داود در توضيح قضيه ي ياد شده، آمده است :

چون پوشش هايي كه زنان انصار به عنوان جلباب از آن استفاده کرده بودند داراي رنگ مشكي بوده است، آنان به كلاغ كه رنگ آن مشكي است تشبيه شده اند. [22]

بعضي از تفاسير مهم، مانند تفسير الدر المنثور سيوطي، روح المعاني و تفسير الميزان نيز در ذيل آيهي جلباب جريان تاريخي فوق را نقل کرده اند. علاوه بر شاهد تاريخي مذکور، كه سكوت پيامبر اكرم (ص) در مقابل رنگ مشكي پوشش زنان انصار، نيز دليل بر تقرير و تأييد آن است، شواهد لغوي فراواني نيز براي اثبات اين مدعا وجود دارد كه اساساً در ريشه ي لغوي جلباب رنگ مشكي اخذ شده است؛ زيرا جلباب در لغت از ريشه ي جُلِب است و يكي از معاني جُلِب در بسياري از كتاب هاي لغوي معتبر، تيرگي و سياهي است [23]؛ مثلاً جُلِب الليل به معنای سياهي شب آمده است. ابن منظور، صاحب كتاب لغت معتبر لسان العرب، پس از نقل شعري كه بخشي از آن «و جُلِب الليل يطرده النهار» است تصريح نموده كه گوينده ي شعر از جُلِب، سواد و سياهي را اراده کرده است. [24]

علاوه بر اين، در بعضي از كتاب هاي لغوي معتبر، شواهد ي از زبان عربي نقل شده، كه جُلِب در آنها به معنای تيرگي و سياهي به كار رفته است؛ [25] همچنين در برخي از كتاب هايي كه درباره ي انواع لباس هاي اسلامي نوشته شده اند، جلباب به پوشش گسترده ي مشكي كه زن روي لباس هاي ديگر مي پوشد معنا شده است. [26]

از مجموع شواهد لغوي، تفسير ي و تاريخي مذکور، به روشني استفاده مي شود كه رنگ جلباب و چادر زنان عرب هنگام نزول آيهي شريفه، مشكي بوده است؛ بنابراين، مي توان گفت كه چادر مشكي منشأ و ريشه ي قرآني دارد.

حال كه ثابت شد چادر مشكي ريشه ي قرآني و اسلامي دارد، پرسش مهم اين است كه آيا حكومت اسلامي - كه فلسفه ي وجودي آن اجراي احكام قرآن است و براي تحقق احكام اسلام و قرآن اين همه شهيد و جانباز تقديم خدا و قرآن نموده است - مي تواند در مراكز اداري خود، به عنوان مهم ترين مراكز الگوسازي، چادر مشكي را به عنوان حجاب برتر و يكي از ملاك هاي گزينش زنان مورد توجه قرار دهد يا خير؟

پاسخ سؤال فوق مثبت است؛ زيرا پس از اثبات ريشه ي قرآني و اسلامي براي چادر مشكي، وظيفه ي مسئولان يك حكومت قرآني و اسلامي است كه زمينه ي ترويج و تبليغ عملي آموزه هاي قرآني و از جمله استفاده از چادر مشكي را در مراكز اداري خود فراهم نمايند؛ و حتي هنگام گزينش كارمندان زن، التزام عملي به حجاب قرآني و اسلامي را به عنوان يكي از ملاك هاي گزينش و ارزش يابي مورد توجه قرار دهند.

با توجه به آنچه ذکر شد پاسخ این پرسش و شبهه که «چرا چادر سیاه در ادارات ملاک ارزشیابی است» [27] روشن می‌گردد.

5-نگاهی اجمالی به دیدگاه اسلام در باب پوشش مشکی

شبهه:

آن‌گونه که بعضی ادعا کرده‌اند آیا از روایات می‌توان کراهت حجاب تیره، مثل چادر مشکی را اثبات نمود؟ [28]

پاسخ:

اولاً، چگونه ممکن است که بر اساس ادله‌ی طرح شده در مباحث قبلی، رنگ جلباب و چادر قرآنی، همانند رنگ چادرهای رایج فعلی مشکی باشد، ولی بتوان در روایات معصومین (ع) حدیث معتبری مخالف قرآن، درباره‌ی کراهت استفاده از چادر مشکی پیدا نمود؟ آیا ممکن است اهل بیت (ع) به عنوان بهترین مفسران و شارحان قرآن مجید، در احادیث خود مطلبی خلاف قرآن فرموده باشند؟ پر واضح است که پاسخ این سؤال منفی است؛ زیرا یکی از ملاک‌های صحت و سقم احادیث، موافقت و مخالفت محتوای آنها با قرآن است. براساس ملاک یاد شده، فرضاً اگر روایتی درباره‌ی کراهت پوشش مشکی بانوان وارد شده باشد فاقد ارزش و اعتبار است.

ثانیاً، روایاتی که از ظاهر آنها کراهت سیاه‌پوشی استفاده می‌شود، از نظر سند ضعیف‌اند. فقیه ژرف‌اندیش، مرحوم صاحب جواهر [29] و مرحوم خویی [30] نیز به ضعف سندی روایات مورد نظر تصریح کرده‌اند؛ بنابراین، به دلیل ضعف سند، این‌گونه روایات قابل استناد نیستند و نوبت به بررسی دلالت آنها نمی‌رسد.

ثالثاً، ممکن است ادعا شود به دلیل متعدد بودن روایاتی که ظاهر آنها دلالت بر کراهت پوشش سیاه دارد؛ و نیز به دلیل این که ضعف سند روایات در مستحبات و مکروهات، مانند مورد بحث، خیلی مهم نیست، پس می‌توان در دلالت آنها بحث کرد.

با فرض صحت ادعای فوق، بر اساس فحص و جست‌وجوی مفصلی که در احادیث انجام گرفت، حتی یک حدیث درباره‌ی کراهت پوشش چادر مشکی بانوان نیافتیم؛ [31] بنابراین، همان‌گونه که مرحوم صاحب جواهر فرموده‌اند، روایات مربوط به کراهت سیاه‌پوشی، شامل زنان نمی‌شود. ایشان در کتاب فقهی عمیق و معروف خود نقل کرده‌اند:

طبق تصریح کتاب‌های متعددی از علمای امامیه، کراهت پوشش سیاه مختص مردان است؛ زیرا شارع مقدس پوشش غلیظتر و بیش‌تری برای زنان هنگام مواجهه با نامحرم قرار داده است [32] و رنگ مشکی،

در مقایسه با رنگ‌های دیگر، به نحو بهتری پوشش غلیظتر و بیش‌تر را تأمین می‌کند.[33]

بنابراین، طبق نقل مرحوم صاحب جواهر، کراهت پوشش مشکي، مختص مردان است.

به دلیل اختصاص کراهت پوشش مشکي به مردان، آن هم در غیر از کفش، عمامه و عبا، حتی يك نفر از فقیهان برجسته‌ی شیعه به کراهت چادر مشکي زنان فتوا نداده است، بلکه برعکس، بعضي از مراجع تقلید، مثل رهبر معظم انقلاب اسلامي، آیت الله خامنه‌اي به عدم کراهت چادر مشکي تصریح کرده‌اند و بعضي نیز، مانند آیت الله فاضل لنکراني و آیت الله تریزني بالاتر از عدم کراهت، به برتری حجاب با چادر مشکي فتوا داده و فرموده‌اند:

چادر مشکي بهترین نوع حجاب است.[34]

آیا می‌توان از ظاهر بعضي روایات، مثل روایت «پیامبر(ص) از پوشش لباس مشکي، غیر از سه مورد خفّ (نوعی کفش چرمي نازک) (عمامه و کسا کراهت داشت»،[35] استفاده نمود که پوشش لباس مشکي به طور مطلق و مشترك برای مرد و زن کراهت دارد؟

اولاً، با فرض چشم‌پوشی از ضعف سند روایت فوق، تردیدی نیست که اساساً زن و مرد در برخی از موارد، از جمله پوشش و لباس، دارای احکام متفاوتی هستند؛ بنابراین، در خصوص احکام پوشش، نمی‌توان به قاعده‌ی اشتراك زن و مرد در احکام تمسك جست؛ مثلاً جامه‌ی زربافت و حریر برای زن جایز است، ولی برای مرد جایز نیست[36]. مقدار پوشش زنان، طبق نظر مشهور فقها، همه‌ی بدن به استثنای گردی صورت و دو دست از مچ تا نوک انگشتان است،[37] ولی مقدار پوشش مردان کمتر است؛ حتی از نظر رنگ پوشش نیز، استفاده از لباس احرام سفید برای مردان مستحب است، ولی زنان مجازند، به استثنای بعضي لباس‌های خاص مثل حریر محض، با هر لباسی، حتی دارای رنگ غیر سفید محرم شوند[38].

بنابراین، با توجه به احکام ویژه‌ی بانوان و آقایان در مورد لباس، نمی‌توان ادعا نمود که حکم کراهت در روایت فوق مطلق است و به طور مشترك شامل زن و مرد می‌شود.

ثانیاً، بر فرض بپذیریم که روایت مذکور، مختص بیان حکم رنگ پوشش مردان نیست و شامل زنان نیز می‌گردد، به دلیل روایاتی که ظاهر آنها کراهت خواندن نماز در لباس مشکي، به استثنای سه مورد است،[39] بعضي از فقها حکم کراهت لباس مشکي را نیز مختص به حالت نماز دانسته‌اند.[40]

ثالثاً، بر فرض که روایت مذکور عام باشد و به طور مشترك، شامل زنان و مردان و نیز حالت نماز و غیر نماز گردد، باز روایت یاد شده دلالت ندارد بر این که پوشیدن لباس مشکي، مانند چادر مشکي برای زنان کراهت دارد؛ زیرا در روایات متعدد که از نظر مضمون و محتوا با روایت مورد بحث موافق‌اند، سه نوع پوشش، به نام‌های خفّ، عمامه و کسا از کراهت استثنا شده‌اند؛ و با توجه به این‌که کسا از نظر

لغت، و به قرینه‌ی حدیث شریف کسا، لباس بلندی است که تمام بدن را فرا می‌گیرد؛ بنابراین، عبا‌ی سیاه برای مردان و چادر مشکی برای زنان کراهت ندارد؛ و به نظر می‌رسد بر اساس همین استثنای کسا در روایت مورد بحث، هیچ یک از فقهای برجسته‌ی شیعه به کراهت پوشیدن چادر مشکی فتوا نداده است؛ بلکه برخی، چادر مشکی را بهترین نوع حجاب دانسته‌اند.

مگر کراهت رنگ مشکی در دین اسلام یک حقیقت نیست؟ پس کدام دلیل سبب می‌شود در یک جامعه‌ی اسلامی ما مبلغ رنگ سیاه شویم [41]؟

توضیح: پرسش‌کننده‌ی محترم با قطعی دانستن حکم کراهت رنگ مشکی به طور مطلق از نظر اسلام، این‌گونه القا نموده است که استفاده‌ی افراد از لباس تیره و مشکی، نوعی تبلیغ فاقد دلیل به حساب می‌آید. عبارت فوق متضمن دو پرسش است؛ لذا هر پرسش را به طور مستقل پاسخ می‌دهیم.

پرسش اول: مگر کراهت رنگ مشکی در دین اسلام یک حقیقت نیست؟

پاسخ: با فرض پذیرش کراهت اجمالی پوشش مشکی در دین اسلام، تردیدی نیست که حکم مذکور برای هر نوع لباس و برای همه‌ی افراد، اعم از زن و مرد، و برای همه‌ی زمان‌ها نیست؛ یعنی موارد متعددی از حکم کراهت سیاه‌پوشی استثنا شده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

الف) عدم کراهت بعضی از پوشش‌های مشکی خاص. قبلاً نقل شد که پیامبر اکرم (ص) از پوشش مشکی کراهت داشت، مگر در سه مورد: خف (نوعی کفش چرمی نازک)، عمامه و کسا [42]. (لباس بلندی که تمام بدن را می‌پوشاند و شامل عبا و چادر مشکی بانوان نیز می‌گردد)؛ بنابراین، چند پوشش مشکی استثنا شده، کراهتی ندارند.

ب) عدم کراهت لباس مشکی برای بانوان. تردیدی نیست که در اسلام پوشش زن و مرد از جهات مختلف، مثل نوع، مقدار و حتی رنگ، متفاوت است. همان‌گونه که قبلاً از مرحوم صاحب جواهر نقل شد، طبق تصریح کتاب‌های متعددی از علمای امامیه، کراهت پوشش مشکی، مختص مردان است، نه بانوان.

ج) عدم کراهت پوشش مشکی در مراسم عزاداری. استفاده از رنگ مشکی در مراسم عزاداری برای زنان و مردان کراهتی ندارد؛ از این رو، سیره‌ی عملی مردم متدین و حتی غیر متدین، پوشیدن لباس مشکی در این مراسم است. در «سفینة البحار» روایاتی ذکر شده است که بر جواز و مطلوبیت پوشیدن لباس مشکی در مراسم عزاداری دلالت دارد. [43]

با توضیحات فوق آشکار گردید که القای این فکر که کراهت رنگ مشکی در اسلام، یک حکم کلی و صددرد است، غیر عالمانه و مغالطه‌آمیز است.

پرسش دوم: کدام دلیل سبب می‌شود که در یک جامعه‌ی اسلامی ما مبلغ رنگ سیاه شویم؟

پاسخ: باید از ایشان سؤال کرد مراد شما از تبلیغ چیست؟

الف) اگر مراد شما تبلیغ نظری و علمی به صورت نوشتن کتاب و مقاله است، در پاسخ می‌گوییم: اولاً، چنین تبلیغی غالباً در دفاع و پاسخ‌گویی از شبهات و سمپاشی بر ضد انواع حجاب اسلامی مثل چادر مشکی است.

ثانیاً، بر فرض که تبلیغ نظری و علمی، حتی به صورت غیر دفاعی و ابتدایی درباره‌ی چادر مشکی بانوان زیاد باشد؛ اگر این‌گونه تبلیغ مستند به ادله و شواهد قوی و با روش صحیح انجام گیرد، نباید از آن برآشفته شوید، بلکه اگر آن را قبول ندارید، به طور منطقی و استدلالی می‌توانید آن را نقد نمایید.

ثالثاً، ای کاش شما نیز به این پرسش پاسخ می‌دادید که با استناد به چه دلیلی در جامعه‌ی اسلامی به تبلیغ لباس‌های نازک، کوتاه و رنگارنگ برای بانوان و دختران اقدام می‌کنید؟ متأسفانه در اغلب مقالاتی که به تبلیغ لباس‌های مذکور پرداخته می‌شود، به جای برخورد اثباتی، یعنی ترویج و تبلیغ لباس مورد نظر خود با دلیل و منطق، غالباً از طریق سلبی، یعنی تخریب حجاب برتر، مثل چادر مشکی اقدام می‌شود. [44]

ب) اگر مراد شما از تبلیغ، تبلیغ عملی چادر مشکی در سطح جامعه است، باید گفت که به دلیل برخورداری حجاب مذکور از حمایت ادله‌ی عقلی و نقلی، این‌گونه تبلیغ هیچ منع عقلی و شرعی ندارد. با دقت در پاسخ فوق، نادرستی این سخن که چرا کسی برای این سؤال که چرا تیره پوشی تبلیغ و ترویج می‌شود پاسخی ندارد، [45] نیز آشکار می‌گردد.

شبهه: برخی با این عبارت که «در سال‌های نخست انقلاب اسلامی، بیش‌تر خانم‌ها از چادرهای رنگ روشن و گلدار استفاده می‌کردند که پوشش خوب و کاملی نیز بود»، [46] خواسته‌اند این شبهه را القا کنند که چادرهای زنان در سال‌های نخست انقلاب واجد چهارچوب شرعی بوده است. آیا ادعای مذکور درست است؟

پاسخ: اولاً، بر فرض بپذیریم که خانم‌ها در اول انقلاب از چادرهای گلدار و رنگ روشن استفاده می‌کردند، مگر هر کاری که در سال‌های نخست و پرتلهاب انقلاب - که به طور طبیعی به دلیل مسائل روزمره و پیچیده‌ی انقلاب، فرصت تبیین و تعمیق مبانی دینی وجود نداشته است - توسط بانوان انجام شده است، شرعاً خوب و قابل دفاع است که اکنون پس از بیست سال، عمل‌کرد آن زمان، ملاک و معیار و حجت شرعی باشد؟ [47] روشن است که عمل مقطعی عده‌ای از زنان در سال‌های نخست پرتلهاب انقلاب، شرایط سیره‌ی متشرعه را ندارد تا قابل پذیرش باشد؛ و از این رو، نمی‌توان به آن استناد نمود؛ زیرا استفاده‌ی زنان از چادر رنگارنگ و گلدار در مواجهه با نامحرم، در صورتی که باعث جلب توجه نامحرم و تحریک مردان گردد، مخالف حجاب مورد قبول قرآن و سیره‌ی عملی فاطمه‌ی زهرا(س) و زنان انصار است، که در بیرون منزل از جلباب و چادر مشکی استفاده می‌کردند.

ثانياً، داورى در باب پوشش خوب و كامل و شرعى، مسئله‌اي دقيق و پيچيده و تخصصي است كه كارشناسان و متخصصان مسائل اسلامي، يعني فقها و مراجع تقليد بايد در مورد آن اظهار نظر نمايند[48]؛ همانند مسائل پزشكي كه اموري تخصصي‌اند و افراد غير متخصص در پزشكي، عقلاً و شرعاً مجاز به اظهار نظر درباره‌ي آنها نيستند.

پاورقی ها:

- [1] كتابون مير شفيعي، روزنامه‌ي نوروز، 18 / 4 / 80، ص 8، ستون سوم.
- [2] به استفتاءات پايان كتاب مراجعه گردد.
- [3] مرتضي مطهري، پاسخ‌هاي استاد به نقدهايي بر كتاب مسئله‌ي حجاب، ص 13.
- [4] سوره‌ي نور (24)، آيه 31.
- [5] الخمار: ثوب تغطي به المرأة راسها والجمع خُمُر فيومي، المصباح المنير؛ همچنين در مجمع البحرين طريحي، ذيل واژه‌ي خُمُر آمده است: قوله فليضربن بخُمُرهن، اي مقانعهن. خُمُر جمع خمار و هي المقنعه؛ همچنين ر.ك: شيخ طوسي، تفسير تبيان، ج 7، ص 43؛ بانو امين، تفسير مخزن العرفان، ج 9، ص 105، ذيل آيه‌ي شريفه‌ي 31 نور، (آيه‌ي خمار).
- [6] ما رأيت نساءً خيراً من نساء الانصار لما نزلت هذه الآية قامت كل واحدة منهنّ الي مرطها المرحل فصعدت منه صدعة فاخترمن، فاصبحن كانّ علي روسهنّ الغربان: زمخشري، تفسير كشاف، ج 3، ص 231، ذيل آيه‌ي شريفه‌ي 31 سوره‌ي نور. حديث مذکور، با الفاظ و تعابير مختلف در كتاب‌هاي متعدد، اهل تسنن آمده است؛ از جمله: صحيح البخاري، شرح العسقلاني، ج 8، ص 49؛ تفسير ابن كثير، ج 3، ص 284، ذيل آيه‌ي شريفه‌ي خمار و المفصل في احكام المرأة و البيت المسلم في الشريعة اسلامية، ج 3، ص 320.
- [7] المختمة من الضأن: السوداء و رأسها ابيض و من المعز ايضاً: خليل، العين، ذيل ريشه‌ي خمر و الخمرى من الالوان؛ الاسود الضارب الي الحمرة كلون الخمر الاسود: شرتوني، اقرب الموارد، ذيل ريشه‌ي خمر.
- [8] براي پي بردن به بعضي از نكات ر.ك: سيد حسن مصطفوي، «التحقيق في كلمات القرآن الكريم» ذيل ريشه‌ي خمر.
- [9] سوره‌ي احزاب (33)، آيه‌ي 59.
- [10] براي آگاهي بيش‌تر ر.ك: «نقد ادله مخالفين چادر مشكي» روزنامه جمهوري اسلامي، 3 و 4 بهمن ماه 79.

- [11] طبرسي، مجمع البيان، ج 7، ص 155.
- [12] مقالة «آزادي و برابري زن در اسلام»، نشریهي آواي زن، شمارهي 21.
- [13] غلامعلي حداد عادل، فرهنگ برهنگي و برهنگي فرهنگي، ص 63، به نقل از: تفاوتهاي زن و مرد از نظر فيزيولوژي و روان شناسي»، دكتور محمود بهزاد، مجلهي نگين، شمارهي 134، تيرماه 1355.
- [14] غلامعلي حداد عادل، همان، ص 64، به نقل از كتاب :
- the psychology of clothes، ص 107.
- [15] حر عاملي، وسائل الشيعه، ج 14، ص 140، روايت 12.
- [16] محمدي ري شهري، ميزان الحكمه، ج 2، ص 570، واژهي حياء.
- [17] سيد مهدي قانع، «انسان، پوشش و ريشههاي تاريخي»، مجلهي پيام زن، شمارهي 19، ص 68.
- [18] صدوق، علل الشرايع، ج 1، ص 163: «فتجلببت بجلبابها و تبرقعت ببرقعها و ارادت النبي(ص)».
- [19] طبرسي، الاحتجاج، ج 1، ص 98.
- [20] سورهي احزاب (33)، آيهي 59.
- [21] لما نزلت هذه الآية «يدنين عليهن من جلابيين» خرج نساء الانصار كأن علي رؤسهن الغربان من اكسية سود يلبسنها: سنن ابي داود، ج 2، ص 182.
- [22] عون المعبود، شرح سنن ابي داود، ج 11، ص 159.
- [23] به عنوان نمونه ر.ك: لسان العرب، القاموس المحيط، اقرب الموارد، منتهي الارب في لغة العرب، محيط المحيط، معجم الوسيط ذيل ريشهي جلب.
- [24] لسان العرب، ذيل ريشهي جلب.
- [25] العين خليل و تاج العروس زبيدي، ذيل ريشهي جلب.
- [26] الجلباب: كساء اسود تلبسه المرأة فوق ثيابها، الخطيب العدناني، الملابس و الزينة في الاسلام، (في اسماء و انواع الملابس القديمة و الحديثه)، ص 190.
- [27] فاطمه خاتمي، روزنامهي ايران، شمارهي 1627، 2 مهرماه 79، ص 4.
- [28] فاطمه خاتمي، روزنامهي ايران، شمارهي 1627، 2 مهر ماه 79، ص 4.
- [29] محمد حسن نجفي، جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام، ج 8، ص 233.
- [30] ابوالقاسم خويي، شرح عروة الوثقي، كتاب الصلاة، ج 1، مكروهات لباس مصلي.
- [31] براي آشنايي با اين روايات ر.ك: فروع كافي، ج 2، كتاب الصلاة باب اللباس الذي تكره الصلاة فيه و ما لا تكره، ص 397، و كتاب الزبي و التجمل باب لبس السواد، ص 449؛ وسايل الشيعه الي تحصيل مسائل الشريعة، ج 3، كتاب الصلاة، ابواب لباس مصلي و مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، كتاب

الصلاة، ابواب لباس مصلي.

- [32] بعضي از رواياتي كه شارع مقدس در آنها پوشش غليظ را در مواجهه با نامحرم خواسته و از پوشیدن لباس نازك نهي کرده است در زير ذكر مي‌شود:
- الف) عن امير المؤمنين(ع): من رقق ثوبه، رقق دينه؛ محدث نوري، مستدرک الوسائل، ج 3، ص 211، و ج 3، ص 249.
- ب) عن ابي عبد الله عليه السلام قال: لا يصلح للمرأة المسلمة ان تلبس من الخمر و الدروع ما لا يوارى شيئاً؛ الحر العاملي، وسائل الشيعة، ج 3، ابواب لباس مصلي، باب 21، حديث 2.
- [33] محمد حسن نجفي، جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام، ج 8، ص 235.
- [34] مسائل جديد از ديدگاه علما و مراجع تقليد، ج 1، ص 35، 36 و 38؛ ويژه نامه‌ي فرهنگ اسلام، بهار سال 1379، ص 70؛ همچنين ر. ك: استفتائات آخر كتاب.
- [35] كان رسول الله(ص) يكره السواد الا في ثلاث: الخفّ و العمامة و الكساء ر.ك: محمد بن يعقوب كليني، فروع كافي، ج 6، ص 449، روايت 1.
- [36] ر.ك: توضيح المسائل مراجع تقليد، شرايط لباس نمازگزار؛ همچنين كتاب «احكام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعي آنان» مطابق با نظرات آيات و مراجع تقليد، ص 52 و 57.
- [37] همان، صفحه‌ي 62 - 63.
- [38] صدوق، المقنع، ص 229، و حر عاملي، وسائل الشيعة، ج 9، ص 41.
- [39] روي لا تصلّ في ثوب اسود فأما الخفّ او الكساء او العمامه فلا بأس؛ شيخ كليني، فروع كافي، ج 3، ص 403.
- [40] الطباطبائي اليزدي، العروة الوثقي، كتاب الصلاة، ص 201، و شهيد اول، الدروس الشرعية، ج 1، ص 147.
- [41] گيو نمازي، روزنامه‌ي نوروز، 80/4/18، ص 8، ستون چهارم.
- [42] كليني، فروع كافي، ج 6، ص 449، روايت 1.
- [43] محدث قمي، سفينة البحار، ج 1، ص 67، و اژه‌ي سواد، و علي ابوالحسني، سياهپوشي در سوگ ائمه‌ي نور.
- [44] گيو نمازي، روزنامه‌ي نوروز، 80/4/18، ص 8، ستون اول.
- [45] همان.
- [46] فاطمه خاتمي، روزنامه‌ي ايران، 79 / 7 / 2، ص 4.
- [47] البته مخفي نماند كه در حال و هواي او ايل انقلاب كه زنان پس از دهها سال بي‌حجابي زمان طاغوت، تازه به دوران انقلاب اسلامي قدم گذاردند، رعايت همان نوع و مقدار از حجاب نيز از سوي

آنان قابل تقدیر است ولو این‌که حجاب آنها در حد حجاب شرعی برتر نبوده است.
[48] در پیوست آخر کتاب، تعدادی از نظرات مراجع تقلید را به عنوان کارشناسان و متخصصان مسائل اسلامی حجاب و لباس آورده‌ایم.

فصل چهارم:

تعارض نمایی حجاب و آزادی

فصل چهارم این نوشته به کالبدشکافی و پاسخ‌گویی به شبهات و پرسش‌هایی درباره‌ی رابطه‌ی آزادی و لباس و حق انتخاب پوشش توسط افراد، و برخی محدودیت‌های معقول و مشروع در امر حجاب و پوشش پرداخته است.

1- رابطه‌ی حد و مرزهای پوشش و عقده‌ها و حسرت‌ها

شبهه:

محدودیت‌ها (در مورد لباس) باعث شکستن حرمت افراد و ایجاد عقده و حسرت می‌گردد؟ [1]

پاسخ:

واقعیت این است که محدودیت‌ها (در مورد لباس) باعث شکستن حرمت افراد نمی‌شود، بلکه دقیقاً برعکس، آزادی به معنای نفی محدودیت‌ها، باعث عدم احترام به افراد و انهدام ارزش‌ها می‌گردد. برای تصدیق این سخن، کافی است نیم‌نگاهی به طرز لباس پوشیدن افراد در قسمت‌های مرفه‌نشین شهرهای بزرگ، مثل تهران بیفکنیم و ببینیم که چگونه این افراد با سوء استفاده از آزادی، ارزش‌ها و هنجارهای دینی مربوط به پوشش اجتماعی را که قانوناً ملزم به رعایت آن هستند، زیر پا می‌گذارند و حتی آنها را به تمسخر می‌گیرند.

اما این‌که گفته‌اند محدودیت در لباس، تنها باعث ایجاد عقده و حسرت در افراد می‌شود، کلامی مبهم است و معلوم نیست مراد گوینده، چه اشخاصی هستند؟ اگر مراد گوینده این است که محدودیت‌ها در مورد لباس زنان و دختران جوان، باعث شکل‌گیری عقده‌ها و حسرت‌های جنسی و روانی در پسران جوان می‌گردد، واقعیت این است که برعکس، آزادی پوشش به معنای نفی محدودیت در لباس بانوان و دختران جوان،

باعث انعقاد حسرت‌ها در پسران می‌گردد، و با اندک تأملی تصدیق می‌گردد در جامعه‌ای که بخش عظیم آن جوانانی هستند که به دلیل شرایط سنی و تحریکات مختلف روانی به وسیله‌ی محصولات آلوده‌ی فرهنگی، مانند بعضی از فیلم‌ها، رمان‌ها و نوارهای مبتذل، در معرض طغیان غرایز جنسی هستند و از طرفی ازدواج نیز در جامعه بسیار سخت شده است، چگونه ممکن است آزادی پوشش دختران جوان و نفی محدودیت در لباس، باعث شکل‌گیری عقده‌ها و حسرت‌های روحی و روانی پسران جوان دربارهی مسائل جنسی نگردد.

چه زیبا، امام صادق (ع) در روایتی فرموده‌اند:

النظر سهم من سهام ابلیس مسموم کم من نظرة اورثت حسرة طویلة؛ [2] نگاه ناپاک، تیری از تیرهای مسموم و آلوده‌ی ابلیس است و چه بسیار نگاهی که باعث عقده و حسرت طولانی می‌گردد.

همین واقعیت در شعر شاعر این‌گونه بیان شده است:

زدست دیده و دل هر دو فریاد

که هرچه دیده بیند دل کند یاد

ولی اگر مراد گوینده‌ی محترم این است که محدودیت در لباس و پوشش بانوان و دختران جوان، باعث شکل‌گیری عقده‌ها و حسرت‌هایی در خود دختران می‌گردد؛ چون در آرزوی پوشیدن لباس‌های رنگین و مدل‌های مختلف آن ناکام می‌شوند، در پاسخ می‌گوییم.

اولاً، در فرهنگ اسلامی و قرآنی، زنان نه تنها در استفاده از زینت‌آلات و لباس‌های زیبا منع نشده‌اند، بلکه تشویق نیز شده‌اند. جواز استفاده‌ی زنان از لباس زربافت و حریر، از جمله شواهد در نظر گرفتن علاقه‌ی فطری زنان به خودآرایی و زیباگرایی است.

امام باقر (ع) در روایتی فرموده است:

لا ینبغی للمرأة ان تعطل نفسها و لو ان تعلق فی عنقها قلادة؛ [3] سزاوار نیست زنی خود را بدون زیور واگذارد، لااقل گردن‌بندی به گردن آویزد.

ولی اسلام در کنار توصیه‌ی زنان به خودآرایی، به منظور پاک ماندن محیط اجتماعی، به حجاب و پوشاندن زینت‌ها و زیبایی‌ها و عدم تبرّج و خودنمایی در مقابل نامحرم نیز دستور داده است؛ چون نمایش زینت‌ها و لباس‌های زیبا باعث تحریک و تهییج می‌شود.

و لایبیدن زینت‌ها (البعلوثن) [4] غیر متبرجات بزینة [5] و لا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولی [6].

ثانیاً، رعایت اندازه و حدود لباس و پوشش، در معدودی از زنان و دختران که در اثر تربیت نادرست، حاضرند برای اشباع غریزه‌ی خودآرایی، زیبایی‌های ظاهری و باطنی خود را، حتی به مردان نامحرم نیز نمایش دهند، ممکن است عقده‌ها و حسرت‌هایی برای برخی ایجاد نماید، ولی در مجموع، نمی‌توان

انکار نمود که حجاب، دستوری حکیمانه است که برای سلامت روحی و روانی همهی پسران جوان و حتی زنان، خصوصاً گروهی که اندام و یا لباس زیبا ندارند مفید است. چه زیبا گفته است یکی از زنان مسلمان :

حجاب، حتی از ایجاد عقده‌ها و حسادت‌ها در میان زنان جلوگیری می‌کند. چرا باید زنی به خاطر این که اندام زیبا ندارد احساس حقارت و کوچکی کند و دیگری به واسطه‌ی داشتن اندام موزون و زیبا به دیگران فخر بفروشد. [7]

2- حدود آزادی اظهار نظر درباره‌ی حجاب و لباس

شبهه:

بعضی با این عبارت که «اصلاً مگر ما حق داریم راجع به لباس پوشیدنمان نظر بدهیم؟» [8] خواسته‌اند این شبهه را القا کنند که افراد حق اظهار نظر درباره‌ی لباس را ندارند. آیا ادعای مذکور صحیح است؟ پاسخ:

اولاً، واقعاً جای تعجب است؛ با وجود این که برگزاری هم‌اندیشی با حضور جوانان و انتشار نظرهای آنها در سطح عمومی به وسیله‌ی روزنامه، خود بهترین دلیل و شاهد است که جوانان حق اظهار نظر درباره‌ی لباس پوشیدن را دارند؛ لکن معلوم نیست چرا گوینده‌ی محترم به طور غیر واقعی، و به دور از صداقت، با تبلیغ به روش القایی در صدد تلقین وجود زور و فشار درباره‌ی لباس است. ثانیاً، بدون تردید گوینده‌ی محترم قبول دارد که اظهار نظر نیز، همانند هر عمل دیگری باید مطابق قاعده و روشمند باشد؛ یعنی اظهار نظر در زمینه‌ی مسائل مهم و نیازمند کارشناسی مثل مسئله‌ی حجاب، حداقل باید براساس یکی از دو قاعده‌ی عقلایی زیر باشد:

الف) خود فرد در زمینه‌ای که اظهار نظر می‌کند متخصص و کارشناس باشد.

ب) به نظر متخصصان و کارشناسان، استناد و تکیه کند.

با دقت و مطالعه‌ی اظهار نظرهای افراد شرکت کننده در هم‌اندیشی، به روشنی فهمیده می‌شود که متأسفانه هیچ یک از دو قاعده‌ی عقلایی فوق در آن رعایت نشده است.

ثالثاً، درباره‌ی اظهار نظر افراد غیر متخصص، مثل جوانان شرکت کننده در هم‌اندیشی مذکور، سه دیدگاه مهم قابل طرح است:

الف) دیدگاه افراطی. دیدگاهی که می‌گوید افراد غیر متخصص نیز، حتی بدون استناد به نظر کارشناسان و یا حضور آنان در هر مسئله‌ی مهمی حق اظهار نظر دارند. برگزاری هم‌اندیشی جوانان درباره‌ی لباس، بدون حضور و نظر کارشناسان، و چاپ گزارش آن توسط روزنامه‌ی نوروز، مؤید این است که دیدگاه

مذکور مورد قبول گزارش دهنده‌ی محترم و همفکران ایشان است .

نقد: دیدگاه فوق قابل دفاع منطقی نیست؛ زیرا تردیدی نیست که اظهار نظر افراد ناآگاه درباره‌ی مسائل مهم و نیازمند کارشناسی، بدون استناد به نظر کارشناسان و بدون حضور آنها، باعث طرح نظرات نادرست در اذهان مردم، خصوصا جوانان می‌گردد. مهم‌تر این‌که وقتی این‌گونه نظرها در «روزنامه» منتشر گردد، پیامدهای منفی آن چندین برابر است؛ زیرا از مصادیق آشکار تشویش اذهان عمومی است. **ب) دیدگاه تفریظی**. دیدگاهی که می‌گوید افراد به طور مطلق، هرگز حق اظهار نظر درباره‌ی هیچ مسئله‌ای را ندارند.

نقد: این دیدگاه نیز غیر منطقی است، و قابل دفاع عقلانی نمی‌باشد؛ زیرا مهم‌ترین لازمه‌ی منفی آن، احترام نگذاشتن به شخصیت افراد و تقویت استبداد رأی در جامعه است که امر مردودی می‌باشد.

امیرمؤمنان امام علی(ع) در روایتی تصریح فرموده‌اند :

من استبدأ برأیه هلك و من شاور الرجال شارکها فی عقولها[9]؛ هر انسانی که استبداد به رأی داشته باشد هلاک و گمراه می‌شود؛ و هر کسی که با دیگران مشورت کند، در عقل‌های آنها شرکت جسته است .

ج) دیدگاه اعتدالی. دیدگاهی که می‌گوید افراد غیر کارشناس با استناد به نظر کارشناسان یا با حضور آنها، درباره‌ی مسائل مهم، از جمله لباس می‌توانند اظهار نظر کنند. این دیدگاه ایرادهای دو دیدگاه قبل را ندارد؛ بنابراین، دیدگاهی منطقی و قابل دفاع عقلانی است.

ما معتقدیم هم‌اندیشی جوانان درباره‌ی لباس اگر با مطالعه و تحقیق قبلی و با استناد به نظر کارشناسان و یا با حضور آنان برگزار می‌گردید، بسیاری از مطالب نادرست مطرح شده[10] با تذکرات و راهنمایی‌های آنها جرح و تعدیل می‌شد و فرهنگ‌سازی به مفهوم صحیح و دقیق آن صورت می‌گرفت.

3-رابطه‌ی حجاب و فشارهای اجتماعی

شبهه:

بعضی با این عبارت که «نگاه ارزشی به رنگ، موجب شده تا افراد کنترل‌های محسوس و غیر محسوس را بر نوع پوشش خود از سوی اطرافیان و محیط‌های مختلف احساس کنند»[11] خواسته‌اند این گونه القای شبهه نمایند که نگاه ارزشی از سوی افراد و محافل دینی به حجاب دارای رنگ تیره، مثل چادر مشکی باعث می‌شود افراد دیگری که از حجاب‌های غیر مشکی استفاده می‌نمایند تحت فشار اجتماعی، روحی و روانی قرار گیرند. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ:

این که هنجارها، ارزش‌ها، آداب و رسوم هر جامعه‌ای يك نوع فشار روجی و روانی بر افراد مخالف با آن هنجارها وارد می‌نماید، اجمالاً مورد قبول است؛ ولی این مطلب اختصاص به عدم استفاده از چادر مشکی ندارد؛ زیرا اگر يك زن محجبه نیز بخواد با چادر مشکی وارد یکی از شهرهای کشورهای اروپایی - که زنان آن جا معمولاً بی‌حجاب یا بدحجاب هستند و اساساً از چادر مشکی استفاده نمی‌کنند - وارد شود، یا مثلاً در داخل ایران، زن محجبه‌ای از يك شهر مذهبی با چادر مشکی وارد منطقه‌ای گردد که غالباً بدحجاب هستند و یا از چادر کمتر استفاده می‌کنند، با فشارهای اجتماعی که از ناحیه‌ی محیط بدحجاب بر او وارد می‌شود مواجهه است؛ بنابراین، وجود این‌گونه فشارهای اجتماعی نشأت گرفته از فرهنگ و آداب و رسوم جوامع، مختص زنان غیر محجبه نیست، بلکه امری عمومی است. نکته مهم این است که نوع پوشش در جامعه‌ی اسلامی باید معقول و مشروع و قابل دفاع عقلانی و شرعی باشد. هر فردی باید با توجه به ملاک یاد شده عمل نماید و نیز تسلیم فشارهای اجتماعی نامشروع نگردد و به تعبیر قرآن، در راه خدا و احکام الهی تلاش کند و از سرزنش دیگران نهراسد :

یجاهدون فی سبیل الله و لا یخافون لومة لائم. [12]

در روایتی از امام کاظم (ع) در درباره‌ی چشم و هم‌چشمی نکردن و دهن‌بین نبودن و تسلیم فشارهای اجتماعی نامشروع نشدن، چنین آمده است :

یا هشام: لو کان فی یدک جوزة و قال الناس فی یدک لؤلؤة ما کان ینفعلک و انت تعلم انها جوزة و لو کان فی یدک لؤلؤة و قال الناس انها جوزة ما ضرک و انت تعلم انها لؤلؤة؛ [13] ای هشام اگر گردویی داشته باشی و همه بگویند لؤلؤ است سودت ندهد و تو خود می‌دانی که گردوست و اگر لؤلؤی در دستت باشد و مردم بگویند گردوست، زیانت نرساند و تو خود می‌دانی که لؤلؤ است .

4- رابطه‌ی حجاب و پوشش و مسئله آزادی

شبهه:

بعضی با این عبارت که «چرا نمی‌گذارند آن طور که دوست داریم لباس بپوشیم» [14] خواسته‌اند این گونه ادعا نمایند که در لباس پوشیدن آزاد نیستند. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ:

اولاً، برخی عبارت‌های گوینده‌ی محترم، مثل این عبارت که «مونا شاهرخی و بهزاد خلیفه، همین لباسی را که پوشیده‌اند دوست دارند» [15] حاکی از عدم صحت ادعای فوق است؛ زیرا عبارت ذکر شده گویای این است که افراد یاد شده همان لباسی را که دوست دارند پوشیده‌اند و در پوشیدن لباس آزاد بوده‌اند. ثانیاً، واقعیت خارجی، حاکی از لباس پوشیدن افراد براساس ملاک‌های مورد علاقه‌ی خود و با تفاوت

بسیار از نظر جنس، مدل و رنگ است که روزانه در کوچه و خیابان نیز با آن مواجهیم، و برخی عبارتهای روزنامه‌های نوروز نیز تکذیب‌کننده‌ی ادعای یاد شده است؛ زیرا گزارش دهنده‌ی محترم نیز به یک دنیا تفاوت در لباس‌های افراد شرکت‌کننده در هم‌اندیشی که نمونه‌ی کوچکی از یک دنیا تفاوت در لباس پوشی افراد جامعه است تصریح کرده است «به نحوه‌ی لباس پوشیدن‌ها که نگاه می‌کنی متوجه کلی تفاوت می‌شوی. مهدی جبرکش را با تی‌شرت مشکی و شلوار جین می‌بینی که کنار امیر رسولی با پیراهن چهارخانه‌ای که یقه‌اش را کیب بسته نشسته است. بین لباس‌های ملیحه و کتابون یک دنیا تفاوت دیده می‌شود.» [16]

ثالثاً، اگر مراد گوینده این است که افراد به طور مطلق و بدون پذیرش هیچ حد و مرزی، هر لباسی را که دوست دارند بتوانند بپوشند ولو مطابق هنجارها و ارزش‌های معقول و مقبول جامعه نباشد، پاسخ این است که چنین آزادی مطلق وجود ندارد و به فرض وجود، معقول نیست. موجود نیست، چون ما عملاً مشاهده می‌کنیم حتی در کشورهایی، مثل فرانسه که می‌گویند مهد آزادی است چگونه از پوشش دلخواه دختران محجبه جلوگیری می‌کنند، اما معقول نیست؛ زیرا عقل نیز حکم می‌کند که تمام اعمال و رفتار اعضای جامعه، از جمله لباس پوشیدن، باید تحت ضابطه و قانون مشخص و معقولی انجام گیرد تا آن جامعه در فرهنگ پوشش دچار هرج و مرج نگردد.

رابعاً، اگر در موردی فردی دوست داشته باشد لباس خاصی را بپوشد، لکن خودش با تأمل و دلیل منطقی، یا با تذکر و راهنمایی دیگران، یا حتی تحت تأثیر فشار اجتماعی برآمده از فرهنگ صحیح جامعه و آداب و رسوم مردم، پوشش و حجاب منطقی دیگری را ترجیح داد، شبیه آنچه که در گزارش هم‌اندیشی نیز آمده است «ملیحه رضاخان با اشاره به مقنعه‌اش می‌گوید حقیقت این است که می‌خواستم روسری سر کنم، اما فکر کردم شاید این جا (نشست هم‌اندیشی) زیاد خوب نباشد» [17] تردیدی نیست که در این گونه موارد، آزادی فرد سلب نشده است، بلکه فرد بر اساس پذیرش این اندیشه منطقی طرح شده در ضمن هم‌اندیشی «لباس خوب، لباسی است که در عین سادگی، مناسب هم باشد. هر لباسی برای جایی خوب است و باید عرف و فرهنگ را در انتخاب لباس رعایت کرد» [18] بلوغ فکری خویش را به نمایش گذاشته و به طور منطقی پذیرفته است که نباید تابع احساسات و علایق زودگذر بود، بلکه باید بر اساس ملاک و معیارهای معقول و مشروع، به تناسب هر جایی لباسی متناسب با آن را انتخاب کرد؛ و ممنوعیت استفاده از لباس شهرت در احکام نورانی اسلام نیز بر اساس همین نکته است. این عین حریت و آزادی مطلوب است که انسان خودش را از قید و بند شهوت و از جمله شهوت مدپرستی رایج در جامعه آزاد نماید و چه نیکو فرموده است امیر مؤمنان امام علی(ع):

من ترك الشهوات كان حراً؛ [19] هر کسی که شهوت‌ها و خواهش‌های نفسانی را ترك نماید، آزاد است.

5- سوء استفاده از عواطف مذهبی جوانان در مقوله‌ی حجاب

«دختری که در آرزوی پوشیدن يك بلوز بلند و شلوار گشاد است، نه نامسلمان است، نه بی‌دین و نه هرج و مرج طلب؛ بد نیست گاهی به صداقت او هنگام نماز هم بیندیشیم»؛ [20] چه مغالطات و سوء استفاده‌ای از عواطف مذهبی جوانان در تعبیر فوق صورت گرفته است؟

اولاً، ما نیز قبول داریم که هر دختر جوانی که در آرزوی پوشیدن لباس‌های فوق است، لزوماً نامسلمان و یا بی‌دین نیست، بلکه برعکس، معتقدیم چون زنان به طور فطری و غریزی بیش‌تر از مردان به خودآرایی و زیبایی خود اهمیت می‌دهند، در احکام نورانی اسلام که مطابق با فطرت انسان است با تشویق زنان به آرایش و خودآرایی، زمینه‌ی اشباع و پاسخ‌گویی این نیاز زنان به خوبی فراهم شده است؛ ولی اسلام علاوه بر نیاز فطری مذکور، نیاز فطری دیگر زنان به حجاب و پوشش را نیز در نظر گرفته است؛ و چه زیبا در احکام متعالی خویش بین دو نیاز فطری و غریزی زنان، یعنی نیاز به خودآرایی و نیاز به حجاب و پوشش جمع نموده است. از طرفی زنان را تشویق نموده که از زیورآلات و دیگر پوشش‌های زیبا استفاده نمایند و از طرف دیگر، به زنان دستور داده است از طریق حجاب و پوشش، از ارائه و نمایش آن به نامحرم و در نتیجه، تحریک روحی و روانی دیگران اجتناب نمایند.

ثانیاً، منکر صداقت جوانان عزیز نمازخوان در موقع نماز نیستیم، بلکه به صداقت آنان می‌اندیشیم و به آن احترام می‌گذاریم؛ ولی معتقدیم نباید آن گونه که عبارت گوینده‌ی محترم القا می‌کند، عواطف مذهبی جوانان، مثل صداقت در نماز، مورد سوء استفاده و مغالطه قرار گیرد.

ثالثاً، معتقدیم اگر صداقت در نماز همراه با عفت و نجابت در پوشش مقابل نامحرم نباشد، مقدار صداقت در نماز هم مورد تردید قرار می‌گیرد؛ زیرا احکام نورانی اسلام احکامی يك پارچه است که باید به تمام آنها مؤمن و عامل بود.

همچنین معتقدیم اعمال صالح در یکدیگر تأثیر متقابل دارند، به گونه‌ای که انجام يك عمل صالح در تشویق انسان به سمت کارهای صالح دیگر و ترك کارهای منکر و ناپسند مؤثر است؛ با این توضیح که مثلاً قرآن نماز را بازدارنده از کارهای ناشایست و نامطلوب معرفی می‌کند:

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ. [21]

و از طرفی چون قرآن شکل حجاب بیرون از منزل بانوان در مقابل نامحرم را مقنعه «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» [22] و چادر «يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» [23] معرفی می‌نماید؛ بنابراین، پوشیدن بلوز بلند و شلوار گشاد بدون مقنعه و چادر را برای بانوان و دختران جوان در مقابل نامحرم کاری ناشایست و نامطلوب می‌داند؛ زیرا باعث جلب توجه نامحرم و تحریک روحی و روانی می‌گردد، و روشن است که يك دختر متدین و نمازخوان، کاری که قرآن آن را نامطلوب می‌داند، انجام نخواهد داد.

6-لباس و پوشش و حق انتخاب آن

شبهه :

بعضی با این عبارت «سیاه که در اسلام مکروه است. من نمی‌دانم! مقررات می‌گوید رنگ تیره، جوراب ضخیم، مانتوی بلند و گشاد، آستین بلند، شلوار پارچه‌ای گشاد، همین و همین و همین». [24] این گونه القای شبهه کرده‌اند که مقررات موجود لباس پوشیدن زنان در کشور، خلاف اسلام است. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

توضیح:

نگارنده‌ی محترم به ناحق در بخشی از یک سناریوی خود ساخته، با قطعی گرفتن کراهت رنگ سیاه به طور مطلق از دیدگاه اسلام به مخاطب این گونه القا نموده که چون در مقررات فعلی، اصرار و اجبار بر استفاده از لباس‌های تیره و سیاه است؛ بنابراین مقررات موجود، خلاف اسلام است.

پاسخ:

اولاً، واقعیت بیرونی لباس پوشیدن بانوان در سطح جامعه و استفاده از انواع و اقسام جوراب‌های نازک و مانتوهای کوتاه و شلوارهای تنگ با رنگ‌های بسیار متنوع، حاکی از این است که یا اساساً مقررات یاد شده وجود خارجی ندارد، یا بر فرض وجود، متأسفانه به آن عمل نمی‌شود؛ ولی به هر حال، نتیجه‌ی هر دو احتمال مذکور واقعیت نداشتن اجبار بر پوشش خاصی است که عبارت گوینده‌ی محترم، به دروغ و به طور غیر واقعی القا کننده‌ی آن است.

ثانیاً، فرض می‌کنیم ادعای ایشان واقعیت خارجی داشته باشد، همان‌گونه که قبلاً گذشت حجاب تیره برای بانوان و دختران (در مواجهه با نامحرم) کراهتی ندارد؛ بنابراین، ادعای کراهت لباس تیره و مشک‌ی برای بانوان و دختران اساساً نادرست است؛ اما موارد دیگر، مثل جوراب ضخیم، مانتوی بلند و غیره، چون در راستای تأمین حجاب بیش‌تر و بهتر بانوان است، مورد قبول اسلام است؛ لذا مقررات مذکور بر فرض وجود، خلاف اسلام نیست .

شبهه:

بعضی با این عبارت که «باید به انسان دنیای امروز اجازه داد که خودش لباس انتخاب کند» [25] خواسته‌اند این شبهه را القا کنند که انسان امروزی در انتخاب لباس آزاد نیست و به او اجازه نمی‌دهند خودش لباس انتخاب کند. آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ:

اولاً، واقعیت خارجی رفتن افراد، اعم از مرد و زن، دختر و پسر، جوان و غیر جوان به مغازه‌های لباس فروشی و گاهی صرف ساعت‌ها وقت برای انتخاب یک مدل و رنگ خاص، حاکی از این است که افراد

در انتخاب لباس آزادند؛ البته طبیعی است که در هر جامعه‌ای به تناسب هنجارها و ارزش‌های حاکم بر جامعه، نوع خاصی از لباس‌ها و پوشش‌ها در مغازه‌ها وجود دارد که به نحوی انتخاب افراد را محدود می‌کند، ولی این امر عمومی است و اختصاص به جامعه‌ی ما ندارد.

ثانیاً، در این که انسان موجودی انتخاب‌گر است، تفاوتی بین انسان امروز و دیروز نیست؛ مهم کیفی و ارزشمند بودن انتخاب است. دو شرط زیر در کنار یکدیگر يك انتخاب را کیفی و ارزشمند می‌کند:

الف) انتخابی که از روی شناخت و آگاهی صحیح و کامل صورت می‌گیرد.

ب) انتخاب آگاهانه‌ای که منجر به تأمین منافع و مصالح حقیقی انسان، اعم از منافع اخروی، دنیوی، فردی و اجتماعی گردد. در خصوص انتخاب لباس نیز همین دو شرط صادق است.

ثالثاً، فرض کنید دختر جوانی با لباس بسیار نازک و بدن‌نما از منزل بیرون بیاید؛ اگر از او سؤال کنید این چه نوع لباسی است که پوشیده‌ای؟ و او در جواب بگوید لباسی است که خودم انتخاب کرده‌ام؛ آیا عقل سلیم و شرع حکیم چنین اجازه‌ای به او می‌دهد که با لباس مذکور وارد جامعه شود و باعث تحریک و تهییج جنسی جوانان گردد؟ ما مطمئن هستیم که پاسخ شما نیز به این سؤال منفی است؛ زیرا شما نیز انسان منطقی و معقولی هستید و چهارچوب‌های معقول و مشروع را قبول دارید.

پاورقی‌ها:

- [1] مرتضی زنده‌دلان، روزنامه نوروز 18 / 4 / 80، ص 8.
- [2] محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج 5، کتاب النکاح، ص 559، حدیث 12.
- [3] حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 14، کتاب النکاح، ص 114، حدیث 1.
- [4] سوره‌ی نور (24)، آیه‌ی 31.
- [5] سوره‌ی نور (24)، آیه‌ی 60.
- [6] سوره‌ی احزاب (33)، آیه‌ی 33.
- [7] فاطمه هرسن، حدیث هدایت در نشستی با چند تن از بانوان غیر ایرانی (اتریشی) اینک دیگر رو به شرق نماز می‌گذاریم، مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی 46، دی ماه 74، ص 23.
- [8] گیو نمازی، هم‌اندیشی جوانان درباره لباس پوشیدن، روزنامه نوروز، 18 / 4 / 80، ص 8.
- [9] نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، حکمت 161، ص 500.
- [10] ر.ک: مقاله‌ی نگارنده «هم‌اندیشی منطقی با جوانان درباره‌ی لباس» پاسخ به مقاله‌ی روزنامه‌ی نوروز با عنوان «هم‌اندیشی جوانان درباره لباس پوشیدن» روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، تاریخ 19 و 21 شهریور 1380.

- [11] اژدر شهابي، روزنامه‌ي آفتاب، 24 شهريور 1380، ص 6.
- [12] سوره‌ي مائده (5)، آيه‌ي 54.
- [13] ابن شعبه حرّاني، تحف العقول، ص 45.
- [14] گيو نمازي، روزنامه‌ي نوروز، 18 / 4 / 80، ص 8، ستون دوم.
- [15] همان.
- [16] همان.
- [17] گيو نمازي، هم‌اندوشي جوانان درباره لباس پوشيدن، روزنامه‌ي نوروز 80/4/18 ص8، ستون آخر.
- [18] همان.
- [19] محمدي ري شهري، ميزان الحكمه، ج2، ص 352، واژه‌ي حرّيت.
- [20] گيو نمازي، روزنامه‌ي نوروز، 18 / 4 / 80، صفحه‌ي 8، ستون پنجم.
- [21] سوره‌ي عنكبوت (29)، آيه‌ي 45.
- [22] سوره‌ي نور (24)، آيه‌ي 31.
- [23] سوره‌ي احزاب (33)، آيه‌ي 59.
- [24] گيو نمازي، روزنامه‌ي نوروز، 18 / 4 / 80، صفحه‌ي 8، ستون اول.
- [25] گيو نمازي، روزنامه‌ي نوروز، 18 / 4 / 80، صفحه‌ي 8، ستون چهارم.

کارآمدی چادر و حجاب شناسی

علاوه بر فواید بسیار زیاد فردي و اجتماعي حجاب در شکل چادر، حجاب چادري بانوان در انقلاب‌هاي ديني، يك سمبل و نماد مبارزه با اهداف استعماري و استکباري نیز هست. قبلاً در فصل اول کلامي از فرانتس فانون درباره‌ي سمبل و نماد ضد استعماري بودن حجاب چادري زنان در انقلاب الجزاير بر ضد

دولت فرانسه نقل شد. به اعتراف دشمنان انقلاب اسلامي، اين سمبل و نماد بودن در مورد حجاب چادري بانوان ايراني نيز وجود دارد. ريون کرکت (ادوارد شرلي) (صهيونيست و مسئول سابق شبکه جاسوسي سپاه در ايران مي‌گويد: «چادر نمادي است که وجود انقلاب را در سر هر چهار راه به نمايش مي‌گذارد؛ با چادر مي‌توان اين احساس را پديد آورد که انقلاب اسلامي هنوز زنده و جاويد است» [1] به رغم اين که دشمنان چنين صريح خشم خود را درباره‌ي چادر اظهار مي‌دارند، متأسفانه عده‌اي در داخل در صدد مخدوش جلوه دادن کارآمدي حجاب در شکل چادر هستند؛ از اين رو، فصل پنجم اين اثر به بررسي کارآمدي حجاب و پوشش اسلامي در غالب چادر و چادر مشکي پرداخته است.

1- مسئله‌ي دست و پاگير بودن حجاب در شکل چادر

شبهه:

بعضي در کارآمدي چادر اين گونه شبهه کرده‌اند که «اين نوع حجاب دست‌وپاگير است.» [2] آيا ادعاي مذکور صحيح است؟

پاسخ:

اولاً، گرچه حجاب در شکل چادر رايج ايراني، ممکن است براي برخي افراي که از سنين کودکي استفاده از آن را تمرين نکرده‌اند، مقداري مشکل باشد، ولي براي همهي زنان، خصوصاً بانواني که تجربه‌ي کافي استفاده از آن را دارند مشکل نيست. به همين دليل اگر از زنان متديني که از سنين قبل از بلوغ به استفاده از چادر عادت کرده‌اند سؤال شود که آيا استفاده از چادر براي شما دست و پاگير است، پاسخ آنها منفي است.

ثانياً، يکي از علل دست و پاگير دانستن چادرهاي ايراني و سختي کنترل آن براي بعضي از بانواني که خيلي استفاده از آن را تمرين نکرده‌اند، باز بودن جلوي آن است، که براي حل اين مشکل نيز زنان و دختران مي‌توانند از «عباءة» چادرهاي مشکي زنان عرب که داراي آستين است استفاده نمايند که کنترل آن آسان است. هم اکنون نيز عده‌اي از زنان و دختران ايراني از اين نوع چادر استفاده مي‌کنند.

2- حجاب مشکي در تابستان

شبهه:

بعضي گفته‌اند: «چون رنگ مشکي نور را جذب مي‌کند، پس در تابستان معمولاً نمي‌توان دختران را به حجاب تيره (مثل چادر مشکي) تشويق کرد.» [3] آيا اين ادعا صحيح است؟

پاسخ:

اولاً، پوشش تیره و مشکی در بعضی از مناطق که دارای تابستان گرم است، اساساً برای دسته‌ای از بانوان و دختران باعث مشقت نیست و برای دسته‌ای دیگر، بر فرض مشقت‌آور بودن، قابل تحمل است. دسته اول (کسانی که در تابستان گرم، حجاب مشکی برای آنها مشقت ندارد) بانوان و دختران معتقد و مؤمنی هستند که به نقش حجاب برتر، مثل چادر مشکی، اعتقاد و باور راسخ دارند؛ از این رو نسبت به بعضی مشکلات احتمالی آن، احساس مشقتی ندارند.

اساساً وقتی انسان عملی را از روی عقیده‌ی راسخ انجام دهد نسبت به عوارض و پیامدهای سخت آن احساس مشقتی ندارد. در سیره‌ی انبیای الهی و معصومین (ع)، اصحاب و یاران ائمه‌ی اطهار (ع) و عالمان مجاهد، نمونه‌های بسیار زیادی وجود دارد که در برابر مشقت‌های نشأت گرفته از پذیرش یک عقیده و ایمان، احساس مشقتی نداشته‌اند. [4]

در روایتی از امام صادق (ع) نیز تصریح شده است؛ «ما ضَعُفَ بدن عما قویت علیه النیة»؛ [5] جسم و بدن انسان، در مقابل کارهایی که بر اساس نیت و اعتقاد درونی قوی انجام می‌گیرد، احساس ضعف و مشقت نمی‌کند.

در جریان اسارت زنان اهل بیت (ع) پس از قیام خونین عاشورا و همچنین کشف حجاب زنان به وسیله‌ی رضاخان در ایران، حکایت‌ها و خاطرات تاریخی و ماندگار فراوانی از مقاومت و پایداری زنان مؤمن و عفیف در مقابل بی‌حجابی نقل شده است. [6] مطالعه‌ی این حکایت‌ها برای بانوان و دختران جوان و عفیف بسیار آموزنده و افتخار آمیز است.

از این قضایا به خوبی استفاده می‌شود که زنان مؤمن، نه تنها احساس مشقتی نسبت به حجاب نداشته‌اند، بلکه بر عکس، جدایی آنها از حجاب برتر، مثل چادر مشکی، باعث اذیت و آزار روحی آنان بوده است. در قضیه‌ی کشف حجاب رضاخان نقل شده است که برداشتن چادر از سر زنان باعث گردید که عده‌ای از آنها از شدت غصه و ناراحتی دق و فوت نمایند. [7]

اما دسته‌ی دوم (کسانی که ممکن است حجاب تیره و مشکی برای آنها مشقت داشته باشد، ولی سختی و مشقت آن را تحمل می‌کنند) بانوان و دخترانی هستند که به دلیل قرار داشتن در محیط دینی و مذهبی خانواده و جامعه، از کودکی به این گونه حجاب عادت نموده‌اند؛ لذا در بزرگسالی، سختی احتمالی حجاب مشکی برای آنها قابل تحمل است.

در علم روان‌شناسی و تعلیم و تربیت، در مبحث عادت گفته می‌شود که اگر انسان از کودکی به انجام کاری عادت کرد، نه تنها انجام آن برایش مشقت‌آور نیست، بلکه بر عکس، ترک و جدایی از آن عمل برایش مشقت دارد. همین نکته‌ی مهم، رمز و راز توصیه‌ی ائمه‌ی اطهار (ع) به والدین در عادت دادن فرزندان به کارهای شایسته‌ای، مثل نماز و اذکار آن و روزه‌ی ناقص در سنین کودکی است. [8] بر اساس همین تأثیر شگرف مقوله‌ی تمرین و عادت متربی به کارهای شایسته، و به موازات آن آگاهی بخشی درباره‌ی

آثار مثبت کارهای خیر است که معمولاً در کتاب‌های تربیت اسلامی از روش‌های تربیتی، هم چون «تلقین به نفس» و «تحمیل بر نفس» در کنار دیگر روش‌های تربیتی مهم، مثل «اعطای بینش» بحث می‌شود. [9] بنابراین، با استثنا شدن دو دسته‌ی قبل نمی‌توان به طور مطلق و کلی ادعا نمود که حجاب مشکی در تابستان مناطق گرم، برای همه‌ی بانوان و دختران، فارغ از هر مقدار اعتقاد دینی و هر نوع محیط تربیتی مشقت دارد و نمی‌توان به آن تشویق کرد.

ثانیاً، اجمالاً می‌پذیریم که ممکن است حجاب مشکی در تابستان برخی از مناطق بسیار گرم برای بعضی از افرادی که از دو دسته‌ی قبل نیستند مشقت‌آور باشد، ولی نمی‌پذیریم تحمل هر گونه مشقت و سختی به طور مطلق غیر معقول و نامطلوب باشد. طبق آموزه‌های معصومین (ع) که تجربه‌ی زندگی انسان‌ها و واقعیت خارجی نیز مؤید آن است، اساساً زندگی دنیا بدون سختی و مشقت وجود خارجی ندارد. در احادیث، دنیا خانه‌ی محنت و سختی معرفی شده است: «الدنيا دار المحنة» [10] و «دار بالبلاء محفوفة» [11]. فلسفه و رمز و راز آمیختگی دنیا با سختی و مشقت نیز این است که انسان در وصول به سعادت الهی که برای آن خلق شده است به تحمل سختی‌هایی که سازنده‌ی کمال انسانی هستند نیازمند است و به تعبیر قرآن، چه بسا کاری دارای سختی باشد و انسان از انجام آن اکراه داشته باشد، ولی خداوند خیر و نیکی انسان را در آن قرار می‌دهد:

فَعَسَىٰ أُن تَكْرَهُ هُوَا شَيْئًا وَ يَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا. [12]

علاوه بر این در متون دینی، دستیابی به کرامت‌ها و بهشت جاودان در گرو تحمل سختی دانسته شده است:

المكالم بالمكاره [13] بالمكاره تنال الجنة. [14]

اساساً فلسفه‌ی همراهی بعضی از احکام و تعالیم، مثل روزه، حجاب و جهاد با کلفت و سختی، در واقع، برای تأمین نیازمندی مذکور بدون هیچ‌گونه تبعیض بین زن و مرد است؛ مثلاً اگر استفاده از حجاب کامل در تابستان مناطق گرم برای برخی بانوان و دختران با سختی و مشقت همراه است، طبق گفته‌ی قرآن کریم، بعضی از احکام الهی ویژه‌ی مردان، مانند جهاد نیز با سختی و مشکلات همراه است:

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ. [15]

نکته‌ی جالب این است که همان‌گونه که بعضی افراد، امروزه به بهانه‌ی گرما، در حجاب و پوشش زنان در تابستان تشکیک می‌نمایند، طبق فرموده‌ی قرآن، عده‌ای راحت‌طلب برای جهاد مردان در هوای گرم نیز تشکیک می‌کرده‌اند و می‌گفتند در هوای گرم برای جهاد کوچ و هجرت نکنید «قَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ» [16] که خداوند به پیامبر (ص) می‌فرماید در جواب آنها بگو:

نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ؛ [17] اگر می‌دانستند حرارت آتش جهنم از حرارت گرمای تابستان بیش‌تر است.

علاوه بر نقل، عقل نیز در مواردی که تحمل سختی در زندگی دنیا باعث دست‌یابی به هدف والاتر و بالاتر است، حکم به مطلوبیت آن می‌کند؛ مثلاً اگر تأمین سلامت جسمانی انسان، به عنوان هدفی مهم، به انجام عمل جراحی سخت یا خوردن فلان داروی بسیار تلخ و مشقت‌آور نیازمند باشد. عقل و نقل هر دو حکم به لزوم تحمل سختی و مشقت می‌کنند، تا غرض بالاتر، که حفظ سلامتی جسمانی است، تأمین گردد. چون شارع مقدس به عنوان یک طبیب روحانی [18] تشخیص داده است که سلامت روحی و روانی افراد جامعه متوقف بر رعایت حجاب برتر، مثل چادر مشکی در مقابل نامحرم است، لذا پوشش چادر مشکی، حتی در هوای گرم، عقلاً و نقلاً امری راجح و مطلوب است؛ و برخلاف شبهاتی که بعضی با تبلیغات القیابی منفی، به منظور فرهنگ‌سازی بر ضد چادر مشکی منتشر می‌کنند، تجربه‌ی بیش از بیست سال پس از انقلاب اسلامی و گسترش سریع استفاده از چادر مشکی در بین زنان و دختران مؤمن و عفیف، خود بهترین شاهد است که استفاده از این نوع حجاب مشکل نیست، و لذا قابل تشویق است. براساس نظر سنجی و تحقیقی که به تازگی صورت گرفته است 65 درصد از پاسخ‌گویان، استفاده از چادر مشکی را در مجامع عمومی پسندیده‌اند. [19]

علاوه بر عقل، ائمه (ع) و خاندان اهل بیت نیز نظراً و عملاً انسان را به تحمل مشکلاتی، که در راستای سعادت و تکامل جسمانی و روحانی اوست، تشویق نموده‌اند. در بُعد نظری، امام علی (ع) در وصیتی به فرزند خود، امام حسن (ع) فرموده‌اند:

عَوَّدَ نَفْسَكَ التَّصَبُّرَ عَلَي الْمَكْرُوهِ؛ [20] نفس خود را به صبر و بردباری بر کار سخت عادت بده.

در روایت دیگری، ایشان کارهایی را که انسان با اکراه و سختی بر خویشتن تحمیل می‌نماید از بهترین اعمال دانسته‌اند:

أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ. [21]

در بُعد عملی نیز، فرزند امام سجاد (ع) می‌فرماید:

وقتی جدم امام حسین (ع) شهید شد، زنان بنی هاشم در عزای حضرت، لباس مشکی پوشیدند و این لباس را در گرما و سرما تغییر نمی‌دادند. [22]

حاصل این که صرف سخت بودن بعضی از احکام، مانند پوشیدن چادر مشکی در هوای گرم، باعث نمی‌شود که این گونه حجاب قابل ترویج و تشویق نباشد.

3- رابطه‌ی حجاب مشکی و بیماری‌های استخوانی

شبهه:

بعضی این گونه ادعا کرده‌اند که استفاده از لباس‌های با رنگ سیاه (مانند مقنعه و چادر مشکی) روی سلامتی خانم‌ها تأثیر منفی دارد و باعث بیماری‌های استخوانی می‌گردد. [23] آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ:

اولاً، اگر گوینده‌ی محترم با استناد به پژوهش‌های میدانی مشخص و متعدد ادعا کرده بود که پوشش لباس‌های مشکی، علت ایجاد بیماری‌های استخوانی است، آن وقت در حد يك احتمال می‌توانستیم به ادعای مذکور توجه و آن را مورد مطالعه و بررسی بیشتر قرار دهیم؛ ولی از آن جایی که ادعا کننده هیچ دلیل و مدرک علمی معتبری برای ادعای خود ارائه نکرده است؛ بنابراین، ادعای ایشان فاقد دلیل و مدرک، و در نتیجه، فاقد ارزش و اعتبار علمی است.

ثانیاً، برعکس ادعای فوق، کارشناسان، وجود رابطه‌ی بین پوشش لباس‌های مشکی و ایجاد بیماری‌های استخوانی را انکار کرده‌اند. «استفاده از چادر و مقنعه - که مصداق بارز و رایج آن در جامعه‌ی امروزی ما چادر و مقنعه‌ی مشکی است - بیماری استخوانی ایجاد نمی‌کند.» [24]

4- رابطه‌ی حجاب مشکی و افسردگی و اندوهناکی

شبهه:

بعضی افراد این گونه ادعا کرده‌اند که استفاده‌ی مکرر از لباس‌هایی با رنگ تیره و سیاه (مثل مقنعه و چادر مشکی) می‌تواند به افسردگی بینجامد. [25] آیا ادعای مذکور صحیح است؟

پاسخ:

از دو کلمه‌ی «مکرر» و «می‌تواند» فهمیده می‌شود که ایشان دو مطلب را قبول دارد .

مطلب اول: ادعا کننده‌ی محترم قبول دارد که اگر استفاده از پوشش و لباس سیاه، مثل چادر مشکی، به طور مکرر و دائمی نباشد، بلکه فقط در بیرون از منزل و در مواجهه با نامحرم باشد، باعث افسردگی نخواهد بود .

مطلب دوم: از کلمه‌ی «می‌تواند» می‌فهمیم ادعا کننده‌ی محترم قبول دارند که حتی استفاده مکرر و دائمی از لباس سیاه فقط، به طور احتمالی ممکن است به افسردگی منجر شود؛ یعنی این گونه نیست که بین پوشش مکرر و دائمی لباس تیره و مشکی و افسردگی رابطه‌ی قطعی و لزومی باشد.

بنابراین، مدعای ایشان مبین يك رابطه‌ی احتمالی بین استفاده‌ی مکرر از لباس سیاه و افسردگی است؛ ولی همین رابطه‌ی احتمالی نیز نادرست است؛ زیرا:

اولاً، ادعا کننده‌ی محترم، حتی برای اثبات همین رابطه‌ی احتمالی نیز دلیل و مدرک ارائه نکرده است؛

بنابراین، کلام ایشان مدعایی بدون دلیل و مدرک و در نتیجه، فاقد ارزش و اعتبار علمی است. ثانیاً، همین رابطه احتمالی و بدون دلیل و مدرک گوینده‌ی محترم نیز نادرست است؛ زیرا یکی از روان‌پزشکان معتقد است «این حرف که پوشش تیره بانوان یا آقایان در جامعه دلیل افسردگی است کاملاً سخن غلطی است و هیچ پایه‌ی علمی ندارد»؛ [26] همچنین بر اساس نتایج مشورت‌های علمی که نگارنده با بعضی از روان‌شناسان و روان‌پزشکان انجام داده، ممکن است افسردگی بعضی از افراد، علت تمایل آنها به پوشش سیاه باشد، ولی پوشش سیاه افراد علت ایجاد افسردگی آنها نیست؛ [27] و بین این دو نکته تفاوت بسیار ظریفی است و خلط بین آن دو باعث اظهار نظر نادرست ادعاکننده‌ی محترم گردیده است. اگر ادعا شود که همین تمایل احتمالی بعضی افراد افسرده به پوشش سیاه نیز مبین نوعی رابطه‌ی اجمالی بین افسردگی و پوشش تیره و مشکلی است، باید گفت:

اولاً، رابطه‌ی فوق نیز، مانند رابطه‌ی قبلی، احتمالی و بدون ارائه‌ی دلیل و مدرک است و در نتیجه فاقد ارزش و اعتبار علمی است.

ثانیاً، بر فرض که رابطه‌ی احتمالی مذکور، با پژوهش‌های میدانی تأیید شود، باز هم نتیجه‌ی این پژوهش‌ها قطعی و قابل اعتماد نخواهد بود؛ زیرا کنترل تمامی عوامل و علایم تأثیرگذار در نتایج پژوهش‌های میدانی بسیار مشکل است.

توضیح مختصر این‌که، افسردگی از بیماری‌های روحی و روانی بسیار پیچیده‌ای است که دارای عوامل و علایم و تظاهرات رفتاری مختلف و حتی متضاد است؛ مثلاً بعضی افراد افسرده ممکن است به بی‌اشتهایی و عده‌ای دیگر به پرخوری متمایل شوند. در خصوص پوشش نیز ممکن است بعضی از افراد افسرده، به پوشیدن لباس تیره و عده‌ای نیز به لباس‌هایی با رنگ غیر تیره تمایل پیدا کنند؛ بنابراین، حتی استناد به پژوهش‌های میدانی نیز اثبات‌کننده‌ی مدعای مذکور نخواهد بود.

پس استفاده از چادر مشکلی برخلاف ادعاهای به ظاهر علمی بعضی از افراد، نه تنها عارضه‌ی منفی ندارد، بلکه با فلسفه‌ی حجاب و پوشش زنان در مقابل نامحرم، یعنی عدم تهییج و تحریک و ایجاد آرامش روانی در جامعه نیز سازگار است. امروزه در روان‌شناسی رنگ‌ها، این که رنگ مشکلی رنگی صامت و غیر فعال است و باعث تحریک و جلب توجه نمی‌شود، یک واقعیت مسلم است. در کتاب روان‌شناسی رنگ‌ها درباره‌ی رنگ سیاه گفته شده است که «سیاه نمایانگر مرز مطلق است»؛ [28] بنابراین، فردی که در مقابل نامحرم و در بیرون منزل، از حجاب مشکلی استفاده می‌کند با این کار، مرز مطلق و کاملی بین خود و افراد نامحرم ایجاد می‌نماید. وقتی که خانمی در بیرون منزل چادر مشکلی به سر می‌کند، می‌خواهد نشان دهد که نامحرم حق ندارد به این حریم نزدیک شود؛ زیرا این حریم، حریم حیا و عفت است، نه جایی بی‌حیایی و هرزگی و هوس‌بازی؛ او با حجاب مشکلی خود می‌خواهد نگاه تیز هرزگی و ابتذال را بشکند و نگذارد نامحرمی در حریم عفت و پاکی و نجابت او وارد شود و حرمت او را از بین ببرد.

همچنین در روان‌شناسی رنگ‌ها آمده است که سیاه به معنای «نه» بوده و نقطه‌ی مقابل «بله» یعنی رنگ سفید است؛ [29] بنابراین، وقتی بانوان در مقابل نامحرم از حجاب مشکی استفاده می‌کنند، در واقع می‌خواهند به او «نه» بگویند؛ و در مقابل، آنهایی که لباس سفید می‌پوشند، در واقع راه نگاه‌ها را به سوی خود باز می‌گذارند و آنهایی که لباس‌های رنگارنگ و جذاب می‌پوشند خواسته یا ناخواسته خود را در معرض نگاه‌های هرزه و آلوده قرار می‌دهند. از نظر روانی نیز وقتی انسان پارچه‌ی مشکی را می‌بیند، دیگر چندان رغبتی برای نگاه کردن ندارد و خودبه‌خود نظر را برمی‌گرداند؛ و در مقابل، نگاه به رنگ‌های روشن چشم را باز می‌کند و برای دیدن و استمرار آن رغبت ایجاد می‌کند؛ و استفاده‌ی بانوان از لباس‌های رنگارنگ نیز باعث جلب توجه مردان نامحرم می‌گردد.

در حدیثی نقل شده است :

حضرت موسی(ع) در یکی از مجالس خود نشسته بود که ناگهان ابلیس در حالی که کلاه رنگین بر سر داشت وارد شد؛ وقتی به حضرت موسی(ع) نزدیک شد، کلاه رنگین خود را برداشت و به حضرت موسی(ع) سلام کرد. حضرت موسی(ع) پرسید: تو کیستی؟ گفت: من ابلیس هستم. حضرت موسی(ع) گفت: خدا تو را هلاک کند، برای چه نزد من آمده‌ای؟ ابلیس گفت: به خاطر مقام و منزلت تو در نزد خدا، آدم سلامی به تو بگویم. آن حضرت سؤال کرد: آنچه بر سر داری (کلاه رنگارنگ) برای چیست؟ ابلیس در پاسخ گفت: به وسیله‌ی آن قلوب فرزندان آدم را می‌ربایم. [30]

بدون تردید، همان‌گونه که دنیا، در شکل کلاه رنگارنگ ابلیس، باعث فریفته شدن عده‌ی فراوانی می‌گردد، مظاهر رنگین دنیا، مثل لباس‌های رنگارنگ در اندام زنان و دختران جوان نیز، باعث فریفتگی مردان و جوانان می‌گردد و هیچ انسان منصفی در این مطلب تردید ندارد.

با توجه به آنچه در مباحث قبل گذشت که رنگ حجاب قرآنی (خمار و جلباب) نیز - آن‌گونه که از شواهد لغوی، حدیثی و تاریخی استنباط می‌گردد - مشکی بوده است؛ و با عنایت به آنچه بیان شد که از نظر روان‌شناسی، رنگ مشکی رنگی صامت و غیر فعال است و این ویژگی در تأمین فلسفه‌ی حجاب بانوان نقش بسیار مؤثری دارد. باید به نگاه روان‌شناسانه‌ی عمیق وحی قرآنی و به انتخاب زنان مسلمان و ایرانی آفرین گفت که در زمانی که هنوز روان‌شناسی در غرب از مادر علم متولد نشده بود، مادران و بانوان مسلمان و ایرانی به برکت تقوای الهی و نورانیت تعالیم دین مبین اسلام، روان‌شناسانه‌تر از دانشمندان امروزی، چادر مشکی را برای حجاب بیرون از منزل خویش انتخاب نموده‌اند. [31]

شبهه:

برخي با اين عبارت كه «فرياد شادي ام را آواي شوم مي دانند. چشم هاي ما را به روي شادي مي بندند. من مي خواهم سپيد بپوشم، شاد باشم، شادي كنم.» [32] خواسته اند ادعا نمايند كه سفيدپوشي شادي آور و بالعكس سياهپوشي، باعث حزن و اندوه مي گردد. آيا ادعاي مذكور صحيح است؟
پاسخ:

اولاً، وارد نمودن اتهام مخالفت با شادي به عده اي نامعلوم، روش معقول و منطقي نيست. اي كاش گوينده ي محترم مرجع ضميرهاي «مي دانند» و «مي بندند» در عبارت فوق را مشخص مي نمود، تا به طور صريح و شفاف مي توانستيم با ايشان گفت وگوي منطقي داشته باشيم؛ به هر حال چون مخاطب اتهام ياد شده معلوم نيست، از بررسي آن صرف نظر مي كنيم.
ثانياً، اين كه گفته اند مي خواهند لباس سپيد بپوشند، بايد گفت نوع و رنگ پوشش افراد، اعم از زن و مرد، در هر جامعه اي، متأثر از عوامل و شرايط مختلف شعلي، زماني، مذهبي و غيره است؛ [33] مثلاً پزشكان و پرستاران در محيط كار خود از لباس سفيد استفاده مي كنند؛ دختران جوان، هنگام عروس شدن لباس سپيد مي پوشند و سپس آن را كنار مي گذارند؛ رهبران ديني و طلابي كه از سلسله ي جليله ي سادات هستند، به طور دائمي از عمامه ي سياه رنگ استفاده مي كنند؛ براي مردان در مراسم احرام حج مستحب است لباس سپيد بپوشند، ولي به دليل حساسيت بيش تر نسبت به حجاب و پوشش زنان، به آنها شرعاً اجازه داده شده از همان لباس معمولي، ولو اين كه رنگ آن سپيد نباشد، استفاده كنند. [34]
علاوه بر اين، همهي افراد، اعم از زن و مرد، از پوشيدن لباس شهرت؛ يعني لباسي كه مطابق شأن افراد نيست و باعث انگشت نما شدن آنان مي گردد منع شده اند؛ [35] و واضح است كه رنگهاي غير متعارف يكي از عوامل تحقق لباس شهرت مي باشد.

حاصل اين كه ايشان، همانند هر فرد ديگري، خواه به عنوان يك فرد متدين و خواه به عنوان يك شهروند ايراني، در مورد استفاده از لباس سپيد، متأثر از عوامل مختلف ياد شده هستند و اين مطلب منحصر به ايشان نيز نمي باشد، بلكه همهي افراد در همهي جوامع در انتخاب نوع و رنگ پوشش، متأثر از عوامل و شرايط متعددي شبیه عوامل و شرايط فوق هستند.

اين كه گفته اند مي خواهند شاد باشند و ديگران را نيز شاد كنند، بسيار مطلوب است. از نظر اسلام عزيز و احكام نوراني و مترقي آن نيز، شاد بودن و شاد كردن ديگران بسيار مورد تشويق و توصيه قرار گرفته است، [36] ولي آنچه در اين جا شايسته ي توضيح مي باشد دو نکته ي بسيار مهم است:

نكته ي اول: عده اي با پذيرش اين پيش فرض كه استفاده از لباس مشكي، لزوماً نشانه ي عزا و فقدان شادي است، تلاش مي كنند افراد استفاده كننده از لباسهاي مشكي را افراد غمگين، و افراد استفاده كننده از لباسهاي رنگين را افراد شاد بدانند؛ [37] حال آن كه اين تصور و پيش فرض، نادرست است؛ زيرا نه همهي افراي كه از لباسهاي مشكي استفاده مي كنند، لزوماً افراد غمگين اند، و نه همهي افراي كه از

لباس‌های رنگین استفاده می‌کنند، لزوماً افراد شادی هستند؛ زیرا در جوامع و گروه‌های مختلف، لباس مشکی علامت و نشانه‌ی امور مختلفی قرار گرفته است؛ گاهی لباس مشکی علامت و شعار عده‌ی خاصی بوده است، مثل بنی‌عباس که پوشش مشکی شعار آنان بوده است، یا مثل سلسله‌ی جلیله‌ی سادات روحانی که استفاده از عمامه‌ی مشکی، علامت سیادت برای آنان است. براساس روایات، پیامبر اکرم(ص) نیز از عمامه‌ی مشکی استفاده می‌کردند. [38]

گاهی از نظر عده‌ای پوشیدن لباس مشکی نشانه‌ی زیبایی است؛ [39] گاهی پوشش مشکی، نشانه‌ی وقار و سنگینی است، مثل هنگامی که بانوان از این پوشش در بیرون منزل استفاده می‌کنند؛ پس این‌که بعضی خیال می‌کنند التزام به پوشیدن چادر مشکی، منافعی با شادمانی و ملازم با غم و اندوه و افسردگی است، تصور صحیحی نیست؛ دین و مذهب و پای‌بندی به احکام آن، مثل رعایت حجاب برتر و استفاده از چادر مشکی، باعث آرامش روحی و روانی خود بانوان و دیگر افراد جامعه است. قبلاً درباره‌ی یافته‌های روان‌شناسی رنگ‌ها در باب مطلوبیت رنگ مشکی برای حجاب بانوان در بیرون منزل و مطلوبیت این نوع حجاب از نظر متون دینی مطالبی نقل شد. دلیل کارنگی درباره‌ی هماهنگی و تناسب بین یافته‌های علوم جدیدی، مثل روان‌پزشکی و تعالیم پیامبران(ص) چنین گفته است:

امروز جدیدترین علم، یعنی روان‌پزشکی همان چیزهایی را تعلیم می‌دهد که پیامبران به مردم آموختند؛ زیرا آنان دریافته‌اند که داشتن يك ايمان محکم، نگرانی، تشویش، هیجان و ترس را برطرف می‌کند. [40] نکته‌ی دوم: عدم آگاهی از مفهوم جامع و کامل شادمانی باعث شده است که برخی شادی و نشاط را فقط در بُعد مادی و زودگذر آن منحصر نمایند و از شادمانی‌های اصیل که از اعتقاد به امور معنوی و پایدار به دست می‌آید غفلت نمایند.

یکی از پژوهشگرانی که سالیان دراز در غرب زیسته و درباره‌ی شادی تحقیقات فراوانی کرده است، به دخالت عنصر معنویت و اعتقادات در ازدیاد شادی‌های اصیل و پایدار تأکید فراوان دارد. ایشان معتقد است انسان برای نجات از مشکلات کنونی و دستیابی به شادی همیشگی باید اعتقاد و باور خود را تصحیح کند و بپذیرد که در زندگی شادی‌هایی به مراتب عمیق‌تر از شادی‌ها و لذت‌های جسمانی وجود دارند که دستیابی به آنها نیازمند صرف وقت، تلاش و صبر و حوصله است. وی معتقد است با تقویت ارزش‌های انسانی، همچون: عشق خدمت به مردم، خوش‌بینی، خیرخواهی، سپاس‌گزاری، رضایت، قناعت، گذشت و زودگذر رذایل اخلاقی، می‌توان به شادی دست یافت. [41]

5- آیا بانوان مشکی پوش نمی‌توانند رنگ‌های غیر مشکی را بشناسند؟

شبهه:

پدرم هیچ وقت مرا بیرون خانه نمی‌شناسد، می‌گوید همه‌ی شما سیاه پوشیده‌اید. راست می‌گوید، یکدست سیاهیم سیاه... از رنگ‌ها تنها سیاه را می‌شناسیم، نه قرمز را، نه آبی را، نه سبز را و نه بنفش را، [42] گوینده‌ی محترم در عبارت فوق دو ادعا نموده است.

ادعای اول:

همه‌ی زنان در بیرون منزل لباس سیاه می‌پوشند.

پاسخ ادعای اول:

اولاً، واقعیت عینی و مشهود روزانه‌ی همه‌ی ما حاکی از این است که ادعای سیاه‌پوش بودن همه‌ی زنان ادعای درستی نیست. نگاهی به پوشش‌های رنگین خانم‌ها در سطح جامعه، اعم از شهرهای بزرگی مثل تهران و غیر آن و پوشش زنان روستایی استان‌های مختلف، تکذیب‌کننده‌ی ادعای مذکور است. ثانیاً، فرض کنیم همه‌ی زنان در بیرون منزل و در مواجهه‌ی با نامحرم از مصادیق مختلف حجاب مشکی، مثل مانتو، مقنعه و چادر مشکی استفاده می‌کنند، پوشش‌های یاد شده، به دلیل تأمین حجاب و پوشش بهتر و بیش‌تر برای زنان، قابل دفاع عقلی و شرعی است. طبق تصریح فقها به عنوان کارشناسان مسائل دینی و اسلامی، بانوان در مواجهه با نامحرم نباید از رنگ‌های مهیج و تحریک‌کننده استفاده نمایند. [43] واضح است که یکی از بهترین رنگ‌های پوشش بانوان که حالت تهییج و تحریک نامحرم در آن وجود ندارد رنگ مشکی است. همان‌گونه که قبلاً گذشت، در روان‌شناسی رنگ‌ها این مطلب از مسلمات است که رنگ مشکی، رنگی صامت و غیرفعال و در مواجهه با نامحرم نگاه‌شکن است؛ و تردیدی نیست که این ویژگی رنگ مشکی، فلسفه و حکمت حجاب را که عبارت است از عدم تحریک‌پذیری و ایجاد آرامش روحی و روانی در سطح جامعه، بیش‌تر تأمین می‌کند.

برخی مطبوعات و نویسندگان آنها باید به این پرسش جدی پاسخ دهند که چرا بدون ارائه‌ی هیچ دلیل معقول و منطقی و با سوء استفاده از زبان شعر و ادب، جنگ روحی و روانی را بر ضد حجاب و چادر مشکی آغاز کرده‌اند.

ادعای دوم:

استفاده از لباس و حجاب مشکی بانوان در بیرون منزل باعث می‌شود که استفاده‌کنندگان از حجاب‌های مشکی، رنگ‌های غیر مشکی را نشناسند.

پاسخ ادعای دوم:

اولاً، از نظر منطقی تلازمی بین استفاده از لباس‌های مشکی به طور مستمر در خارج از منزل و نشناختن رنگ‌های غیر مشکی نیست؛ زیرا استفاده از لباس‌های رنگین در مجالس زنانه، در داخل منزل و در مقابل افراد محرم، امکان شناختن رنگ‌های مختلف را فراهم می‌کند.

ثانیاً، علاوه بر داخل منزل، در خارج از آن نیز ایشان و دیگر بانوان می‌توانند از لباس‌های دارای

رنگ‌های متنوع استفاده نمایند، البته به شرط این‌که به طریقی، مثل استفاده از چادر مشکی، در مواجهه با نامحرم آنها را بپوشانند؛ زیرا تردیدی نیست که لباس‌های رنگین به دلیل زیبایی خیره کننده، از مصادیق عرفی زینت به شمار می‌آیند و بانوان و دختران براساس دستور قرآن، از تبرج و نمایش زینت‌ها به نامحرم مانع شده‌اند:

ولا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولى [44] و غیر متبرجات بزینة. [45]

البته در مجالسی که افراد نامحرم حضور ندارند، مثل مجالس زنانه و همچنین در حضور شوهر و افراد محرم، می‌توانند از زیورآلات و زینت‌ها استفاده نمایند: «و لا یُبدینَ زینتَهُنَّ إلاَّ لِبعُولتِهِنَّ أَوْ آبائِهِنَّ...» [46] حتی بالاتر از جواز در روایات به استفاده از زینت‌ها ترغیب و تشویق شده‌اند؛ [47] زیرا همان‌گونه که حجاب و پوشش، نیاز فطری انسان، خصوصاً زنان است، استفاده از زیورآلات و خودآرایی نیز نیاز فطری انسان، مخصوصاً بانوان است.

این از امتیازات احکام نورانی و مترقی اسلام است که ضمن توجه و ضرورت پاسخ‌گویی به دو نیاز مذکور، از طرفی با دستور الزامی زنان به رعایت حجاب و پوشش و از طرف دیگر با تشویق آنان به استفاده از زیورآلات و زینت‌ها، به شرط عدم تبرج و نمایش زینت‌ها به نامحرم، جلوی سوء استفاده را گرفته است، تا از این طریق زمینه‌ی سلامت روحی و روانی افراد جامعه فراهم گردد.

پاورقی‌ها:

- [1] هفته‌نامه‌ی فیضیه، کشف حجاب به روش مدرن، 15 بهمن 1379 ص 1.
- [2] زیبا میر حسینی، پیام زن، شماره‌ی 49. ص 45. لازم به تذکر است که پاسخ شبهه‌ی مذکور، به طور مختصر در خود مجله نیز آمده است.
- [3] عباس اللهیاری، روزنامه‌ی ایران، شماره‌ی 1623، 28 شهریور ماه 79، ص 6.
- [4] به عنوان نمونه ر.ک: سید اسماعیل گوهری، آرزوی شهادت در بیان معصومین(ع)، ص 75.
- [5] محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 10، ص 270.
- [6] ر.ک: احمد عابدینی، «عاشورا حفظ کرامت و حجاب» مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی 69، ص 38 و حکایت کشف حجاب، از سری کتاب‌های تاریخ تهاجم فرهنگی، نشر مؤسسه‌ی فرهنگی قدر ولایت.
- [7] غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص 48.
- [8] برای آشنایی با توصیه‌های مذکور به عنوان نمونه ر.ک: فروع کافی، ج 3، ص 409، و ج 4، ص 124.
- [9] برای اطلاع از روش‌های مذکور و نقش تربیتی آنها ر.ک: دکتر خسرو باقری، نگاهی دوباره به

تربیت اسلامی، ص 68 - 86 .

[10] آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص 131.

[11] همان.

[12] سوره‌ی نساء (4)، آیه‌ی 19.

[13] سید اصغر ناظم زاده‌ی قمی، جلوه‌های حکمت، گزیده‌ی موضوعی کلمات امیر المؤمنین علی(ع)، ص 504.

[14] همان.

[15] سوره‌ی بقره (2)، آیه‌ی 216.

[16] سوره‌ی توبه (9)، آیه‌ی 81.

[17] همان.

[18] ر. ک: دیباچه‌ی کتاب، روایت «یا عباد الله انتم کالمرضي و ربّ العالمین کالطیب...».

[19] زنان و تازه‌های اندیشه، ماهنامه‌ی تحلیلی - خبری زنان، مهرماه 1380، پیش‌شماره‌ی 2، ص 51، به نقل از روزنامه‌ی ایران 80/5/30.

[20] نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، نامه‌ی 31 .

[21] همان، حکمت 249.

[22] البحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج 7، ص 118.

[23] فاطمه خاتمی، روزنامه‌ی ایران، شماره‌ی 1627، 2 مهر ماه 1379، ص 4.

[24] دکتر طباطبایی، روزنامه‌ی ایران، 28 شهریور ماه 1379.

[25] ر. ک: علیرضا امیر پور، روزنامه‌ی ایران، 3 مهر ماه 79، ص 4، و مجله‌ی زنان شماره‌ی 22، بهمن و اسفند ماه 73، ص 4؛ بر خلاف ایشان که خیلی با احتیاط اظهار نظر کرده‌اند، مجله‌ی زنان طی مصاحبه‌ای با مردم کوچه و بازار، با روش تبلیغ تلقینی و القایی، به طور صریح، ولی بدون ارائه‌ی هیچ دلیل و مدرک معتبری این فکر را ترویج نموده است که سیاه‌پوشی باعث افسردگی است .

برخلاف مجله‌ی زنان در روزنامه‌ی آفتاب، در تاریخ 24 شهریور 1380، ص 6، آمده است: «ثابت شده است که رنگ سیاه ناخواسته روحیه‌ی افسردگی و ناامیدی را در افراد تشدید می‌کند». خوشبختانه ایشان نیز همانند روزنامه‌ی ایران، مقداری با احتیاط اظهار نظر کرده است؛ چون از واژه‌ی «تشدید» به خوبی آشکار می‌گردد که ایشان نیز قبول دارند پوشش سیاه، سبب ایجاد افسردگی نیست، بلکه فقط ممکن است بعضی از افرادی که در اثر عوامل دیگر دچار افسردگی شده‌اند، استفاده از لباس مشکی باعث تشدید افسردگی آنها گردد؛ البته دو نکته درباره‌ی این ادعا به نظر می‌رسد. نکته‌ی اول این که، ایشان ادعا نموده‌اند برای استفاده از لباس‌های رنگ سیاه چنین اثری ثابت شده است، اما متأسفانه همانند همه‌ی

افرادي که چنین ادعاهایی می‌کنند، هیچ سند و مدرکی از کارشناسان قابل اعتماد و پژوهش‌های قابل اطمینان ارائه نداده‌اند. نکته دوم این که، اگر روان‌شناسان متخصص و متعهد درباره‌ی فردی که دچار افسردگی است تشخیص دادند که پوشش سیاه در مورد این فرد خاص باعث تشدید افسردگی او می‌گردد، در چنین موردی عقل و شرع به هیچ وجه او را ملزم به استفاده از لباس مشکی نمی‌کنند؛ کما این که درباره‌ی افرادی که دچار افسردگی نمی‌باشند نیز چنین الزامی وجود ندارد. آنچه که مطرح است این است که بر اساس یافته‌های روان‌شناسی رنگ‌ها، چون رنگ مشکی، رنگ صامت و غیر فعال است، استفاده‌ی زنان از این رنگ در مقابل نامحرم، باعث آرامش روحی و روانی افراد جامعه می‌گردد و به همین دلیل استفاده از چادر و پوشش مشکی برای بانوان در خارج از منزل و در مقابل نامحرم رجحان و مطلوبیت دارد.

[26] دکتر برهانی (متخصص اعصاب و روان)، هفته‌نامه‌ی 19 دی (قم) شماره‌ی 155، 81/5/28، ص 9.

[27] یکی از قراین و شواهدی که مؤید این ادعاست که پوشش سیاه علت ایجاد افسردگی نیست این است که بسیاری از بانوان روان‌پزشک و روان‌شناس نیز از پوشش‌های مشکی استفاده می‌کنند.

[28] دکتر ماکس لوشر، «روان‌شناسی رنگ‌ها»، ترجمه‌ی ویدا ابی‌زاده، ص 97.

[29] همان.

[30] فیض کاشانی، المحجة البيضاء في تهذيب الاحياء، ج 5، ص 177.

[31] حجت‌الله رحمانی، «اعجاز رنگ سیاه، چرا چادر مشکی؟» نشریه‌ی فیضیه، ص 3، دوشنبه 7 آذر 1379 (با دخل و تصرف).

[32] مانا دشت‌گلی، «نکند پدرم مرا نشناسد»، روزنامه‌ی نوروز، 24 شهریور، 1380، ص 8.

[33] یکی از افرادی که در زمینه‌ی عوامل و انگیزه‌های افراد در انتخاب نوع، جنس و رنگ لباس تحقیقات خوبی نموده است، نویسنده‌ی زن عرب زبان کتاب «دراسات في سيكولوجية الملابس» است. وی در فصل پنجم کتاب خود (ص 123 - 132) عواملی همچون محیط، ارزش‌های حاکم بر یک جامعه، عادت‌ها، تقلیدها، و بالاخره معیارها و قوانین را از عوامل مؤثر در انتخاب پوشش ذکر می‌کند. وی همچنین در فصل هشتم (ص 179) جلب توجه دیگران، زینت و خودآرایی، احتشام و حیا، برخورد و ارتباط با دیگران، مورد حمایت قرار گرفتن، تحقق ذات و بالاخره مدگرایی را از جمله انگیزه‌های روحی و روانی افراد در انتخاب نوع، جنس و رنگ پوشش ذکر می‌کند. برای آگاهی بیشتر ر. ک: دکتر علیة عابدینی، دراسات في سيكولوجية الملابس.

[34] حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، ج 9، کتاب الحج، روایات باب 33 از ابواب

احرام، ص 41؛ و صدوق، المقنع، ص 229.

- [35] حر عاملی، وسائل الشیعه، کتاب الصلاة، ج 3، ص 354؛ و سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی، فصل شرایط لباس مصلی، مسئله 42.
- [36] به عنوان نمونه ر.ک: میزان الحکمة، ج 4، ص 438، ذیل واژه‌ی سرور؛ همچنین ر.ک. به کتاب‌های احادیث، ذیل واژه‌های سرور، بهجت، نشاط، فرح.
- [37] به عنوان نمونه، مجله‌ی زنان، شماره‌ی 22، طی مصاحبه‌ای کوچه و بازاری و عوامانه با عنوان «خانم چرا سیاه می‌پوشید؟» با روش تبلیغ القایی، تلاش نموده است این تفکر را به مخاطبان خود تلقین نماید.
- [38] حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 3، کتاب الصلاة، روایت 10، ص 379.
- [39] ناصر فرزنان، رنگ و طبیعت، دانش رنگ‌ها، ص 42.
- [40] مجله‌ی زندگی، دفتر شادابی، ص 50، بهار 1379، به نقل از کتاب آیین زندگی، ص 37.
- [41] مجله‌ی زندگی، دفتر شادابی، ص 77، به نقل از مهدی بهادری‌نژاد، کتاب شادی و زندگی .
- [42] مانا دشت‌گلی، «نکند پدرم مرا شناسد»، روزنامه‌ی نوروز، 24 شهریور 1380، ص 8.
- [43] ر.ک: توضیح المسائل فقها و مراجع تقلید، ذیل مباحث مربوط به پوشش محرم و نامحرم؛ و استفتائات آخر کتاب .
- [44] سوره‌ی احزاب (33)، آیه‌ی 33 .
- [45] سوره‌ی نور (24)، آیه‌ی 60.
- [46] همان، آیه‌ی 31.
- [47] حر عاملی، وسائل الشیعه، کتاب الطهارة، ابواب آداب الحمام باب 52. باب کراهة ترك المرأة للحلي و خضاب الید.

نتیجه گیری

از مباحث طرح شده در این اثر به خوبی آشکار شد که اسلام طرفدار حجاب بیشتر و حداکثر بانوان، به خصوص زنان و دختران جوان در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم است، و بعضی از مصادیق حجاب برتر، مانند لباس‌های بلند و گشاد، مقنعه و چادر مشکی، تأمین‌کننده‌ی حجاب بهتر و بیشتر و به اصطلاح، پوشش حداکثری هستند. از آن جا که در نوشته‌ی حاضر در پاسخ‌گویی به شبهات طرح شده بر ضد چادر مشکی، تأکید فراوانی نسبت چادر مشکی صورت گرفت، ممکن است مخاطبان تصور نمایند که

نگارنده‌ی این اثر برای حجاب در شکل چادر مشکی موضوعیت قابل است؛ به گونه‌ای که برای انواع حجاب‌های دیگر بانوان ارزشی قابل نیست، ولی واقعیت غیر از این است؛ زیرا ما برای حجاب با چادر مشکی طریقت قابل هستیم؛ به این معنا که معتقدیم حجاب با چادر مشکی به دلیل قراین و شواهد فراوان لغوی و تاریخی، دارای اصل و ریشه‌ی قرآنی است و به همین دلیل، فاطمه زهرا (س) به عنوان بهترین الگوی زن مسلمان از آن استفاده می‌کرده‌اند، و لذا این‌گونه پوشش از مصادیق تأمین‌کننده‌ی حجاب برتر است؛ و همان‌گونه که گذشت هیچ یک از شبهات مخالفان چادر مشکی از کارآمدی و برتری آن نمی‌کاهد. در واقع یکی از پیام‌های اصلی نوشته‌ی حاضر این است که به مخاطبان بگوید که چرا عده‌ای با استفاده از شبهات و روش‌های القایی تبلیغ منفی، قبل از این که طرح مشخص و کاملی برای ترویج الگوی دیگری از حجاب برتر ارائه نمایند به جنگ روحی و روانی بر علیه زنان متدین و عقیف استفاده کننده از چادر مشکی اقدام می‌کنند و به جای تبلیغ منطقی از حجاب و پوشش مورد علاقه‌ی خود، به تخریب چادر مشکی اقدام می‌کنند. روشن است که نتیجه‌ی چنین کاری ترویج لیبرالیسم و آزادی در پوشش در سطح جامعه و کاهش مقدار حجاب و پوشش بانوان و روی آوردن آنان به حجاب حداقلی است. با توجه به مطلب فوق و با عنایت به این که از نظر قرآن، مقتضی و زمینه‌ی نافرمانی از حدود و چهارچوب‌های الهی در انسان موجود است؛ «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ» [1] به خوبی می‌توان نتیجه گرفت که ترویج و تبلیغ حجاب و پوشش حداقلی به نفع جامعه نیست؛ زیرا تبلیغ و ترویج این گونه حجاب و پوشش، کم‌کم حجاب و پوشش اسلامی موجود در جامعه را به سمت بدحجابی و بی‌حجابی پیش می‌برد - که اکنون بعضی از علایم و آثار آن در برخی شهرهای بزرگ آشکار گردیده است. با توجه به واقعیت موجود، باید تمام ابزارهای فرهنگ‌ساز جامعه از قبیل کتاب، مطبوعات و صدا و سیما را به سمت ارزش‌های اسلامی که یکی از بارزترین آنها رعایت پوشش مطلوب است، هدایت نمود؛ لذا در پایان این اثر به منظور حرکت در مسیر نهادینه شدن حجاب کامل اسلامی در جامعه، پیش‌نهادهای و توصیه‌هایی ذکر می‌گردد.

پاورقی ها:

[1] سوره‌ی قیامت (75)، آیه‌ی 5.

پیش‌نهادهای و توصیه‌ها

1. پیش‌نهاد می‌شود در کتاب‌های درسی دختران دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، به طور سلسله‌وار مباحث مختلف حجاب و پوشش به ترتیب دوره‌های تحصیلی و با رعایت سطح‌بندی مباحث از ساده به پیچیده به شکل صحیح و زیبا طرح شود، تا دختران جامعه از همان خردسالی به عنوان مادران آینده، با مسائل مختلف حجاب، اعم از فلسفه و فواید حجاب، آثار فردی و اجتماعی آن، پیامدهای بدحجابی و بی‌حجابی و غیره آشنا شوند و نسبت به حجاب، اعتقاد راسخ پیدا نمایند، اگر دختران جامعه از همان سنین کودکی اعتقاد راسخ و عمیقی نسبت به حقانیت حجاب و مسائل آن، به عنوان یک حجاب درونی، پیدا نمایند یقیناً در مرحله‌ی حجاب بیرونی نیز بر اساس همان اعتقاد درونی عمل خواهند کرد. از آن جا که یکی از سوره‌های قرآنی که بسیاری از مسائل حجاب و پوشش در آن مطرح شده، سوره‌ی نور است؛ مناسب است که در مدارس دخترانه، زمینه‌ی آشنایی عمیق و تفصیلی دختران با معارف قرآنی این سوره درباره‌ی حجاب و پوشش، به طور صحیح و دقیق و کارشناسی شده فراهم گردد.

2. پیش‌نهاد می‌گردد از برخی محصولات فرهنگی، مثل مجله‌ها به صورت ویژه‌نامه‌های هر چند وقت یکبار برای تبیین علمی و جذاب مسائل حجاب برای دختران استفاده شود؛ به عنوان مثال شماره‌ی ششم مجله‌ی «حدیث زندگی» ویژه‌ی جوانان که توسط موسسه‌ی فرهنگی دارالحدیث چاپ می‌گردد، ویژه‌ی عفاف و حجاب است که مطالعه آن را به خواهران و بانوان توصیه می‌کنیم.

3. در مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها که مقدار آگاهی و توانایی فهم دختران بیش‌تر است، جلسات پرسش و پاسخ درباره‌ی بعضی مسائل و شبهات جدید حجاب با حضور کارشناسان آگاه و مسلط دینی و اسلامی، با حضور زنان و خواهران مؤمن فرهیخته و دانشمند تشکیل گردد.

4. یکی از مراکز فرهنگی مهم که نقش قابل توجهی در گسترش حجاب کامل دارد، سیمای جمهوری اسلامی است؛ زیرا تمام فیلم‌ها و برنامه‌های آن نقش الگودهی بسیار مهمی برای مردم دارد؛ بنابراین، جا دارد مسئولان سیمای جمهوری اسلامی به الگوپذیری مردم، خصوصاً زنان و دختران، از حجاب و پوشش هنرمندان و مجریان تلویزیون، توجه و دقت جدی نمایند.

4. مراکز فرهنگی و رسانه‌های جمعی، مثل مطبوعات با نگارش آثار و مقالات علمی و استدلالی به تبیین مسائل مهم و اساسی حجاب برتر بپردازند؛ زیرا همان‌گونه که از لابلای اثر حاضر روشن گشت، حجاب حداکثری و بیش‌تر بانوان یکی از احکامی است که دین اسلام، بانوان را به آن ترغیب و تشویق نموده است. نکته‌ی فوق به منزله‌ی یک ملاک و معیار برای ارزیابی فعالیت‌های مطبوعاتی در ارتباط با ترویج فرهنگ حجاب و پوشش در جامعه اسلامی است؛ به این معنا که اگر نتیجه‌ی فعالیت‌های مطبوعاتی در راستای تقویت و تحکیم منطقی حجاب و پوشش بیش‌تر و برتر باشد، می‌توان گفت مطبوعات جامعه‌ی اسلامی، در این مورد به وظیفه‌ی اسلامی خود عمل نموده‌اند؛ ولی اگر فعالیت‌های مطبوعاتی آنان منجر

به تضعیف و تخریب مصادیق حجاب برتر باشد در حقیقت به رسالت مطبوعاتی خود عمل نکرده‌اند .

6. خانواده‌ها، خصوصاً مادران که مسئولیت سنگین‌تری در تربیت دختران و ارتباط بیش‌تری با آنها دارند، خود در مواجهه با نامحرم از حجاب کامل، مثل چادر استفاده نمایند، تا از این طریق فرزندان دختر نیز از همان کودکی با حجاب اسلامی آشنا شوند و با تمرین کردن نسبت به آن انس بگیرند. البته در کنار تمرین و عادت دادن آنان، لازم است مادران ابعاد مختلف حجاب و پوشش و فواید آن را برای دختران تبیین و آنها را به رعایت پوشش کامل اسلامی تشویق، و در انتخاب دوستان آنها توجه نمایند که به مسائل شرعی و از جمله رعایت حجاب مقید باشند .

7. به دلیل تأثیرپذیری دانش‌آموزان و دانش‌جویان از مدیران و معلمان و اساتید، رعایت حجاب کامل از سوی کادر آموزشی مراکز آموزش و پرورش و دانشگاه تأثیر رفتاری و عملی فراوانی روی مخاطبان دارد. برای استمرار و تقویت حجاب کامل در بین کادر آموزشی، مسئولان مراکز مذکور باید با تصمیم‌گیری قاطع و منطقی اولاً، لزوم استفاده از حجاب کامل اسلامی را قانونمند کنند؛ ثانیاً، افرادی که حجاب کامل را رعایت می‌کنند به شکل‌های مختلف مورد تشویق قرار گیرند؛ ثالثاً، پس از تبیین منطقی حکم حجاب با افراد متخلف، به طور قاطع و جدی و قانونی برخورد نمایند .

8. اگر برخی مراکز فرهنگی از شعارنویسی روی دیوارها برای ترویج فرهنگ حجاب کمک می‌گیرند، در این زمینه باید از شعارهای جذاب و مثبت استفاده کنند، مثل: حجاب سلاح زن است در مقابل نگاه‌های آلوده؛ حجاب پند است، نه بند.

افراد آشنا به مسائل و کارهای فرهنگی، به خوبی می‌دانند که استفاده از شعارهای منفی و دارای دافعه، نه تنها اثر مثبت ندارد، بلکه بر عکس باعث لجابت و مقاومت در افراد بی‌حجاب می‌گردد.

9. یکی از روش‌های تبلیغ منفی بر ضد حجاب، خصوصاً در شکل چادر این است که معمولاً افراد باحجاب و چادری را افرادی بی‌سواد و بدون فرهنگ معرفی می‌کنند و در مقابل، زنان بی‌حجاب را افراد با فرهنگ به حساب می‌آورند.

با توجه به این که ادعای فوق توسط بعضی افراد، خصوصاً رسانه‌های خارجی و غربی مطرح می‌گردد، به منظور اثبات نادرستی این ادعا دو پیشنهاد ارائه می‌گردد:

الف) الگوهای برجسته‌ی زنان محجبه و چادری در زمینه‌های مختلف به وسیله رسانه‌ها، مثل صدا و سیما و مطبوعات و ... از طریق بیان جلوه‌های زندگانی، و موفقیت‌های آنها در کسب مدارج علمی و فرهنگی معرفی گردند. یکی از مطبوعاتی که تا حدودی در این زمینه موفق بوده است، مجله‌ی «پیام زن» است.

در شماره‌های مختلف این مجله مصاحبه‌هایی با زنان متدین و محجبه که دارای موفقیت‌های علمی و فرهنگی بوده‌اند انجام شده است، که مطالعه‌ی آنها به دختران و بانوان توصیه می‌گردد .

ب) شرکت فعال زنان محجبه و دارای مدارک علمی و فرهنگی سطح بالا در کنفرانس‌های خارجی و

بین‌المللی، در خنثی نمودن تبلیغات سوء رسانه‌های خارجی و غربی بر ضد زنان محجبه، نقش بسیار مؤثری دارد. یکی از نمونه‌های بارز آن، شرکت گسترده و عالمانه‌ی زنان محجبه در اجلاس پکن بود که نقش بسیار مؤثری را در تصحیح افکار جهانیان درباره‌ی زنان محجبه ایرانی داشته است. [1]

10. همان‌گونه که حکومت‌های لائیک و ضد دین، مثل حکومت رضاخان در ایران و حکومت آتاتورک در ترکیه، با طرح کشف حجاب، به طور برنامه‌ریزی شده به مقابله با آن برخاستند؛ و رژیم طاغوتی شاه نیز به دلیل ماهیت ضد دینی برای مقابله با دین و مقوله‌های دینی، مثل حجاب، دارای طرح و برنامه‌ی مشخص بود؛ [2] لازم است حکومت‌های دینی، از جمله جمهوری اسلامی نیز برای مقابله با بی‌حجابی و بدحجابی، که از مظاهر هجوم فرهنگی غرب است، دارای طرح روشن و مشخص و دقیق و کارشناسانه باشد؛ از این رو، پیش‌نهاد می‌شود شورایی از کارشناسان مسائل شرعی و جامعه‌شناختی و روان‌شناختی حجاب، با نظارت و حمایت شورایی عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شود و طرحی جامع برای مبارزه‌ی سنجیده و کارشناسی شده با مقوله‌ی بدحجابی و راه‌های گسترش حجاب برتر تهیه نمایند. در تهیه‌ی طرح مذکور لازم است از تجربه‌های زنان محجبه و فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی نیز استفاده شود.

11. به زنان و دختران متدین و عفیف پیش‌نهاد می‌شود به طور مستمر مطالعات و تحقیقات خود را درباره‌ی فلسفه، فواید و مسائل حجاب افزایش دهند. این کار دو فایده‌ی مهم دارد:

الف) اعتقاد و ایمان آنها به حقانیت احکام متعالی و نورانی اسلام، افزایش می‌یابد و در نتیجه التزام عملی آنها به رعایت حجاب برتر بیشتر می‌شود. [3]

ب) از طریق فوق‌بهتر می‌توانند به تبلیغ و ترویج صحیح و منطقی حجاب برتر اقدام نمایند و حتی در مواقع لازم، از طریق جهاد فرهنگی به پاسخ‌گویی شبهات مخالفان حجاب نیز اقدام نمایند. [4]

12. متأسفانه برخی مطبوعات، با روش سلبی، یعنی از طریق تخریب حجاب برتر، مثل چادر، به طور غیر مستقیم به ترویج حجاب و پوشش مورد علاقه‌ی خود می‌پردازند و چون این روش، روش صحیح و معقولی نیست، به این گونه مطبوعات توصیه می‌شود به جای پیش گرفتن روش تخریبی و سلبی، با ابزار منطق و دلیل به ترویج حجاب مورد نظر خود بپردازند. به نمونه‌هایی از روش تخریبی و القانات منفی برخی مطبوعات بر ضد چادر مشکی و حجاب برتر توجه کنید :

الف) مصاحبه‌ی عمومی کوچه و بازاری درباره‌ی مسائل تخصصی .

یکی از مجلات در يك مصاحبه‌ی عمومی با مردم کوچه و بازار، با طرح این پرسش که «خانم چرا سیاه می‌پوشید؟» [5] با القای غیر مستقیم افکار انحرافی، سعی در تخریب حجاب تیره و چادر مشکی نموده است. اساساً تردیدی نیست این‌گونه مصاحبه‌های کوچه و بازاری که معمولاً نظرهای علمی و کارشناسی در آنها مطرح نمی‌شود، در مورد مسائل تخصصی، مانند مسئله‌ی پوشش و لباس، ارزش و اعتبار علمی ندارد.

ب) استفاده‌ی ابزاری از جوانان. یکی از روزنامه‌ها نیز در عملی مشابه مصاحبه‌ی مذکور، در یک نشست، به همراه بعضی دختران و پسران، بدون حضور کارشناسان و بدون استناد به نظرهای کارشناسی، به چاپ نظرهای آنها درباره‌ی لباس پرداخته است. [6] واضح است که چنین روشی نیز از نظر علمی و کارشناسی فاقد ارزش و اعتبار است و بیشتر به استفاده‌ی ابزاری از جوانان شباهت دارد. ج) استفاده‌ی ابزاری از ادبیات. روزنامه‌ای در یک قطعه‌ی ادبی، با القای غیر مستقیم، به نکوهش بعضی از مصادیق پوشش مشکلی در سطح جامعه پرداخته است. [7] روشن است که درباره‌ی مسائل مهم و نیازمند کارشناسی، مثل مسئله‌ی لباس، نمی‌توان از نوشته‌های ادبی استفاده نظری و علمی نمود، بلکه باید با برگزاری نشست‌های علمی و کارشناسی، کارآمدی یا ناکارآمدی یک نوع حجاب و لباس را مشخص نمود. با توجه به روش‌های غیر عقلایی یاد شده، به این‌گونه مطبوعات توصیه می‌شود برای فرهنگ‌سازی صحیح و عمیق از روش‌های عقلایی استفاده نمایند.

13. همان‌گونه که در ضمن نوشته‌ی حاضر آشکار شد، علت بسیاری از اظهار نظرهای نادرست و غیر دقیق در زمینه‌ی ابعاد دینی حجاب، این است که افرادی بدون آشنایی با احکام دینی و بدون مطالعه و تحقیق درباره‌ی مسائل حجاب دینی و اسلامی، به خود اجازه‌ی اظهار نظر می‌دهند. واقعاً جای تعجب است که در عصر پیشرفت علم، بعضی از مطبوعات از مواجهه‌ی کارشناسانه با مقوله‌ی حجاب و پوشش گریزانند و با سوء استفاده از آزادی، به روش‌های غیر علمی و غیر منطقی روی می‌آورند؛ به رسانه‌ها و مطبوعاتی که در صدد طرح مسائل دینی و مذهبی هستند پیش‌نهاد می‌شود با ایجاد ارتباط صمیمی با حوزه‌ی علمیه‌ی قم و مراکز پژوهشی آن، زمینه‌ی همکاری نزدیک در طرح مسائل دینی به طور علمی و کارشناسانه را فراهم نمایند. شایسته‌ی ذکر است اکنون با تأسیس مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه، زیر نظر شورای عالی حوزه‌ی علمیه قم، زمینه‌ی همکاری‌های نزدیک بین فرهیختگان حوزوی و اصحاب رسانه‌ها و مطبوعات به خوبی فراهم شده است.

14. مشکل دیگر - که در ضمن اثر حاضر موارد متعددی از آن مطرح گردید - این است که اظهار نظرها در زمینه‌ی حجاب در عرصه‌ی برخی مطبوعات، بعضاً بدون ذکر سند و مدرک و دلیل صورت می‌گیرد؛ مثلاً فردی ادعا می‌کند که چادر در زمان قاجار جا افتاده است و ریشه‌ی دینی و مذهبی ندارد، [8] ولی هیچ سند و مدرکی برای ادعای خود نقل نمی‌کند. روشن است که این‌گونه اظهار نظرهای بدون سند و مدرک فاقد ارزش علمی است؛ از این رو به مطبوعات توصیه می‌گردد در بیان ادعاها و اظهار نظرها، علاوه بر استفاده از نظرهای علمی و کارشناسانه، ابتدا از وجود اسناد و مدارک معتبر و کافی برای بیان یک مدعا مطمئن شوند و سپس به چاپ آن اقدام نمایند.

15. افرادی که خود یا یکی از اقوام و دوستانشان به کشورهایی که مروج فرهنگ برهنگی‌اند، مانند کشورهای اروپایی و غربی، مسافرت نموده‌اند، به خوبی می‌دانند که رابطه‌ی مستقیمی بین کاهش مقدار

پوشش افراد، خصوصاً زنان، و افزایش جرایم و مفساد جنسی وجود دارد. يك بانوي تازه مسلمان امريكايي مي‌گويد :

در زمستان که مردم مجبورند به جهت سردی هوا خود را پوشانیده و پوشش بیش‌تری داشته باشند، به طور طبیعی و کاملاً محسوسي در امريکا تجاوز به عنف نسبت به زن کمتر مي‌شود، لکن در تابستان که زنان، علاوه بر گرمای هوا، به پیروي از مدهاي جلف و فاسد کننده، خود نیز دنبال بهانه‌اي هستند تا هر چه ممکن است لباس خود را سبک نموده و به بهانه‌ي گرما، اعضاي حساس بدن خود را در معرض دید مردها قرار دهند، تجاوز به عنف نسبت به زنان حتي پيرزنان نیز افزایش مي‌يابد و تا آنجا پیش مي‌رود که در این فصل راهبه‌ها نیز مورد حمله‌ي مردان جنایتکار قرار مي‌گیرند. [9]

به محققين و پژوهشگران توصیه مي‌شود به طور تطبيقي و مقایسه‌اي درباره‌ي مقدار جرایم و مفساد جنسي در کشورهاي اسلامي، که اکثراً مقید به رعایت پوشش در اجتماع هستند، با کشورهاي که برهنگی در آنها رواج دارد، همانند بسياري از کشورهاي اروپايي و غربي، تحقیقاتي انجام دهند تا براي افراي که درباره‌ي مطلب یاد شده تردید دارند، به طور علمي آشکار گردد که واقعاً بین افزایش پوشش و کاهش جرایم جنسي و بالعکس، رابطه‌ي معناداري وجود دارد.

16. در ضمن اثر حاضر آشکار شد که استفاده از چادر مشکي داراي ریشه‌هاي قرآني و روايي است؛ از این رو به اهل قلم و مطبوعات توصیه مي‌شود در مواجهه با سنت و سیره‌هاي موجود در بین مسلمين، مثل سیره و سنت استفاده‌ي زنان مسلمان از چادر مشکي، که داراي ریشه‌ي قرآني و اسلامي است با احتیاط و دقت مواجه شوند و این‌گونه نباشد که به راحتی به نقض سیره و سنت اسلامي اقدام کنند. امير مؤمنان علي(ع) مي‌فرمايند :

لا تنقض سنة صالحة عمل بها صدور هذه الامة واجتمعت بها الالفة و صلحت عليها الرعية و لا تُحدثن سنة تضر بشيء من ماضي تلك السنن فيكون الاجر لمن سنّها و الوزر عليك بما نقضت منها؛ [10] آداب پسندیده‌اي را که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شدند برهم مزن، و آدابی که به سنت‌هاي خوب گذشته زیان وارد مي‌کند پدید نیاور، که پاداش براي آورنده‌ي سنت و کيفر آن براي تو باشد که آنها را درهم شکستي.

17. در نوشته‌ي حاضر به طور مستند اثبات گردید که متأسفانه برخي مطبوعات و افراد از آزادي که به برکت جانفشاني صدها هزار شهيد گلگون کفن به دست آمده است به نحو شایسته و صحيح در راه تبیین و نشر حقايق استفاده نمي‌کنند، بلکه برعکس، در راه ترویج اباطیل و شبهه‌ها و سست کردن ارزش‌هاي الهي جامعه اسلامي، همانند حجاب، از آزادي سوء استفاده مي‌کنند. به نظر مي‌رسد یکی از علل این سوء استفاده، عدم تبیین صحيح و علمي محدوده‌ي آزادي بيان و قلم است که باعث گردیده عده‌اي تصور کنند به بهانه آزادي، مجاز به تبلیغ و ترویج هر فکر و عملي به هر شکل و قيمتي ولو با شیوه‌هاي غير علمي، مثل

ادعاهای بدون دلیل و ترویج دروغ و تهمت می‌باشند. ثمره‌ی چنین تصور نادرستی به هر حال این واقعیت تلخ عینی را منجر گردیده است که عده‌ای با نشر اکاذیب در مورد مبانی حجاب اسلامی، زمینه‌ی تشویش اذهان عمومی، به خصوص بانوان و دختران جوان در زمینه‌ی حجاب و پوشش اسلامی را فراهم کرده‌اند. حال پرسش اساسی این است که مسئولیت تشویش، سرگردانی و در نتیجه سستی آشکار نسبت به رعایت حجاب که در برخی از بانوان و دختران در اثر انتشار شبهه‌ها در زمینه‌ی حجاب اسلامی مشاهده می‌گردد به عهده کیست؟ به نظر می‌رسد، مسئولیت تشویش و سستی یاد شده، بیش از همه بر دوش افرادی است که به جای تبیین دقیق و عمیق مفهوم و معنای آزادی قلم و بیان و حد و مرزهای آن در یک جامعه اسلامی، [11] پیوسته فریاد به خطر افتادن آزادی سر داده و می‌دهند. به این گونه افراد و به افرادی که با سوءاستفاده از آزادی، شبهه‌هایی را در زمینه‌ی ارزش‌های اسلامی، مانند حجاب، با ابزار قلم و بیان در جامعه منتشر نموده و می‌نمایند، توصیه می‌شود درباره‌ی حد و مرز آزادی و تفاوت آزادی در جامعه‌ی اسلامی و جامعه‌ی غربی به مطالعه و پژوهش عمیق بپردازند.

پاورقی‌ها:

- [1] برای آگاهی از موفقیت‌های زنان ایرانی در اجلاس مذکور ر.ک: «همراه با زنان در سفرنامه‌ی یکن»، مجله‌ی پیام زن، ش 45-57.
- [2] به عنوان نمونه، در مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی 50، ص 18، طرح رژیم شاه در برخورد با حجاب و چادر چاپ شده است.
- [3] یکی از مصادیق برجسته و جالب در مورد تأثیر آگاهی زنان مسلمان در التزام آنها به حجاب، حادثه‌ی شگفت‌انگیز محببه شدن چند تن از زنان هنرپیشه‌ی مصری است که در یک اقدام غیر منتظره حجاب و پوشش اسلامی را انتخاب نمودند. متأسفانه این حادثه‌ی مهم در اثر بایکوت خبری رسانه‌ها در مطبوعات جهان، خصوصاً رسانه‌های غربی، انعکاس نیافت. مجموع مصاحبه‌های آنان را در شماره‌های 11 و 12 و 13 مجله‌ی پیام زن می‌توانید مطالعه نمایید.
- [4] برای آشنایی با جهاد فرهنگی بعضی از زنان فرهیخته با مقوله‌ی کشف حجاب، به عنوان نمونه ر.ک: زینب بیگم شیرازی، «جوابیه‌ی ضاله طالبین رفع حجاب»، پیام زن، ش 112، ص 26.
- [5] مجله‌ی زنان، سال سوم، بهمن و اسفند 73، شماره 22، خانم چرا سیاه می‌پوشید؟ به کوشش لیلی پورزن.
- [6] گویو نمازی، هم‌اندیشی جوانان درباره لباس پوشیدن، روزنامه‌ی نوروز 18 / 4 / 80، ص 8.
- [7] مانا دشت گلی، «نکند پدر مرا نشناسد» روزنامه‌ی نوروز، 24 شهریور 1380، ص 8.

[8] پاسخ این ادعا در فصل دوم این اثر آمده است.

[9] اردوباری، آیین بهزیستی اسلام، ج 3، ص 219.

[10] نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، نامه‌ی 53، ص 572.

[11] برای آگاهی بیشتر در زمینه‌ی محدوده‌ی آزادی قلم و بیان از دیدگاه اسلام و تفاوت دیدگاه اسلام و غرب در باب آزادی ر. ک: به آثار ذیل از سردار بزرگ جهاد فرهنگی بر ضد شبهه‌افکنان در عصر حاضر علامه استاد محمد تقی مصباح یزدی، دین و آزادی، و نظریه حقوقی اسلام، ص 303 - 400، و نیز نظریه سیاسی اسلام، ج 1، ص 63 - 97 و 213 - 224.

پیوست: استفتانات و دیدگاه‌های مراجع تقلید درباره‌ی حجاب و لباس [1]

امام خمینی (ره):

آنها که زن‌ها را می‌خواهند ملعبه‌ی مردان و ملعبه‌ی جوانان فاسد قرار بدهند، جنایتکارند. زنها نباید گول بخورند. زن گمان نکند این مقام زن است که بزک کرده بیرون برود، با سر باز و لخت؛ این مقام زن نیست، زن باید شجاع باشد، زن آدم‌ساز است، زن مربی انسان است. [2]

حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی:

«حجاب بانوان در اسلام یکی از اموری است که از وقتی استعمارگران، چشم طمع به کشورهای اسلامی و غصب معادن و منابع طبیعی آنها دوختند، مورد حمله‌ی آنها قرار گرفت؛ زیرا چادر و حجاب زنان مسلمان را یکی از عوامل بزرگ برای بقاء استقلال شخصیت اسلامی کل جامعه‌ی مسلمانان و حفظ هویت اسلامی آن دیدند و آن را مانع سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود شناختند. [3]

حضرت آیت الله خامنه‌ای:

آیا جنایتی از این بزرگتر نسبت به زن هست که زن را با آرایش، مد و جلوه‌گری زیورآلات سرگرم کنند و از او به عنوان يك ابزار و وسیله استفاده کنند؟ امروز سر و سینه را از زیورآلات پر کردن و آرایش و مد و لباس را بت قرار دادن، برای زن انقلابی مسلمان ننگ است، چادر بهترین نوع حجاب و نشانه‌ی ملی ماست.

آیا حجاب از ضروریات دین است؟ حکم کسانی که به آن بی‌اعتنایی می‌کنند چیست؟

حضرت آیت الله خامنه‌ای:

اصل حجاب ضروری دین محسوب است، ولی بعضی فروع آن ممکن است ضروری نباشد و بی‌اعتنایی به اصل حجاب و عدم رعایت آن معصیت و گناه است.

حضرت آیت الله تبریزی:

اصل حجاب برای زنان از ضروریات دین است و حکم کسانی که به آن بی‌اعتنایی نمایند، حکم بی‌اعتنایی به سایر تکالیف دینی است.

حضرت آیت الله صافی:

اصل وجوب حجاب فی الجمله از ضروریات اسلام است و منکر آن مرتد است، ولی بی‌اعتنایی به آن با عدم انکار وجوب آن باعث فسق است.

حضرت آیت الله سیستانی:

اصل حجاب از مسلمات شریعت است و در قرآن آمده است، ولی کسانی که توجه به وضوح آن ندارند، انکار آنها مستلزم انکار نبوت نیست و بی‌اعتنایی عملی گناه است.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

آری حجاب از ضروریات دین است، ولی انکار آن برای کسانی که از ضروری بودن آن آگاهی ندارند، موجب ارتداد نمی‌شود.

حضرت آیت الله بهجت:

بی‌اعتنایی به حجاب گناه است و داشتن حجاب واجب است.

پوشیدن جوراب نازک و بدن‌نما برای خانم‌ها در بیرون از منزل و انظار نامحرمان چه صورت دارد؟ و بیرون گذاشتن موهای سر از چادر و مقنعه توسط خانم‌ها در دید نامحرمان چگونه است؟

حضرت آیت الله خامنه‌ای:

پوشانیدن بدن از نامحرمان بر زن واجب است و چنین جوراب‌هایی برای حجاب شرعی واجب کفایت نمی‌کند و پوشیدن تمام موی سر در برابر نامحرمان واجب است.

آرایش زنان در خیابان‌ها و بیرون گذاشتن مقداری از موها و پوشیدن جوراب بدن‌نما و لباس‌های محرک چه صورت دارد؟

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای:

بر زن واجب است تمام بدن و موی و زینت خود را از نامحرم بپوشاند .

حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی:

حرام است.

حضرت آیت‌الله بهجت:

حرام است.

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی:

حرام است.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی:

بدون شك جایز نیست.

حضرت آیت‌الله تبریزی:

جایز نیست.

حضرت آیت‌الله سیستانی:

جایز نیست.

عده‌ای همراه با تبلیغات فرهنگی دشمن، در روزنامه‌ها و سخنرانی‌هایشان می‌گویند: چادر مشکی برای بانوان مکروه است و باید پوشش جدید، مانند مانتو و کت و دامن با رنگ‌های متنوع، جای‌گزین چادر مشکی شود. آیا چنین حرف و اقدامی صحیح است یا نه؟ خواهشمند است نظر شریفتان را مرقوم فرمایید.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای:

این صحبت صحیح نیست، و بهترین حجاب، پوشش چادر است، و چادر سیاه هم بی‌اشکال است و کراهت ندارد.

حضرت آیت‌الله تبریزی:

زن باید بدن خود را در غیر وجه و کفین، از نامحرم بپوشاند و نیز باید زینت خود را بپوشاند و لباسی که زینت حساب می‌شود باید آن را هم بپوشاند، و با چادر بهتر می‌تواند بدن و زینت را بپوشاند و چادر سیاه، مثل عبا سیاه کراهت ندارد.

حضرت آیت‌الله بهجت:

این اقدام باطل است.

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی:

نظریه‌ی مذکور صحیح نیست و مفسد بسیار دارد. متأسفانه در این زمان عده‌ای اصرار بر آشکار شدن مفاثن زن و خروج او از ستر و عفاف، که حافظ شخصیت و ارزش و متانت اوست دارند و مع‌الاسف می‌خواهند این امر را اسلامی جلوه دهند؛ در حالی که برخلاف اسلام است.

حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی:

چادر مشکی بهترین نوع حجاب است و پوشیدن لباس‌هایی که جلب توجه کند حرام است.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی:

با توجه به این‌که در حال حاضر رنگ مشکی برای حفظ پوشش زنان بهتر است، کراهت آن ثابت نیست.

امروز يك حرکت خزنده‌ای علیه چادر، که يك حجاب ملي و سنتي است آغاز گردیده است، خواهشمندیم نظر مبارك را در این مورد مرقوم فرمایید.

حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی:

سزاوار است خانم‌ها از چادر استفاده کنند؛ چون چادر در کشور اسلامی ایران از مظاهر و شعایر اسلام می‌باشد و با حفظ این شعار سعی کنند بانوان محترم، حرکت مورد سؤال را خنثی کنند.

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی:

چادر بهترین پوشش برای خانم‌هاست، چون تمامی مفاثن بدن را می‌پوشاند. خانم‌های مسلمان باید آداب و سنن اسلامی را در لباس پوشیدن مراعات کنند و از تجدّدگرایی مضرّ پرهیز کنند.

حضرت آیت‌الله بهجت:

چادر حجاب پسندیده است.

حضرت آیت‌الله سیستانی:

چادر حجاب بهتر است و سزاوار نیست زن‌های مؤمن بدون چادر خارج شوند.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی:

حجاب یکی از قوانین مسلم اسلام است و اساس آن پوشاندن بدن و موها غیر از صورت و دست‌ها تا میچ است؛ ولی بی‌شک چادر حجاب برتر است.

حضرت آیت‌الله تبریزی:

پوشیدن بدن بر زن واجب، و بهترین نوع پوشش واجب، همان چادر مشکی است که زن‌های مؤمنه خود را با آن می‌پوشانند.

نظر جنابعالی در مورد پوشیدن لباس‌هایی که عکس یا علامت مربوط به کشورهای غربی روی آن نقش بسته است چیست؟

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای:

استفاده از این‌گونه لباس‌ها که ترویج فرهنگ غیر مسلمین مهاجم بر مسلمین است، اشکال دارد. [4]

حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی:

بهتر است از این نوع لباس‌ها استفاده نکنند.

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی:

مسلمین از این‌گونه لباس‌ها استفاده نکنند.

حضرت آیت‌الله تبریزی:

برای مؤمن سزاوار نیست لباسی بپوشد که او را از زیّ مؤمنین خارج کند.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی:

هرگاه سبب ترویج فرهنگ بیگانگان گردد اشکال دارد.

بعضاً مشاهده می‌شود که بعضی از افراد در مجالس عقد و عروسی و عده‌ای در انظار عمومی، اقدام به نصب کراوات و پاپیون بر روی پیراهن خود می‌نمایند، حکم شرعی استفاده از لوازم مذکور چیست؟

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای:

بستن کراوات و پاپیون چون تقلید و ترویج از فرهنگ مهاجم غیر مسلمین است جایز نیست. [5]

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی:

کراوات و پاپیون شعار کفار است و مسلمین نباید از آنها استفاده کنند.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی:

با توجه به این‌که کراوات و پاپیون در محیط ما ترویج فرهنگ بیگانه محسوب می‌شود، استفاده از آن اشکال دارد.

حضرت آیت‌الله تبریزی:

برای مؤمن سزاوار نیست لباسی بپوشد که او را از زیّ مؤمنین خارج کند.

حضرت آیت‌الله بهجت:

خلاف احتیاط است.

1) برخورد زن همراه با چهره‌ی خندان و متبسم با مردان نامحرم هنگام خرید از مغازه‌ها و سایر

برخوردها چه صورت دارد؟

2) خندیدن زنان و دختران با صدای بلند در خیابان و یا انجام برخی حرکات دیگر که موجب جلب توجه

نامحرم می‌شود چگونه است؟

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای:

1) صحبت کردن و خندیدن با نامحرم اگر موجب مفسده باشد جایز نیست.

2) از هر کاری که موجب جلب توجه نامحرم می‌شود باید پرهیز نمود.

حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی:

1 و 2) به طور کلی دختران و زنان باید در مقابل مردان نامحرم به نحوی لباس بپوشند و راه بروند و

صحبت کنند که موجب توجه و نگاه سوء و تهییج مردان نشوند و اگر کردند گناه بزرگ است.

حضرت آیت‌الله بهجت:

1) هر کاری که معرضیت ریبه و یا فتنه در آن است جایز نیست.

2) جایز نیست.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی:

1) اشکال دارد و هنگام ضرورت نباید از مکالمات عادی تجاوز کنند.

2) بهتر است زنان و دختران مسلمان از این‌گونه کارها بپرهیزند و اگر منشأ فساد می‌شود جایز نیست.

حضرت آیت‌الله تبریزی:

1) اگر از روی التفات کاری را که موجب جلب نظر اجانب شود انجام دهند اشکال دارد.

2) زن عقیف این کار را نمی‌کند، بلکه اگر معرض تهییج شهوت برای یکی از طرفین باشد حرام است.

حضرت آیت‌الله لطف‌الله صافی:

1) مخالف نص قرآن است ولا یخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض.

2) جایز نیست.

برخی در مورد مسائل زنان اظهار نظرهای نامناسبی را ابراز می‌کنند، مانند بحث دوچرخه‌سواری یا

ورزش بانوان، یا در مورد حجاب اظهار می‌دارند که به نظر ما گت و دامن جهت حجاب کفایت می‌کند.

نظر حضرت‌عالی در این زمینه‌ها چیست؟

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای:

اظهار نظر در مسائل دینی و احکام شرعی بر کسانی که صاحب نظر نیستند جایز نیست؛ و بر مؤمنین واجب است در تمام احکام دینی به مراجع بزرگوار تقلید و اسلام‌شناسان مورد وثوق و اعتماد مراجعه نمایند.

حضرت آیت‌الله تبریزی:

ترویج اموری که مبدأ نشر فساد در جامعه یا بی‌عفتی زنان و دختران شود جایز نیست؛ و پوشیدن لباسی که تمام حجم بدن آنان را نشان دهد که لباس زینت حساب بشود، کفایت نمی‌کند.

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی:

امور مذکوره معرضیت برای مفسده دارد. بانوان باید جداً از آن بپرهیزند.

حضرت آیت‌الله بهجت:

هر چه باعث فتنه و فساد باشد اشکال دارد.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی:

هر چه موجب اشاعه‌ی مفسد اخلاقی گردد حرام است.

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی:

امور مذکوره معرضیت برای مفسده دارد. بانوان باید جداً از آن بپرهیزند.

برخی از مادران، فرزندان دختر خود را که به بلوغ شرعی نرسیده‌اند با سر و پای برهنه در خیابان‌ها و مجالس در حضور نامحرمان می‌آورند، مستدعی است وظیفه‌ی والدین را در قبال فرزندان خود بیان فرمایید و این بی‌اعتنایی چه صورت دارد؟

حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی:

بر پدر و مادر است که فرزندان خود را با آداب و رسوم اسلامی و وظایف شرعی آشنا کنند و چنانچه موارد مذکور موجب تهییج و مفسده شود، اگر چه بچه ممیز نباشد، باید آنان را بپوشانند و حفظ کنند تا جامعه آلوده و بی‌بندوبار نشود.

حضرت آیت‌الله سیستانی:

بر غیر بالغ، پوشیدن واجب نیست؛ ولی پدر و مادر لازم است که فرزند خود را به رعایت آداب و شئون اسلامی و ادار نمایند و در تربیت صحیح شرعی آنان بکوشند.

حضرت آیت‌الله بهجت:

تمرین اطفال بر وظایف شرعی به عهده‌ی والدین است.

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی:

کار صحیحی نیست و والدین موظف‌اند دختر را از کودکی به رعایت حجاب و گریز از نامحرم عادت دهند و اگر در این امر مسامحه کنند و دختر را نسبت به نامحرم بی‌تفاوت نمایند، شریک در معاصی دختر هستند. در حدیث وارد شده است که در مجلسی که حضرت رضا(ع) تشریف داشتند و عده‌ای نیز حضور داشتند، دختر بچه‌ای وارد شد؛ حضار در مجلس یکی یکی دختر را مورد نوازش قرار دادند، تا رسید به حضرت رضا(ع) آن حضرت از سن دختر سؤال کردند؛ گفته شد پنج سال دارد؛ حضرت دختر را از خود دور کرد و رفتاری که دیگران کرده بودند نمودند؛ و اعمال آن بزرگوار باید برای زن مسلمان سرمشق باشد.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی:

بر پدر و مادر لازم است فرزندان خود را به مسائل اسلامی از زمان طفولیت آشنا کنند.

حضرت آیت‌الله تبریزی:

پوشش بر دختران نابالغ واجب نیست؛ لکن وظیفه‌ی والدین است که دخترانشان را به پوشش اسلامی عادت دهند و فرزندان‌شان را با احکام اسلامی تربیت نمایند.

در صورتی که زن می‌داند مرد نامحرم به قصد لذت به صورت و دست‌های معمولی زینت نشده‌ی او نگاه می‌کند، در این فرض پوشاندن صورت و دست‌ها لازم است یا نه؟

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای:

در فرض مذکور باید حتی وجه و کفین خود را هم بپوشاند.

حضرت آیت‌الله تبریزی:

بلی در این صورت بنا بر احتیاط پوشاندن لازم است.

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی:

دست و صورت بنا بر احتیاط واجب باید پوشیده شود. (جامع‌الاحکام 165/2).

حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی:

بلی پوشاندن آن لازم است

حضرت آیت‌الله بهجت:

پوشاندن دست و صورت مطلقاً بنا بر احتیاط لازم است.

پاورقی‌ها:

- [1] به نقل از «مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید» ج 1 و 2؛ تهیه و تنظیم، سیدمحسن محمودی.
- [2] صحیفه‌ی نور، ج 11، ص 254.
- [3] حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (ره)، پیام به کنگره سراسری حجاب.
- [4] مجله‌ی نصیحت، شماره‌ی 149.
- [5] مجله‌ی نصیحت، شماره‌ی 1154.

فهرست گزیده منابع [1]

1. قرآن کریم.
2. نهج البلاغه.
3. آمدی، عبد الواحد بن محمد؛ غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق المصطفی الدرایتی و حسین الدرایتی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، 1377.
4. ابن عربی؛ احکام القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولي، 1408 هـ. ق.
5. ابن منظور المصري، ابي الفضل جمال الدين؛ لسان العرب، بیروت: دار صادر، الطبعة الاولي، 1410 هـ. ق.
6. ابوالحسنی، علی؛ سیاه‌پوشی در سوگ ائمه‌ی نور، قم: مؤسسه الهادی، چاپ اول، بهار 1375.
7. الالوسی، ابي الفضل شهاب الدين السيد محمود؛ روح المعاني في تفسير القرآن، بیروت: دار احیاء التراث، الطبعة الرابعة، 1405 هـ. ق.
8. امین، سید نصرت بیگم؛ تفسیر مخزن العرفان، اصفهان: چاپ نشاط.
9. باقری، خسرو؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه، چاپ سوم، زمستان 1374.
10. البحرانی، یوسف؛ الحدائق الناضرة في احکام العترة الطاهرة، مؤسسة النشر الاسلامی. 1363 هـ. ش.
11. البیضاوی، ناصر الدين ابي سعيد عبد الله؛ انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت: دار صادر.
12. بیگم شیرازی، زینب؛ جوابیه مقاله‌ی ضاله طالبین رفع حجاب، به کوشش رسول جعفریان، مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی 112.
13. پلنگی، محبوبه؛ زنان در الجزایر، مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی 59.

14. الجوهري، اسماعيل بن حماد؛ الصحاح، تحقيق احمد عبدالغفور عطار، بيروت: دار العلم للملايين، الطبعة الرابعة.
15. حداد عادل، غلامعلي؛ فرهنگ برهنگي و برهنگي فرهنگي، تهران: انتشارات سروش، چاپ ششم. 1374.
16. الحرّاني، ابو محمد الحسن بن علي ابن الحسين ابن شعبه؛ تحف العقول عن آل الرسول(ص)، ترجمه احمد جنّتي، انتشارات علميه اسلاميه، اسفند 1354.
17. الحر العاملي، محمد بن الحسن؛ وسائل الشيعة الي تحصيل مسائل الشريعة، بيروت: چاپ دار احياء التراث العربي.
18. حسينيان، روح الله؛ حريم عفاف، (حجاب، نگاه)، چاپ اول، مركز چاپ و نشر سازمان تبليغات اسلامي، تابستان 1372.
19. الحسيني الزبيدي، سيد محمد بن احمد؛ تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق علي شيري، بيروت: انتشارات دار الفكر، الطبعة الاولى، 1414 هـ . ق.
20. الخطيب العدناني؛ الملابس و الزينه في الاسلام، مؤسسة انتشار العربي، الطبعة الاولى 1999.
21. خويي، ابوالقاسم؛ شرح عروه الوثقي، كتاب الصلاة.
22. راغب اصفهاني؛ معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقيق نديم مرعشلي، دار الكاتب العربي.
23. رحمانى، حجت الله؛ اعجاز رنگ سياه، چرا چادر مشكي، نشرهيه فيضيه، 7 أذر 1379.
24. رفيع، جلال؛ يادداشتها و رهاوردهاي سفر نيويورك در بهشت شّاد، أمريكاي متمدن، أمريكاي متوحش، تهران: مؤسسهيه اطلاعات، چاپ اول، 1370 هـ . ش.
25. زمخشري، محمود بن عمر؛ الكشاف، عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقاويل في وجوه التاويل، بيروت: ناشر دار الكتاب العربي، الطبعة الثالثة، 1407 هـ . ق.
26. زنجاني، فياض؛ رسالهيه حجابيه، مجلهيه كيهان انديشه، شمارهيه 60، خرداد و تير 1374.
27. زيدان، عبدالكريم؛ المفصل في احكام المرأة والبيت المسلم في الشريعة الاسلاميه، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الثالثة، 1417 هـ . ق.
28. سادات فخر، سيد علي؛ حجاب ارزش يا روش، مجلهيه كتاب نقد، شمارهيه 17، ويژهيه فمينيزم.
29. السجستاني الازدي، ابي داود سليمان بن الاشعث؛ سنن ابي داود، طبع دار الكتب العربي.
30. الشرتوني، سعيد الخوري، اقرب الموارد في فصح العربييه و الشوارد، تهران: دار الاسوة للطباعة و النشر، الطبعة الاولى؛ 1374 هـ . ش.
31. شعراني، ابوالحسن؛ دمع السجوم، ترجمهيه نفس المهموم، تهران: انتشارات علميه اسلاميه، ربيع الاول 1374 هـ . ق.

32. _____؛ نثر طوبي، دائرة المعارف لغات قرآن مجيد، انتشارات اسلاميه.
33. صافي، محمود؛ الجدول في اعراب القرآن و صرفه و بيانہ، دمشق: دار لارشي، الطبعة الاولى، 1411 هـ . ق.
34. صبوري اردوباري، احمد؛ آيين بهزيستي اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي، چاپ اول، تابستان 1367.
35. الصدوق، ابن جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي؛ المقنع، قم: مؤسسة الامام الهادي (ع)، 1415 هـ . ق.
36. _____؛ الخصال، صحّحه و علّق عليه علي اكبر الغفاري، منشورات جماعة المدرسين، طبع شهريور 1362.
37. _____؛ من لا يحضره الفقيه، قم: مؤسسه النشر الاسلامي، الطبعة الثانية، 1404 هـ . ق.
38. صفي پور، عبدالرحيم؛ «منتهي الارب في لغة العرب»، چاپ اسلاميه، جمادي الثاني 1377.
39. الطباطبائي، سيد محمد كاظم؛ العروه الوثقي، قم: ناشر مكتبه الوجداني.
40. الطباطبائي، محمد حسين؛ الميزان في تفسير القرآن، قم: مؤسسه مطبوعاتي اسماعيليان، الطبعة الثانية، 1394 هـ . ق.
41. طبرسي، ابو علي الفضل بن الحسن؛ مجمع البيان في تفسير القرآن، طبع كتابفروشي اسلاميه.
42. الطبرسي، ابومنصور؛ الاحتجاج، بيروت: منشورات مؤسسه الاعلمي للمطبوعات.
43. طريحي، فخر الدين؛ مجمع البحرين، تحقيق سيد احمد حسيني، تهران: انتشارات مرتضوي، چاپ دوّم، شهريور 1362.
44. الطوسي، محمد حسن؛ التبيان في تفسير القرآن، بيروت: دار احيا التراث العربي.
45. طيبي، ناهيد؛ حجاب و عفاف مروري دوباره، مجله يي پيام زن، شماره ي 95 - 96.
46. عابديني، احمد؛ عاشورا، حفظ كرامت و حجاب، مجله يي پيام زن، شماره ي 69.
47. عابديني، عليّه، دراسات في سيكولوجية الملابس، قاهره: دار الفكر العرب، 420 هـ . ق.
48. الفراهيدي، خليل بن احمد؛ العين، تحقيق مهدي محزومي، بيروت: دار الهجرة الطبعة الثانية، 1409 هـ . ش.
49. فرزنان، ناصر؛ رنگ و طبيعت، دانش رنگها، تهران: چاپ اول، 1375.
50. فضل الله، محمد حسين؛ مصاحبه در باره ي جوانان، ورزش و حجاب، دنياي جوان، مجله يي پيام زن، شماره ي 74، ارديهشت 1377.
51. فلسفي، محمد تقی؛ جوان از نظر عقل و احساسات، تهران: هئيت نشر معارف اسلامي، چاپ

- دوازدهم، 1344 ش.
52. —————؛ كودك از نظر وراثت و تربيت، تهران: انتشارات الحديث، چاپ اول، 1368 ش.
53. فيض كاشاني، ملا محسن؛ تفسير صافي، منشورات مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، بيروت: الطبعة الثانية، 1402 هـ . ق.
54. —————؛ المحجة البيضاء في تهذيب الاحياء، قم: دفتر انتشارات اسلامي، الطبعة الثانية.
55. فيومي، احمد بن محمد؛ المصباح المنير، بيروت: المكتبة العلمية.
56. قانع، سيد مهدي؛ انسان، پوشش و ريشه‌هاي تاريخي، مجله‌ي پيام زن، شماره‌هاي 18، 19، 20.
57. القمي، شيخ عباس؛ سفينة البحار و مدينه‌ي الحكم و الآثار، بيروت: دار التعارف للمطبوعات.
58. كليني، محمد بن يعقوب؛ اصول و فروع كافي، چاپ دار الكتب الاسلاميه.
59. گلي زواره، غلامرضا؛ استعمار و استبداد و هجوم به فرهنگ عفاف و حجاب، پيام زن؛ شماره‌ي 70.
60. گوهري، سيد اسماعيل؛ آرزوي شهادت در بيان معصومين(ع)، تهران: انتشارات اميري، چاپ اول، مرداد 1366.
61. لسان التنزيل، به اهتمام مهدي محقق، مركز انتشارات علمي و فرهنگي، چاپ دوم 1362.
62. لوشر، ماكس؛ روانشناسي رنگ‌ها، ترجمه‌ي ويدا ابي‌زاده، چاپ چهاردهم، 1378.
63. مجلسي، محمد باقر؛ بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار(ع)، بيروت: دار احياء التراث، الطبعة الثالثة، 1403 هـ. ق.
64. محمدي ري شهري، محمد؛ ميزان الحكمه، قم: مركز انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه‌ي علميه‌ي قم. الطبعة الاولى، 1362 هـ ش.
65. محمدي نيا، اسد الله؛ آنچه بايد يك زن بداند، قم: مركز انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه‌ي علميه‌ي قم، چاپ دوم، 1371.
66. محمودي، سيد محسن؛ مسائل جديد از ديدگاه علما و مراجع تقليد. ورامين: انتشارات علمي فرهنگي صاحب الزمان (عج)، چاپ ششم، بهار 1380.
67. مرادي، مرضيه؛ اهداف حاصله از پوشش، مجموعه‌ي مقالات پوشش و عفاف، دومين نمايشگاه تشخص و منزلت زن در نظام اسلامي، بهمن 1370.
68. مركز مدارك فرهنگي انقلاب اسلامي؛ صحيفه‌ي نور، مجموعه‌ي رهنمودهاي امام خميني (ره)، بهمن ماه 1361.
69. مشهدي، محمد؛ تفسير كنز الدقائق، قم: مؤسسه النشر الاسلامي، الطبعة الاولى، محرم الحرام 1413

هـ. ق.

70. مصطفوي، سيد حسن؛ التحقيق في كلمات القرآن الكريم، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامي، الطبعة الاولى، 1368 هـ. ش.

71. مطهري، مرتضي؛ پاسخهاي استاد به نقدهايي بر كتاب مسئلهي حجاب، قم: انتشارات صدرا، چاپ دهم، خرداد 1379.

72. _____؛ مسئلهي حجاب، انتشارات صدرا، چاپ بهار 1377.

73. معصومي، سيد مسعود؛ احكام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعي آنان، قم: مركز انتشارات دفتر

تبليغات اسلامي حوزهي علميهي قم، چاپ اول، زمستان 1372.

74. مغنيه، محمد جواد؛ التفسير الكاشف، بيروت: دار العلم للملايين، الطبعة الرابعة، 1990م.

75. مكي العاملي، شمس الدين محمد؛ (الشهيد الاول)، الدروس الشرعية في فقه الاماميه، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.

76. مؤسسهي فرهنگي قدر ولايت؛ حكايت كشف حجاب، تهران: چاپ اول 1378.

77. مهدي زاده، حسين؛ نقد ادله مخالفين چادر مشكي، روزنامهي جمهوري اسلامي، 3 و 4 بهمن 1379.

78. _____؛ هم انديشي منطقي با جوانان دربارهي لباس، روزنامهي جمهوري اسلامي، 19 و

21 شهريور 1380.

79. _____؛ فقر روش و بينش در بعضي مقالات مربوط به حجاب، روزنامهي جمهوري

اسلامي، 26 مهر 1380.

80. مهر يزي، مهدي؛ حجاب، تهران: مؤسسهي فرهنگي دانش و انديشهي معاصر، چاپ اول، پاييز

1379.

81. ناظم زاده قمي، سيد اصغر؛ جلوه هاي حكمت، قم: مؤسسه چاپ الهادي، چاپ اول، پاييز 1373.

82. نجفي، محمد حسن؛ جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام، دار الكتب الاسلامية، الطبعة السابعة،

1392 هـ. ق.

83. نصرتي، علي اكبر؛ سحر شبهه، ماهنامهي اطلاع رساني مبلغان، ارم شمارهي 3، ضميمهي بصائر

مهر ماه 77، (ويژه نامهي خبرگان سوم).

84. النوري الطبرسي، ميرزا حسين؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقيق و نشر، مؤسسه آل البيت

لاحياء التراث، الطبعة الثانية، 1408 هـ. ق.

85. ويژه نامهي فرهنگ اسلام، بهار 1379.

86. هاشمي، مينا؛ حجاب زيبايي شعار، كارآيي شعور، سالنامهي زن، ستاد برگزاري نمايشگاه تشخص و

منزلت زن در نظام اسلامي، بهمن 1371.

[1] همان‌گونه که از عنوان آشکار می‌گردد، آنچه به عنوان منابع ذکر گردیده است، تنها بخشی از منابع است. غیر از منابع یاد شده، نگارنده به منابع فراوان دیگری نیز رجوع نموده است که به دلیل عدم نقل مستقیم، اسامی آنها در فهرست حاضر نیامده است، ولی بعضاً در پاورقی‌ها نام برخی از آنها آمده است. افراد علاقمند به تحقیق درباره‌ی حجاب می‌توانند به آنها و همچنین به منابعی که در کتاب‌شناسی‌های حجاب معرفی شده است مانند دو کتاب‌شناسی زیر رجوع کنند.

الف. رسول جعفریان، «کتاب‌شناسی حجاب» مجله‌ی آینده‌ی پژوهش، شماره‌ی پیاپی 69 مرداد - شهریور 1380، ص 106.

ب. احمد ملک شاهی، «استدراکی بر کتاب‌شناسی حجاب» مجله‌ی آینده‌ی پژوهش، شماره‌ی پیاپی 72، 71، آذر - اسفند 1380، ص 166.